صبح صادق

دوشنبه ۷ خرداد ۱۳۹۷
۱۲ رمضان ۱۴۳۹
سال هجدهم شماره ۸۴۹
۱۲ صفحه

هفته‌نامه داخلی
سیاسی، فرهنگی و اجتماعی

www.sobhesadeghweekly.ir

میلاد کریم اهل بیت حضرت امام حسن مجتبی(ع) مبارک باد

صبح صادق تجارب گذشته، دلایل بی‌اعتمادی به غرب و راهبرد آینده جمهوری اسلامی ایران را بررسی می‌کند

تضمین اروپایی و تحکیم قدرت درونی

صفحه ۴

آفات عدالت گرایی و عامل مصونیت آن

صفحه ۳

ونزوئلا و «نه» مجدد به امپریالیسم

صفحه ۵

سرمایه‌گذاری دولت برای صادرات کالاهای غیر نفتی

صفحه ۶

آیا از «مدرک»مان راضی هستیم؟

صفحه ۷

احساسات گرایی مفرط در یک ملودرام خانوادگی

صفحه ۱۲

«جیم دبلیو دین» نویسنده و تحلیلگر آمریکایی در گفت‌وگوی اختصاصی با صبح صادق

به ما اعتماد نکنید!

همین صفحه

گزارش هشدارآمیز نسبت به چند و چون فیلتر یک پیام‌رسان خارجی

تلگرام؛ بودن یا نبودن مسئله این است!

با شروع فیلترینگ بسیار از کانال‌ها و گروه‌های تلگرامی به پیام‌رسان‌های داخلی منتقل شد و این آغاز حمایت مردم و البته صاحبان کانال‌هایی که عمدتاً نزدیک به جبهه انقلاب اسلامی بودند، از پیام‌رسان‌های داخلی بود؛ اما از یک سو فیلترینگ ناقص اعمالی بر تلگرام و از سوی دیگر عملکرد ضعیف پیام‌رسان‌های داخلی در سایه بی‌مهری‌های دولت سبب شد که کوچ نیروهای انقلابی از تلگرام به نوعی برای کانال‌های ضد انقلاب فضا ایجاد کند

صفحه ۲

کسب و کار پر رونق یک معلم بازنشسته

از خارهای بیابان عرقیات گیاهی تولید می‌کنیم

صفحه ۶

در گفت و گو با مدیر مؤسسه ۲۷ بعثت مطرح شد

شهید حاج حسین همدانی پشت همه ماجرا بود

صفحه ۱۱

تحلیل بر چالش‌هایی که بر سر راه افزایش جمعیت وجود دارد

پنجره جمعیت در تندباد بحران‌ها بسته می‌شود

امروز ۳ میلیون زوج نابارور، حدود ۱۲ میلیون جوان در آستانه خروج از سن مناسب باروری و همچنین جوانان مطلقه‌ای که در سال نخست یا پنج ساله نخست ازدواج‌شان از یکدیگر جدا می‌شوند، تنها فهرستی از آسیب‌های اجتماعی پیرامون ما نیستند؛ بلکه جمعیتی هستند که بی‌صدا از حوزه باروری و افزایش جمعیت خارج می‌شوند

صفحه ۱۰

سرمقاله

آیا اروپا تضمین می‌دهد؟

□ دکتر یدالله جوانی / «نباید کسب‌وکار کشور را معطل برجام نگه داشت.» این جمله و کلام کوتاه، از مهم‌ترین راهبردهایی است که رهبر حکیم و فرزانه انقلاب اسلامی، در هفتمین روز ماه مبارک رمضان در دیدار با مسئولان نظام خطاب به آنها بیان فرمودند. در این کلام دو نکته مهم وجود دارد: اول اینکه، گره زدن حل مشکلات کشور در سال‌های اخیر به برجام، یک خطای راهبردی و مشکل‌ساز بوده است؛ دوم اینکه، ظرفیت‌های کشور و واقعیت‌های منطقه و جهان، به گونه‌ای است که می‌توان بدون توجه به برجام و بود و نبود آن، تمامی مشکلات کشور را به ویژه در حوزه اقتصادی، کسب‌وکار و معیشت مردم حل کرد. با چنین نگاه دقیق، منطقی و واقع‌بینانه، مسئولان نظام باید آینده برجام را رقم بزنند. آمریکا برخلاف تعهداتش از برجام خارج شده و از این معاهده بین‌المللی یک جسم و روح بی‌رمق باقی مانده است. اروپایی‌ها مدعی‌اند؛ با کمک روسیه و چین می‌توان برجام را حفظ و احیا کرد و به آن جان تازه‌ای بخشید. آیا برجام بدون آمریکا را می‌توان حفظ کرد؟ همه کارشناسان می‌گویند، اگر شدنی هم باشد کاری بسیار دشوار است. اما این دشواری بر روی دوش چه کسانی سنگینی می‌کند؟ به یقین بر روی دوش اروپایی‌های متحد آمریکا؛ زیرا ایران از ابتدا تاکنون به تمامی تعهداتش طبق برجام عمل کرده است. دشواری کار اروپایی‌ها در دادن تضمین به جمهوری اسلامی، برای منتفع شدن ملت ایران از برجام است. منافع اقتصادی مورد مطالبه جمهوری اسلامی برای کشور و ملت، در واقع مابه‌ازای تعهدات ایران در برجام است که به طور کامل به آن عمل کرده و همچنان به آن پایبند است. این تعهدات تماماً در حوزه فعالیت‌های هسته‌ای از قبیل توقف غنی‌سازی ۲۰ درصد، کاهش تعداد دستگاه‌های سانتریفیوژ، نیمه‌فعال نگه داشتن تأسیسات هسته‌ای فردو، رعایت سقف حداکثری نگه داشتن اورانیوم غنی شده ۳/۵ درصد تا ۳۰۰ کیلو، همین نوع محدودیت نگهداری در آب سنگین، تغییر در ماهیت تأسیسات آب سنگین اراک، پذیرش محدودیت‌ها در تحقیق و توسعه و همچنین اجرای داوطلبانه پروتکل الحاقی است. جمهوری اسلامی ایران طبق برجام این تعهدات را با این هدف پذیرفت و عمل کرد که تمامی تحریم‌های هسته‌ای برداشته شود و هیچ نوع تحریم جدیدی وضع نشود. آمریکایی‌ها که عامل اصلی وضع تحریم‌ها علیه ملت ایران بودند، از همان ابتدای اجرایی شدن برجام به تعهدات خود عمل نکردند و اکنون با خارج شدن از برجام با صراحت از برگرداندن تمامی تحریم‌های هسته‌ای گذشته و وضع شدیدترین تحریم‌ها در آینده سخن می‌گویند!

حال اروپایی‌ها می‌گویند ما می‌خواهیم برجام را بدون آمریکا حفظ کنیم و دولت آقای روحانی هم، برای حفظ برجام با اروپایی‌ها تلاش می‌کند. در چنین فضا و چنین شرایطی رهبر حکیم، دوراندیش و فرزانه انقلاب اسلامی، در راستای تأمین حقوق و منافع ملت ایران، بر روی راهبرد «گرفتن تضمین از اروپایی‌ها» تأکید دارند. تأکید معظم‌له بر اخذ تضمین، مبتنی بر واقعیاتی است که نباید آن را نادیده انگاشت، واقعیاتی چون؛

۱ـ اروپا متحد راهبردی آمریکا در مسائل مهم جهانی است. ۲ـ اروپایی‌ها هم از زمان اجرایی شدن برجام تاکنون به تعهدات خود به درستی عمل نکرده‌اند. ۳ـ اروپا هم مانند آمریکا، منتفع شدن ملت ایران از برجام را به پذیرش برجام‌های دیگری چون برجام موشکی و منطقه‌ای از سوی جمهوری اسلامی مشروط می‌کند. ۴ـ اروپایی‌ها هم در سابقه خود به ویژه در موضوع هسته‌ای، بدعهدی‌هایی از جنس بدعهدی آمریکا دارند.

ادامه در صفحه ۴

«جیم دبلیو دین» نویسنده و تحلیلگر آمریکایی در گفت‌وگوی اختصاصی با صبح صادق

به ما اعتماد نکنید!

□ یاسر مرادی / پس از خروج آمریکا از برجام، وزیر خارجه این کشور گفته که به زودی راهبرد جدیدی را علیه ایران اعلام می‌کند؛ راهبردی که بعید به نظر می‌رسد فراتر از سیاست تحریم و فشار باشد که دولت‌های پیشین آمریکا هم به کار گرفته‌اند. شاید از همین روست که «جیم دبلیو دین» سردبیر پایگاه تحلیلی وترنز تودی تأکید دارد که ایران تنها باید به خودش اتکا کند. او وضعیت این روزهای واشنگتن را «کودتای نومحافظه‌کاران» در کاخ سفید می‌داند؛ افرادی که حتی برای افکار عمومی و خواست مردم خودشان هم ارزشی قائل نیستند. در ادامه مشروح گفت‌وگوی اختصاصی «صبح صادق» با این نویسنده و تحلیلگر آمریکایی را می‌خوانید.

***نظر شما درباره خروج آمریکا از توافق هسته‌ای با ایران و گروه ۱+۵ چیست؟**

خروج آمریکا از برجام صرفاً موضوع شخص دونالد ترامپ نیست؛ بلکه موضع ترامپ و نتانیاهو است و پیش‌بینی می‌شد که ترامپ از برجام خارج شود. مهم‌ترین دلیل این اقدام ترامپ این است که آمریکا به دنبال روابط صلح‌آمیز با ایران نیست؛ بلکه پیوسته می‌خواهد ایران را تهدید معرفی کند. آنها امیدوارند با کنار گذاشتن برجام، بهانه‌ای داشته باشند که تحریم‌ها علیه تهران را دوباره اجرا کنند و منتظرند تهران دوباره برنامه هسته‌ای خود را شروع کند تا بهانه‌شان را برای حضور نظامی در منطقه خلیج‌فارس و همچنین فروش سلاح به کشورهای منطقه توجیه کنند. با چنین وضعیتی تنش و احتمال درگیری در منطقه افزایش خواهد یافت.

کاربرد دوم این است که وقتی ایالات متحده ایران را تهدیدی علیه آمریکا جا بزند، می‌تواند افکار عمومی مردم خود را درباره حضور نیروهای نظامی در منطقه هم توجیه کند.

***خروج آمریکا از برجام نشان داد که این کشور هیچ التزامی به تعهدهای بین‌المللی ندارد، آیا پس از این اقدام ترامپ، کشورهای دیگر می‌توانند به وعده‌ها و تعهدهای آمریکا اعتماد داشته باشند؟**

برخی چنین استدلال می‌کنند که واشنگتن با بر هم زدن توافق هسته‌ای با ایران خود را منزوی کرده است، چنین برداشتی الزاماً درست نیست؛ چرا که جریان‌هایی در داخل واشنگتن آشکارا از خروج یکجانبه آمریکا از برجام استقبال کرده‌اند، این گروه اغلب کسانی هستند که از ایده

نومحافظه‌کاران در کاخ سفید کودتا کردند و جماعتی بر سر قدرت هستند که برای‌شان مهم نیست افکار عمومی چه می‌اندیشند و چه می‌خواهند و متأسفانه رئیس‌جمهوری داریم که با زد و بندهایش با باندهای مافیایی توانسته برای خودش ثروتی دست و پا کند

«جهان تک‌قطبی» حمایت می‌کنند و توجه چندانی به این موضوع ندارند که دیگر کشورها چه می‌گویند، یااینکه دیگران اقدامات آمریکا را دوست داشته باشند، یا نداشته باشند؛ بر اساس این ایده آمریکا قدرت نظامی و مالی و همچنین بانک «فدرال رزرو (بانک

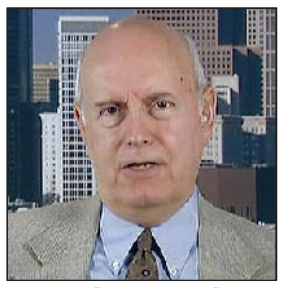

مرکزی آمریکا)» دارد و آنها را به کار می‌گیرد و استفاده می‌کند.

این رویکردی جنایتکارانه است که اگر کسی توانایی اخاذی از دیگران را داشته باشد، این حق را دارد که چنین کاری را انجام دهد. انتظار و امید این بود که این رفتار با واکنش‌هایی روبه‌رو شود، اما متأسفانه آن‌گونه که پیش‌بینی می‌شد، واکنشی قاطع و عملی از سوی اروپا و فضای داخلی آمریکا دیده نشد. واقعاً حیرت‌آور و هراس‌انگیز است که مردم نسبت به این مسئله بی‌تفاوت هستند؛ مردم آمریکا روزبه‌روز با نشان ندادن واکنش به چنین رفتارهایی به مردمی تو سری خور تبدیل می‌شوند که سوءاستفاده از آنها راحت‌تر می‌شود.

***پیامدهای بین‌المللی چنین اقدامی از نظر شما چیست؟**

این اقدام پیام مهمی را به جهان مخابره کرد که کسانی که فکر می‌کنند هم‌پیمان و دوست و متحد آمریکا هستند باید در دوستی خودشان تردید داشته باشند که در صورتی که منافع سیاسی آمریکا ایجاب کند، در چشم بر هم زدنی دوستان آن به دشمن تبدیل می‌شوند. این وضعیت را همان تئوری آشوب می‌دانیم که همه را در تردید نگه می‌دارد که چه رابطه‌ای با آمریکا دارند. بدتر اینکه، گزینه‌هایی که ترامپ دور و بر خودش جمع کرده، افرادی مانند جان بولتون و مایک پمپئو یک کابینه جنگ‌طلب را تشکیل داده‌اند.

***اما حضور چنین افرادی در رأس قدرت آمریکا جدید نیست، این بار چه تفاوتی با دوره‌های پیشین دارد؟**

در حال حاضر گویی کودتای نومحافظه‌کاران در کاخ سفید رخ داده است؛ زیرا جماعتی بر سر قدرت هستند که برای‌شان مهم نیست افکار عمومی چه می‌اندیشند و چه می‌خواهند و متأسفانه رئیس‌جمهوری داریم که با زد و بندهایش با باندهای مافیایی توانسته برای خودش ثروتی دست و پا کند. زمانی که آمریکا سرخ‌پوست‌ها را از کارولینای شمالی اخراج کرد و آنها را به سرزمین‌های دیگر فرستاد، مجبورشان کرد پنج هزار مایل را پیاده بروند، در طول این مسیر نیمی از جمعیت سرخ‌پوستان در شرایط نامساعد جان خود را از دست دادند. نگاه به تاریخ آمریکا نشان می‌دهد که برای ایالات متحده تا زمانی که منافعش تأمین می‌شود، آسیب‌ها و ضررهایی که به دیگران وارد می‌شود، اهمیتی ندارد.

***با این اوصاف آیا ایران می‌تواند به آمریکا اعتماد کند؟**

خیر، ایران فقط باید به خودش تکیه کند و حتی به جامعه جهانی و دیگر کشورها هم نمی‌توان اعتمادی کرد. در نظر داشته باشید که آمریکا از اتحاد دیگر کشورها علیه خودش هراسی ندارد، مثلاً ببینید برای آمریکا حتی مهم نیست که کشورهای اتحادیه اروپا چه فکر می‌کنند و حتی چه می‌کنند، برای همین همه کشورها در حالت دفاعی هستند.

یادواره ۴۰ شهید گردان ۲ پادگان حضرت ولی‌عصر(عج)
در آزادسازی شهر سنندج در سال ۵۹
زمان: جمعه ۱۱ خرداد ماه، ساعت ۱۷:۳۰
مکان: خیابان شهید باهنر، خیابان یاسر، حسینیه جماران
هیئت شهدای گردان ۲ پادگان ولی‌عصر(عج)

سؤال تریبون ٤
چرا جامعه اسلامی به انس با قرآن نیاز دارد؟
همراه با ۳ جایزه نقدی
پیامک ۳۳۰۰۰۹۹۰۰۳
آخرین فرصت پاسخ به تریبون٤ ۹ خرداد ۹۷

یادداشت

راه بازگشت به بیت رهبری!

□ مهدی سعیدی / سال‌هاست که اردوگاه اصلاح‌طلبی دچار آفت نفوذ بیگانه و مدعیان بدلی است! به ادعای بنیانگذاران این جریان، قرار بوده که اصلاح‌طلبی در چارچوب آرمان‌های انقلاب اسلامی و قانون اساسی جمهوری اسلامی تعریف شود و تداوم‌بخش خط امام(ره) باشد، اما در طول این سال‌ها مدعیانی خود را اصلاح‌طلب نامیده‌اند که با صراحت در برابر آن آرمان‌ها و قانون اساسی کشور ایستاده‌اند!

نمونه عینی آن فتنه‌گرانی بودند که در سال ۱۳۸۸ همه آرمان‌های انقلاب را به سخره گرفتند و در برابر رأی ملت ایستادند. برخی دیگر با توهین به امام(ره) از پایان عصر خمینی سخن گفتند و برخی دیگر هتاکانه به عاشورای حسینی بی‌حرمتی کردند! مهم‌ترین انحراف بخشی از این جریان ایستادگی در برابر رهبری نظام اسلامی و تبعیت نکردن از ایشان بود! پذیرش جایگاه رهبری به عنوان فصل‌الخطاب در جامعه اسلامی، آموزه‌ای برآمده از نظریه ولایت فقیه است که ابعاد آن را حضرت امام خمینی(ره) در پایان قرن بیستم بازخوانی کردند و محور و اساس شکل‌گیری جمهوری اسلامی قرار گرفت. اما اصلاح‌طلبانی که روزگاری خود را مدعی خط امام(ره) معرفی می‌کردند! امروز دست از بیعت با امام جامعه اسلامی کشیده‌اند و مرجعیت سیاسی ایشان را نمی‌پذیرند! همین رویکرد موجب شده جریان اصلاح‌طلب اعتبار اجتماعی خود در میان نیروهای مخلص و ارزشی جامعه را از دست رفته ببیند و به ناچار در میان مخالفان نظام به دنبال هوادار و پایگاه اجتماعی بگردد!

از شرح ماجرای تلخ اعراض اصلاح‌طلبان از تبعیت فرامین رهبری که بگذریم، آخرین پست اینستاگرامی محمدعلی ابطحی رئیس دفتر رئیس دولت اصلاحات حال و هوای دیگری دارد. وی که در دیدار ماه رمضان رهبر معظم انقلاب اسلامی(چهارشنبه ۲ خرداد ۱۳۹۷) در جمع سیاسیون و مسئولان امروز و دیروز کشور حضور داشت چنین نوشته است: «بعد از سال‌های طولانی من و جمع دیگری از دوستان به مراسم افطاری رهبری دعوت شدیم و رفتیم. من همیشه معتقد بوده‌ام اختلافات جدی جریانات سیاسی، در زیر سقف نظام و رهبری باید حل‌وفصل شود. تقریباً نظر فعالان سیاسی اصلاح‌طلب غیر بدلی هم همین است. مرز اصلاح‌طلبی و براندازی در همین نقطه قرار دارد.

حل مشکلات کشور در داخل وقتی عملی است که حرمت و جایگاه کلیت نظام محترم بماند. به همین دلیل از دعوت افطاری رهبری حس خوبی داشتم. در همه نوشته‌هایم، چه پیش از سال ۸۸ و چه پس از آن بر این باور بوده‌ام که استقلال و سربلندی کشور و تحقق آرمان‌های اصلاح‌طلبانه با نقد بیرحمانه بخش‌های مختلف قدرت و حفظ حرمت و جایگاه رهبری امکان‌پذیر است.

با این حساب نه تنها این دعوت را دوست داشتم، بلکه امیدوارم دایره دعوت‌ها وسیع‌تر از این باشد که از بزرگانی که دعوت نمی‌شوند هم دعوت شود و بیت رهبری محل حضور همه علاقه‌مندان به انقلاب و نظام باشد. بی‌تعارف و واقع‌بینانه حرف زدن را بر حرف‌های دو پهلو ترجیح می‌دهم.»

این نوشتار دارای نکات قابل ملاحظه‌ای است که اگر واقعاً از تغییر نگرشی در اصلاح‌طلبان واقعی(نه بدلی) حکایت داشته باشد و این نوشتار آن‌طور که ادعا شده مورد قبول اکثر فعالان سیاسی اصلاح‌طلب باشد، می‌تواند فرآیندی برای بازگشت به نظام و اعتباربخشی به جریان اصلاح‌طلب در میان نیروهای ارزشی جامعه قلمداد شود! این نکات عبارتند از:

ـ استقبال از همنشینی و مؤانست با رهبری و ترمیم روابط با معظم‌له؛
ـ پذیرش جایگاه رهبری به عنوان فصل‌الخطاب و مرجع حل اختلافات جریان‌های سیاسی؛
ـ اعتراف به وجود اصلاح‌طلبان بدلی؛
ـ اعتراف به مقارنت اصلاح‌طلبی و براندازی؛
ـ تلاش برای ارائه شاخص و معیاری جهت مرزبندی اصلاح‌طلبی واقعی با جریان‌های برانداز و بدلی؛

ادامه در صفحه ۲

کشور نباید معطل برجام باشد

امام خامنه‌ای گفتند: یک تجربه مهم در برجام، این است که گره زدن حلّ مسائل کشور به مسائل خارجی، یک خطای بزرگی است. وقتی ما مسئله اقتصاد کشور را به مسئله برجام گره می‌زنیم، نتیجه این می‌شود که صاحبان کار و سرمایه چند ماه باید منتظر بمانند تا ببینند خارجی‌ها در مورد برجام چه تصمیمی می‌گیرند؛ منتظر بمانند تا ببینند آیا در توافق می‌مانند یا از توافق خارج می‌شوند؛ امضا می‌کنند یا امضا نمی‌کنند؛ پابند امضا می‌مانند یا نمی‌مانند! مرتّب بایستی دستگاه فعّال اقتصادی مردمی کشور در انتظار رفتار خارجی‌ها باشد. نمی‌توانیم ظرفیّت کشور را معطّل توافق برجام بگذاریم.(۱۳۹۷/۳/۲)

یادداشت

پیام مهم حادثه کازرون

□ **مصطفی قربانی /** واقعه اخیر کازرون فارغ از هرگونه بحث و بررسی درباره جزئیات آن، دارای پیام مهمی برای مسئولانی است که به نوعی مرجعیتی برای افکار عمومی دارند. در واقع، بخشی از شکل‌گیری این حادثه که گفته می‌شود ناشی از موضع‌گیری‌های تحریک‌آمیز برخی مسئولان محلی شهرستان بوده است، نشان می‌دهد که مسئولان در رویارویی با افکار عمومی باید نهایت دقت و مراقبت را در موضع‌گیری‌های خود داشته باشند و خواسته یا ناخواسته، آتش زیرخاکستر اختلافات محلی را شعله‌ور نکنند. اهمیت این موضوع در برهه کنونی بیشتر به این سبب است که هرگونه سهل‌انگاری و غفلت در این زمینه می‌تواند در راستای راهبرد دشمن و تکمیل‌کننده جورچین موردنظر آن برای فعال‌سازی شکاف‌های داخلی در ایران و بهره‌برداری از آنها در راستای به آشوب کشیدن فضای داخلی کشور باشد.

توضیح آنکه، ایران کشوری است که هم از نظر قومی، زبانی، مذهبی و فرهنگی از تنوع بالایی برخوردار است و از این جهت، پتانسیل‌ها و شکاف‌های نهفته‌ای برای منازعه در کشور وجود دارد و هم به دلیل برخی مشکلات، ناکارآمدی‌ها و نارسایی‌ها در سال‌های اخیر و همچنین شکاف توسعه میان مناطق گوناگون کشور پتانسیل اندکی برای انتقاد و اعتراض برخی گروه‌های قومی به نظام و دولت وجود دارد. بنابراین، در این بستر و این شرایط، هرگونه موضع‌گیری تحریک‌آمیز و ناشیانه مسئولان، اعم از مسئولان عالی یا مسئولان استانی و محلی، می‌تواند به فعال‌سازی شکاف‌های از قبل موجود کمک کند و در حالی که تلاش برای فعال‌سازی این شکاف‌ها و ایجاد دوقطبی‌های مخرب و امنیتی حول آنها، به طور جدی در راهبرد دشمنان نظام جای گرفته است، می‌تواند پیامدهای خسارت‌باری داشته باشد.

به عبارت دیگر، اگرچه مسائل مذکور ریشه داخلی داشته و ابتدا به ساکن ممکن است فتنه‌انگیزی‌های دشمنان در آن نقش نداشته باشد، اما به محض طرح این مسائل، پتانسیل آن را دارد تا وارد حوزه‌های سیاسی و امنیتی شده و مورد توجه و سوءاستفاده دشمنان قرار گیرد و فراتر از این، این خیال خام را نزد دشمنان نظام و ملت ایران ایجاد می‌کند که مردم ایران در انتظار تغییر بوده و به تعبیر عامیانه، «عاشق چشم و ابروی» امثال آمریکا شده‌اند.

این نکته به ویژه در مناطق قومی، چند فرهنگی و دارای زمینه‌های تاریخی بیشتر مصداق می‌یابد و مسئولان در مناطق مذکور باید بیش از دیگر مناطق در موضع‌گیری‌ها و بحث‌های خود به رعایت حساسیت‌ها دقت داشته باشند. البته حضور قاطبه مردم در راه‌پیمایی‌های چند روزه دی ماه گذشته برای خنثی‌سازی اغتشاشات ساختگی دی ماه ۹۶ نشان از همبستگی بالای ملی دارد، اما باید مراقب ترفند دشمنان بود. واقعیت آن است که حتی در مناطق پرتنوع از نظر قومی، مذهبی، زبانی و فرهنگی نیز پتانسیل منازعه جز نزد برخی گروه‌های اقلیت، آن هم در معدودی از مناطق کشور بالا نیست. اما نکته مهم در این زمینه اینکه، ناشی‌گری‌ها و رعایت نکردن ظرافت‌های لازم در موضع‌گیری‌ها می‌تواند مستمسکی شود برای اقلیت‌هایی که منتظر فتنه‌انگیزی و اردوکشی‌های خیابانی و مسلحانه هستند تا با بزرگنمایی و برجسته کردن برخی موضع‌گیری‌های غیردقیق و بعضاً تحریک‌آمیز برخی مسئولان، عده‌ای از مردم را با خود همراه کنند، زمینه‌های دخالت بیگانگان در امور داخلی کشور را فراهم کنند و هزینه‌ها و خسارت‌هایی به بار آورند.

نکته پایانی اینکه، اگرچه عمده مشکلات و ضعف‌های موجود در کشور ریشه داخلی داشته و باید راه‌حل آنها را نیز در داخل کشور جست‌وجو کرد، اما هرگونه ناشی‌گری و رعایت نکردن حساسیت‌های افکار عمومی در مواجهه با مسائل و مشکلات کشور نه تنها نمی‌تواند چاره کار این مسائل باشد؛ بلکه می‌تواند با قرار دادن آنها در حوزه‌های سیاسی، واگرایانه و حتی امنیتی بر درجه مزمن شدن آنها بیفزاید.

آخرین خبر

بانک انصار حامی کنگره ملی چهره‌های ماندگار صنعت، معدن و تجارت

کنگره ملی چهره‌های ماندگار صنعت، معدن و تجارت در مرکز همایش‌های بین‌المللی صداوسیما و باحضور۴۰۰ نفراز نخبگان صنعت، معدن و تجارت در سراسر کشور برگزار شد.

در این کنگره بانک انصار موفق به اخذ تندیس زرین، لوح زرین و گواهینامه رسمی چهره‌های ماندگار صنعت، معدن و تجارت، گواهینامه نام نیک برند از کنفدراسیون برند ایرانی، گواهینامه هوش تجاری از آکادمی IGP انگلستان، گواهینامه استاندارد بین‌المللی سیستم انرژی (ISO۵۰۰۱:۲۰۱۱) شد.

کنگره ملی چهره‌های ماندگار صنعت، معدن و تجارت به همت تعدادی از انجمن‌های ایران و با همراهی سازمان جهانی رتبه‌بندی مدیران و با حضور اصحاب رسانه و مسئولان و مدیران و نیز منتخبین برنامه، با رویکرد معرفی و قدردانی از صاحبان صنایع و کارآفرینان و با ارزیابی و ممیزی هفت شاخص شامل؛ رهبری، مدیریت منابع، مدیریت زنجیره تأمین، مدیریت عملیات، مدیریت کیفیت، مدیریت بازرگانی و مدیریت تکنولوژی برگزار شد.

نکته‌ونظر

حقوق آخر ماه

نکته: مهندسی خارجی تعدادی کارگر ایرانی استخدام کرد. کارگرها موقع اذان نمازشونو می‌خوندند. یک روز مهندس بهشون اخطار داد که اگه موقع کار نماز بخونید آخر ماه از حقوق‌تون کم می‌کنم!

بعضیا از ترس اینکه حقوق‌شون کم بشه نماز رو بعد از کار می‌خوندند و بعضی هم همچنان اول وقت...

آخر ماه شد. مهندس به اونهایی که نماز اول وقت رو ترک نکرده بودند بیشتر از حقوق ماهیانه‌شون داد! بقیه اعتراض کردند که چرا به اینها حقوق بیشتری دادی؟!

مهندس گفت: اهمیت دادن این افراد به نماز و چشم‌پوشی از کسر حقوق نشون میده ایمان‌شون بیشتر از شماست.

این تیپ آدما هیچ‌وقت در کار خیانت نمی‌کنند، همون‌طور که به نمازشون خیانت نکردند.

نظر: پس از برجام برخلاف انتظار نه تنها تهدیدها و تحریم‌ها کمتر نشد؛ بلکه بیشتر از گذشته هم شد، دشمن تهدیدهای زیادی کرده بود، از جمله همان موقع سخن از برجام دو و سه مطرح شد، کسانی بودند که به فضل الهی ایمان داشته و اسیر تطمیع غرب نشدند. این گروه از فعالیت‌های خود برای پیشرفت انقلاب اسلامی در داخل و خارج دست نکشیدند و همواره پیش‌بینی این رفتار کشورهای غربی را داشتند، حوادث برجام و مسائل بعد از آن به عنوان عبرت‌های تاریخی ثبت خواهد شد و قطعاً نیروهای انقلابی و کسانی که ثبات قدم و دارای رجای واثق الهی هستند در پیشانی تاریخی ملت ایران سرفراز خواهند بود. اما آنهایی که به دلیل تهدید و تطمیع آمریکا عقب‌نشینی کردند، باید پاسخگوی ملت و شهیدان انقلاب اسلامی باشند.

گزارش هشدارآمیز صبح صادق نسبت به چند و چون فیلتر یک پیام‌رسان خارجی

تلگرام؛ بودن یا نبودن مسئله این است!

□ **امین پناهی /** فیلترینگ تلگرام را می‌توان یکی از جنجالی‌ترین اتفاقات دور دوم ریاست‌جمهوری آقای روحانی دانست. اتفاقی که یک شبه عملی نشد، بلکه مدتی بود بحث بر سر شدن یا نشدن آن بالا گرفته بود. در واقع، این اولین بار نبود که یک شبکه اجتماعی به دلیل همکاری نکردن با دولت جمهوری اسلامی ایران و پایبند نبودن به اصول اساسی کشور و حتی فتنه‌انگیزی و کمک به آشوبگری در کشور از دسترس خارج می‌شد؛ اما این اتفاق برای تلگرام یک تفاوت عمده با دیگر شبکه‌ها داشت که دچار چنین سرنوشتی شده بودند، آن هم اینکه تلگرام در طول چند سال اخیر توانسته بود آمار بسیار بالایی از کاربران در داخل کشور را جذب خود کند تا جایی که برخی این عدد را بالای ۴۰ میلیون می‌دانند. در شرایطی که تلگرام سهم بسیار بزرگی از زندگی ایران را به خود اختصاص داده و تأثیرگذاری‌اش هم در مسئله‌های مهمی، چون انتخابات و اتفاقات دی ماه ۹۶ مشهود است، دولت اقدام به مسدود کردن این پیام‌رسان می‌کند. هر چند دولت و شخص رئیس‌جمهور در این باره حتی حاضر به پذیرش مسئولیت فیلترینگ نیست و در بیانیه‌ای اعلام می‌کند: «سیاست دولت یازدهم و دوازدهم مبتنی بر ایجاد فضای امن مجازی بوده و نه امنیتی و تاکنون هیچ شبکه اجتماعی یا پیام‌رسان «توسط این دولت» مسدود نشده و نخواهد شد. فیلتر و مسدودسازی اخیر تلگرام نیز نه توسط دولت اجرا شده و نه مورد تأیید دولت است.» اما شاهد آن بودیم که بخش‌های زیر نظر دولت در روزهای پیش از شروع فیلترینگ با دستور معاون اول رئیس‌جمهور مکلف شدند که از تلگرام رخت بربندند و به پیام‌رسان‌های داخلی بپیوندند و این خود نشان از برنامه‌ریزی درون دولت برای اجرای فیلترینگ داشت.

آغاز فیلترینگ تلگرام

پس از آن و البته با شروع فیلترینگ بسیار از کانال‌ها و گروه‌های تلگرامی به پیام‌رسان‌های داخلی منتقل شد و این آغاز حمایت مردم و البته صاحبان کانال‌هایی که عمدتاً نزدیک به جبهه انقلاب اسلامی بودند، از پیام‌رسان‌های داخلی بود؛ اما از یک سو فیلترینگ ناقص اعمالی بر تلگرام و از سوی دیگر عملکرد ضعیف پیام‌رسان‌های داخلی در سایه بی‌مهری‌های دولت سبب شد که کوچ نیروهای انقلابی از تلگرام به نوعی برای کانال‌های ضد انقلاب فضا ایجاد کند.

در واقع، داستان از آنجایی شروع می‌شود که دولت شیوه صحیحی در فیلترینگ تلگرام به کار نمی‌گیرد و اجازه می‌دهد کاربران بتوانند با نصب اپلیکیشن‌هایی فیلترینگ را دور زده و وارد تلگرام شوند و همین سبب می‌شود مردم از یک سو خیلی به حضور در پیام‌رسان‌های داخلی احساس نیاز نکنند و از سوی دیگر اگر هم بخواهند در آنها حضور یابند، با فضایی مواجه می‌شوند که با سرعت پایین و قطع و وصل‌های مکرر ظرفیت و توانایی رفع نیازهای آنها را ندارد؛ همین نکته سبب می‌شود افراد ناگزیر پس از مدت کوتاهی این پیام‌رسان‌ها را رها کرده و دوباره به سمت تلگرام بروند.

هر چند وزیر ارتباطات چندی پیش اعلام کرد: «درست است که بسیاری از فیلترشکن‌ها خدمات ظاهری خوبی به کاربر ارائه می‌دهند و به همین دلیل کاربران به استفاده از آنها علاقه‌مندند؛ اما بنا به گزارش‌هایی که مراکز معتبر منتشر می‌کنند، این نوع نرم‌افزارها استفاده ضد امنیتی دارند و نوعی باج‌افزارند... نباید اجازه داد فضای کشور پر از باج‌افزار شود و باید جلوی اینها گرفته شود. به همین دلیل این حرکت برای مسدود کردن فیلترشکن‌ها آغاز شده و طبق قانون هم بوده است و مشکل مقرراتی درباره این مسئله وجود ندارد.»

هر چند انتظار می‌رفت این صحبت‌ها زمینه‌ساز مقابله جدی وزارت ارتباطات با فیلترشکن‌ها باشد؛ اما تنها سبب اختلال چند ساعته در برخی فیلترشکن‌ها می‌شود و دیری نمی‌پاید که در نهایت مردم به راحتی در حال استفاده از فیلترشکن و دسترسی آسان به تلگرام هستند.

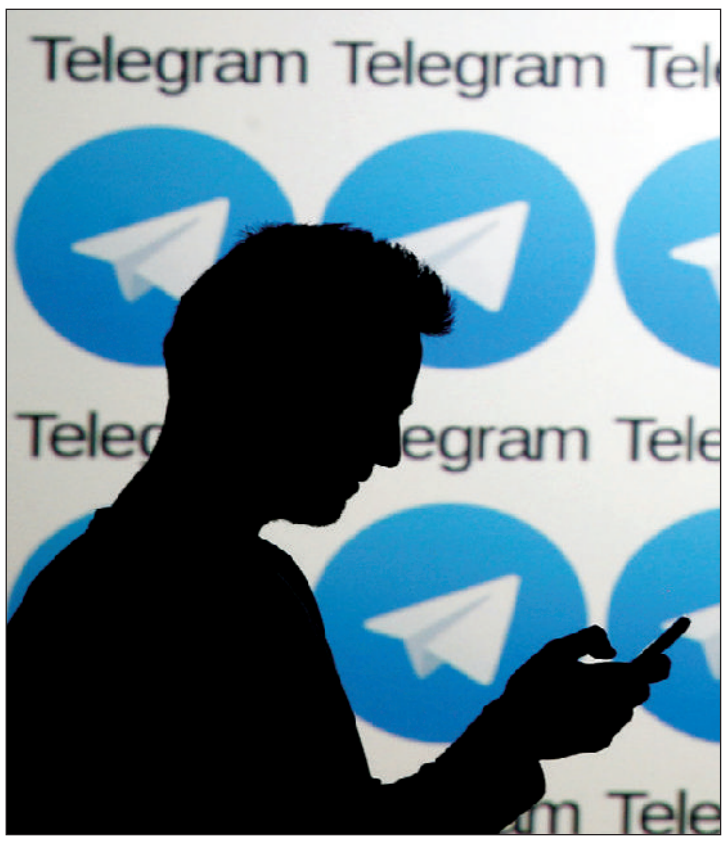

تلگرام عرصه تاخت‌وتاز دشمن

از زمانی که شبکه اجتماعی تلگرام به پرکاربردترین پیام‌رسان در میان مردم ایران تبدیل شد، نیروهای انقلابی نیز پا به پای مردم در این فضا حضور پیدا کردند و با تلاش شبانه‌روزی توانستند سنگر خود را برای صیانت از اسلام و نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران حفظ کنند و جبهه منسجمی را در برابر دشمنی‌های دشمنان برون‌مرزی و البته ضد انقلاب داخلی به وجود آورند؛ اما در هفته‌های اخیر و در حالی که نیروهای انقلاب تصمیم گرفتند برای حمایت از پیام‌رسان‌های داخلی از تلگرام خارج شوند، شاهد ایجاد خلأیی عمیق در فضای تلگرام بودیم. این در واقع نتیجه مدیریت نادرستی بود که بر فیلترینگ تلگرام اعمال شد. در نهایت بیش از آنکه شاهد فایده این عمل دولت باشیم، شاهد این هستیم که ضد انقلاب در فضای بی‌رقیب در حال تاخت‌وتاز است. به این معنا که با خروج نیروهای دغدغه‌مند انقلابی از تلگرام شاهد باز شدن فضا برای دشمنی هستیم که از هیچ حربه‌ای برای ضربه زدن به نظام اسلامی و منافع ملت ایران فروگذار نمی‌کند.

در سالی که بنا به فرموده رهبر معظم انقلاب باید همه اعم از مردم و دولت حمایت از کالای ایرانی را سرلوحه فعالیت‌های خود قرار بدهند، دولت موظف است این کالایِ مجازیِ ایرانی را بیش از پیش حمایت کند. دانستن این موضوع که اگر به فرض همه کاربران ایرانی تلگرام که بیش از ۴۰ میلیون هستند، بخواهند به پیام‌رسان‌های داخلی بپیوندند، به سرویس‌دهنده‌های مرکزی بسیار قوی نیاز بوده و هست، کار خیلی دشواری نبود. در واقع، این را حتی یک کارشناس معمولی شبکه هم می‌تواند درک کند که نتیجه هجوم حتی یک دهم این عدد به سرورهای یک پایگاه یا پیام‌رسان می‌تواند در آن اختلال ایجاد کند؛ اما با این‌حال

با شروع فیلترینگ بسیار از کانال‌ها و گروه‌های تلگرامی به پیام‌رسان‌های داخلی منتقل شد و این آغاز حمایت مردم و البته صاحبان کانال‌هایی که عمدتاً نزدیک به جبهه انقلاب اسلامی بودند، از پیام‌رسان‌های داخلی بود؛ اما از یک سو فیلترینگ ناقص اعمالی بر تلگرام و از سوی دیگر عملکرد ضعیف پیام‌رسان‌های داخلی در سایه بی‌مهری‌های دولت سبب شد که کوچ نیروهای انقلابی از تلگرام به نوعی برای کانال‌های ضد انقلاب فضا ایجاد کند

هیچ تلاشی برای جلوگیری از این اختلالات نشد و مردم در برخی از این پیام‌رسان‌ها برای یک نام‌نویسی ساده ساعت‌ها در صف انتظار بودند و این یعنی هنوز ظرفیت مورد انتظار مردم در آنها ایجاد نشده است.

این در حالی است که شخص وزیر ارتباطات اعلام کرد تسهیلاتی برای پیام‌رسان‌های داخلی در نظر گرفته شده است تا آنها بتوانند بدون مشکل کار خود را پیش ببرند. تسهیلاتی از قبیل وام با قابلیت دریافت آسان و سرورهای رایگانی که قرار بود در اختیار پیام‌رسان‌ها قرار بگیرد؛ اما گویا این وعده نیز جامه عمل به تن نکرده و مدیران پیام‌رسان‌ها را از دستیابی به چنین تسهیلاتی ناامید کرده است.

وظیفه دولت در حمایت از پیام‌رسان‌ها

دولت بیش از دیگران وظیفه دارد از این پیام‌رسان‌ها حمایت کند، این‌گونه که از یک سو زیرساخت مورد نیاز برای فعالیت آسان این اپلیکیشن‌ها را فراهم کند و از سوی دیگر تلاش کند برای استفاده مردم از آنها اعتمادسازی کند. به عبارتی، باید کاری کند که مردم بفهمند بر اساس فتوای رهبر معظم انقلاب که فرمودند: «مسئولان باید امنیت و حریم داخلی مردم و کشور را حفظ کنند. تعرض به امنیت و حریم داخلی مردم «حرام شرعی» است و نباید انجام شود.» هیچ یک از دستگاه‌های اطلاعاتی و امنیتی کشور به اطلاعات مردم دسترسی نخواهند داشت و این به اقبال بیشتر مردم به پیام‌رسان‌های داخلی کمک شایانی خواهد کرد.

در حال حاضر، باید اقدام جدی و تأثیرگذاری از سوی دولت و مسئولان ذی‌ربط انجام پذیرد تا پیام‌رسان‌های داخلی بتوانند جای خود را در فضای حال حاضر جامعه پیدا کنند. از سوی دیگر، صاحبان این پیام‌رسان‌ها وظیفه دارند همه تلاش خود را برای برآورده کردن نیازهای کاربران خود به کاربندند.

باید بدانیم که اگر اقدام جدی و سریعی در این زمینه صورت نپذیرد، باید منتظر پیامدهای آن در آینده نه چندان دور باشیم.

اول اینکه ممکن است کاربران نسبت به پیام‌رسان‌های داخلی ناامید شده و حتی اگر نخواهند دوباره به تلگرام برگردند، به پیام‌رسان خارجی دیگری هجوم ببرند که این تمام رشته‌ها را پنبه خواهد کرد و تا محیط جدید شناخته شود، دشمن ضربات خود را وارد خواهد کرد.

دوم تا زمانی که تلگرام به راحتی و با نصب یک فیلترشکن که دستیابی به آن هم بسیار سهل‌الوصول است در دسترس باشد، می‌تواند به منزله منشأ فتنه‌گری‌های جدی دشمنان داخلی و خارجی مورد استفاده قرار بگیرد. این در حالی است که در غیاب نیروهای انقلابی در این فضا و حضور بیش از پیش ضد انقلاب تلگرام می‌تواند یک فضای خطرناک برای مسموم کردن فضای جامعه نظام اسلامی باشد.

سوم در صورتی که پیام‌رسان‌های داخلی با سرعت هر چه تمام‌تر تقویت نشوند و مشوق‌هایی برای مردم به منظور حضور در این فضاها در نظر گرفته نشود، بر اساس آنچه مدیر تلگرام ادعا کرده است بلاک چِین این پیام‌رسان به زودی وارد بازار می‌شود و در این صورت در فضای رقابتی به وجود آمده بسیار سخت می‌توان روی پیام‌رسان‌های داخلی مانور داد و مردم را مجاب کرد که به پیام‌رسان داخلی بپیوندند یا کسانی را که به این پیام‌رسان‌ها پیوسته‌اند، حفظ کرد.

یادداشت

راه بازگشت به بیت رهبری!

ادامه از صفحه اول

ـ حفظ حرمت و جایگاه کلیت نظام و فهم این حقیقت که استقلال و پیشرفت کشور از طریق حمایت از رهبری ممکن خواهد بود.

در تبیین مسائل مطروحه باید به چند نکته توجه کرد:

۱ـ اعتراف به وجود اصلاح‌طلبان بدلی و مقارنت اردوگاه اصلاح‌طلبی و جریان برانداز، نکته قابل ملاحظه‌ای است که سال‌هاست جریان ارزشی نسبت به آن هشدار داده است، اما گوش شنوایی برای شنیدن در اردوگاه اصلاح‌طلبی نیافته است! اصلاح‌طلبان ترجیح داده‌اند خود را به نشنیدن بزنند و همه چیز را از دریچه تنگ رقابت سیاسی ملاحظه کنند و حقیقتی آشکار را کتمان کنند! یا آنکه جرئت اعتراف و مقابله با این جریان انحرافی را نداشته‌اند! اما حال که این انذار را یکی از خودی‌ها بیان کرده، چه خوب که موجب بیداری بزرگان اصلاح‌طلبان شود و اقدامی جدی برای درمان آن طرح‌ریزی شود، نه آنکه از فردا هجمه‌ها علیه گوینده سخن به راه بیفتد و وی را وادار به عقب‌نشینی و تغییر موضع کند!

در گام بعدی برای تعریف مرزبندی با ضدانقلاب و بدلی‌ها باید شاخص‌های متعددی ارائه کرد که البته مسئله تبعیت از رهبری به مثابه فصل‌الخطاب که مورد تأکید ابطحی نیز است، یکی از کامل‌ترین و آشکارترین فرقان‌ها برای این تفکیک می‌باشد!

۲ـ پذیرش جایگاه فصل‌الخطابی رهبری در حل اختلافات جریان‌های سیاسی، گام ارزشمندی در حل بخشی از مشکلات کشور است که باید به مثابه راهبرد کلانی در رقابت‌های سیاسی به وفاقی عمومی تبدیل شود. اگر همین اصل مورد قبول جریان اصلاح‌طلب بود، هیچ‌گاه شاهد حوادث تلخ فتنه‌گری در سال ۱۳۸۸ نبودیم! اما باید توجه کرد که این فصل‌الخطابی تنها محدود به حل اختلافات جریان‌های سیاسی نیست! بلکه در همه امور باید این جایگاه مورد قبول و تأکید قرار گیرد! امروز در مسائل متعددی نیازمند این پذیرش از سوی جریان‌های سیاسی مختلف کشور هستیم که دچار اختلاف نظر با رهبری بوده و گاه خود را جلوتر از ایشان تعریف می‌کنند و حاضر به تبعیت از معظم‌له نیستند و گاه فرسنگ‌ها فاصله دارند!

۳ـ سخن آخر آنکه، بیت رهبری همواره محل حضور و رفت و آمد همه علاقه‌مندان به انقلاب و نظام بوده است! و اگر به گمانی، برخی چهره‌ها از حضور در این بیت محروم شده‌اند، باید علت را نه در میهمان‌نوازی صاحب بیت، که در تغییر رویه میهمانانی دانست که روزگاری بر سر سفره انقلاب حاضر بوده‌اند، اما نمک خورده و نمکدان شکسته‌اند و اینک از حضور در این بیت احساس شرم دارند! با این احوال راه بازگشت به بیت رهبری، پذیرش خطاهای گذشته، مرزبندی با بیگانگان و تبعیت از فصل‌الخطابی است که در جایگاه رفیع دیده‌بانی انقلاب اسلامی ایستاده و امروز مفسر آرمان‌های نهضت اسلامی ملت ایران است و مانند پدری دلسوز، به همه جریان‌های سیاسی پایبند به آرمان‌ها و قانون اساسی به یک چشم می‌نگرد.

اخبارویژه

هنوز عبرت نگرفته‌اند!

یک نظرسنجی نشان می‌دهد، بخش قابل اعتنایی از مردم همچنان ادامه راه را در برجام اروپایی می‌دانند. علت چیست؟ به اروپا اعتماد دارند؟ از بدعهدی آمریکایی‌ها تجربه نگرفتند؟ پایگاه اینترنتی «جهان‌نیوز» در این زمینه نوشته است، مگر بازی مشترک اروپا ـ آمریکا را نمی‌بینند؟

برخی از دوگانه جنگ و برجام هنوز نان می‌خورند و مردم را می‌فریبند. این دوگانه شوم، سبب می‌شود مردم از راه طی شده نیز عبرت نگیرند. هرچند به جز دولت این انتقاد به مجلس هم وارد است. چرا سکوت کردند؟ بسته مجلس برای خروج از برجام چیست؟

بزنگاه

مدیریت و رهبری سطوح گوناگونی دارند و گاهی یک مدیر ممکن است از خصلت‌های رهبری نیز برخوردار باشد. مهدی فضائلی در این باره نوشت: «عالی‌ترین سطح رهبری، رهبری یک نظام سیاسی مانند جمهوری اسلامی ایران است. گاهی بزنگاه‌هایی پیش می‌آید که ویژگی‌های رهبری نمود بیشتری پیدا می‌کند و سخنرانی اخیر رهبری در جمع کارگزاران نظام یکی از این بزنگاه‌ها بود. سخنان اخیر رهبر حکیم انقلاب اسلامی، تجلی ویژگی‌های یک رهبر الهی بود.»

پایان هژمونی دلار

جارت بلانک، یک تحلیلگر ارشد بنیاد کارنگی که در دولت اوباما از مقامات ارشد وزارت امور خارجه آمریکا بود، گفته است: «دولت فعلی آمریکا مثل یک انسان مست و لایعقل از اهرم تحریم‌ها استفاده می‌کند... آنها درک نمی‌کنند که کارایی این ابزار محدود و شکننده است.» بازیگران بزرگ جهانی، انگیزه کافی برای یافتن راه‌های دور زدن هژمونی دلار را یافته‌اند، هیچ دلیل فنی‌ای وجود ندارد که نتوانند در این کار موفق شوند. بانک انگلیسی استاندارد چارترد، ایمیلی خطاب به یکی از همتایانش در نیویورک منتشر کرد که در آن آمده بود: «شما آمریکایی‌های لعنتی... شما کی هستید که به بقیه دنیا بگویید که نباید با ایرانی‌ها معامله کنند؟»

روی خط خبر

دستمایه اختلاف

ارگان رسمی حزب کارگزاران با اشاره به برگزار نشدن جلسات شورای عالی اصلاح‌طلبان پس از انتخابات ریاست‌جمهوری سال گذشته چنین می‌نویسد: «اکنون مدتی است که این شورا برگزار نمی‌شود. محمدرضا عارف، به عنوان رئیس این شورا قصد دارد در ترکیب اشخاص حقیقی تغییراتی به وجود آورد. به همین دلیل نیز شنیده‌ها حاکی از آن است که او عذر برخی را خواسته و برخی را جایگزین آنها کرده است. همین امر دستمایه اختلاف جدید در شورای عالی اصلاح‌طلبان شده است.»

در کدام میدان بازی می‌کنیم؟

امروز در برابر زورگویی‌های گردن‌کشانه آمریکا و آغاز بازگرداندن تحریم‌های هسته‌ای و ثانویه باید متحد بود. وقت برای نقد یکدیگر بسیار است. سلیمی‌نمین در این باره معتقد است: «حال که حاکمان واشنگتن با وقاحت تمام تمایل برنامه خود را برای عقب نگه داشتن ملت ایران در همه زمینه‌ها ابراز می‌دارند، در مقام نقد دولت برآمدن و آن را در پایبند نبودن آمریکا به برجام، مقصر قلمداد کردن صرفاً برای نیروهای تندرو اصلاح‌طلب امکانی را فراهم می‌سازد تا با داستان‌پردازی و توسل به روش ذهن‌خوانی، از برنامه‌های چهار مرحله‌ای اصولگرایان برای ساقط کردن دولت دوازدهم سخن گویند؛ امری که در هیچ سطحی بهره‌ای از حقیقت ندارد.»

ثبات قدم

رهبر حکیم انقلاب، از اولین باری که در جواب نامه رئیس‌جمهور در آذر ۹۲ درباره مذاکرات هسته‌ای اظهارنظر مکتوب فرمودند، کلیدی را برای ادامه روند مذاکرات تعیین کردند. این کلید، در ادامه روند مذاکرات و بعد از امضای برجام و اجرایی شدن آن، جای خود را به توصیه‌ها و بعد هشدارهای ناصحانه داد و به شروط ۹گانه در بحث توافق هسته‌ای رسید که مثل یک جزوه راهنما، می‌توانست سرلوحه مذاکرات قرار بگیرد. مروری بر پاسخ معظم‌له به نامه‌های رئیس‌جمهور در موضوع مذاکرات و توافق هسته‌ای، به خوبی مواضع ایشان را که از ابتدای امر مذاکرات تا همین امروز حول محور منافع ملی ثابت مانده است، نشان می‌دهد.

دعا برای سؤال از رئیس‌جمهور

ضیاءالله اعزازی به تازگی در جمع مردم بناب گفت: «باید دو ماه پیش طرح سؤال از رئیس‌جمهور در صحن مجلس مطرح می‌شد، ولی از آنجا که تعداد نمایندگان امضاکننده برای طرح سؤال باید بیش از ۷۷ نفر باشد، با رایزنی که دولتمردان انجام دادند، دو ساعت مانده به طرح سؤال برخی از نمایندگان مجلس امضای خود را پس گرفتند و تعداد از حد نصاب افتاد و به ۵۶ نفر کاهش یافت.» اعزازی از مردم خواست دعا کنند در طرح سؤال اخیر از رئیس‌جمهور تعداد امضاها به حد نصاب برسد.

پس کی می‌خواهند کار کنند؟

کنش انتخاباتی اصلاح‌طلبان آن هم در اولین سال دولتی که از آن حمایت کرده‌اند، دو موضوع مهم را نشان می‌دهد؛ اول اینکه، اصلاح‌طلبان تنها به انتخابات برای پیروزی می‌اندیشند. کنش‌های سیاسی این جریان از این انتخابات به سوی انتخابات دیگر است؛ از این رو هدف‌گذاری آنان در فضای سیاسی کشور انتخاباتی است. البته معلوم نیست اصلاحات کی می‌خواهد برای مردم کار کند و شعارها و وعده‌هایی که با این دولت به مردم داده و در آن شریک است را جامه عمل بپوشاند. نکته دیگر اینکه، با وجود انتقادات و مشکلاتی که در دولت دوازدهم وجود دارد و بسیاری از انتظارات در آن پاسخ مثبتی داده نشده، این جریان سیاسی سعی دارد با شانه خالی کردن از این مشکلات و با فرار به سمت انتخابات و طرح مباحث انتخاباتی فضای افکارعمومی را از پاسخگویی به مشکلات به سمت رقابت انتخاباتی سوق دهد؛ موضوعی که می‌توان از آن به «مدیریت انتخاباتی» اصلاحات در فضای فشارهای و مشکلات مردم یاد کرد.

فاجعه برای ترامپ

نظرسنجی‌های صورت گرفته در آمریکا نشان می‌دهد که محبوبیت ترامپ و حزب جمهوریخواه نسبت به انتخابات سراسری سال ۲۰۱۶ میلادی تا حدود زیادی افت کرده است، چنانکه بر اساس این تنها ۱۳ درصد از آمریکایی‌ها اعلام کردند که دونالد ترامپ را فردی قابل اعتماد می‌دانند و تنها ۳۳ درصد از شرکت‌کنندگان ترامپ را فردی توانا برای حضور در مسند ریاست‌جمهوری دانستند که این آمار برای ترامپ حکم یک فاجعه را دارد.

روی خط خبر

تنها به دیوار تکیه داده بود

«غلامعلی جعفرزاده ایمن‌آبادی»، نایب‌رئیس فراکسیون مستقلان ولایی، توصیفی از حال احمدی‌نژاد پس از دیدار کارگزاران نظام با رهبر معظم انقلاب در توئیتر خود منتشر کرد و نوشت: «بعد از سخنرانی مقام معظم رهبری در عصر چهارشنبه دوم خرداد و هفتم ماه مبارک رمضان هنگام خروج از بیت و در کنار کفش‌کن آقای احمدی‌نژاد را دیدم که تنها به دیوار تکیه داده بود و با افراد چاق سلامتی و خداحافظی می‌کرد؛ نمی‌دانم چرا از این حال غریبش متأثر شدم.»

کینه‌های شخصی پمپئو

برخی معتقدند، علت لفاظی‌های پمپئو علیه ایران کینه شخصی او از ایرانیان است. در این زمینه دو شاهدمثال مطرح می‌شود: فوریه ۲۰۱۶ نشریه «ویکلی استاندارد» آمریکا گزارش داد سه نماینده جمهوریخواه کنگره این کشور برای سفر به تهران از ایران درخواست روادید کرده‌اند. نکته جالب توجه آنکه یکی از این سه نماینده، «مایک پمپئو» وزیر خارجه فعلی آمریکا بود. مایک پمپئو همچنین در دوم دسامبر ۲۰۱۷ (۱۱ آذر ۹۶) که رئیس سازمان سیا بود، طی سخنانی در همایش سالیانه امنیت ملی ریگان در کالیفرنیای جنوبی ناخواسته به یک اعتراف تلخ (البته برای آمریکایی‌های قلدر) تن داد و گفت: «درباره رفتارهای ایران در عراق نامه‌ای را برای ژنرال سلیمانی نوشته‌ام، اما او نامه من را باز نکرده است.»

اجرای سند ۲۰۳۰ در کشور!

برخی از مفاد سند ۲۰۳۰ در بعضی از مدارس کشور با وجود ممنوعیت اجرای این سند، اجرا می‌شود. هر چند وزارت آموزش و پرورش طی بخشنامه‌ای اجرای سند ۲۰۳۰ در مدارس را ممنوع کرده، اما متأسفانه برخی از مدیران کاسه داغ‌تر از آش شده‌اند و از دستور وزیر تبعیت نمی‌کنند. در گزارش‌هایی که به مجلس ارسال شده، آمده است برخی سخنرانان به مدارسی دعوت شده‌اند و مواردی را مطرح کرده‌اند که دقیقاً در سند ۲۰۳۰ ذکر شده است.

جنگ آغاز شده است

دبیرکل جامعه اسلامی مهندسین گفت: «مدت‌هاست جنگ رسمی علیه ما آغاز شده است و درباره مسئله تحریم‌ها امید بالایی دارند. جنگ از وزارت دفاع آمریکا به وزارت خزانه‌داری منتقل شده است.» محمدرضا باهنر افزود: «در دوره گذشته از عنوان تحریم‌های فلج‌کننده استفاده می‌کردند و فشارهایی هم به ملت ایران وارد کردند. ما در طول ۴۰ سال زمانی نبوده تحریم نباشیم و برخی اوقات این فشارها بیشتر بوده است.» باهنر تصریح کرد: «الان بار دیگر جنگ جدی اقتصادی آغاز شده و دنبال فلج کردن حکومت هستند.»

رشوه به مقامات آمریکا

خبرنگار شبکه خبری «ان‌بی‌سی» به ارتباط میان «جان بولتون» مشاور امنیت ملی ترامپ و «رودی جولیانی» وکیل ترامپ با گروهک تروریستی منافقین و نیز پول‌های پرداخت شده از سوی این گروهک تروریستی به بولتون و جولیانی برای سخنرانی در نشست‌های این گروه پرداخته است. «ریچارد انگل» می‌نویسد: «ما در حال بررسی چگونگی پرداخت پول به جان بولتون و رودی جولیانی از سوی گروه مجاهدین(گروهک تروریستی منافقین) برای این گروه هستیم.» وی می‌نویسد: «در حال حاضر، گروه مجاهدین(منافقین) هزاران دلار به مقامات سیاسی آمریکا می‌پردازد تا در نشست‌های آنها سخنرانی کنند. یکی از متخصصانی که بر روی این گروه کار می‌کند، برآورد کرده است جان بولتون در طول سالیان متمادی بالغ بر ۱۸۰ هزار دلار از این گروهک به دلیل حمایت خود از آنها برای تغییر نظام در ایران دریافت کرده است.»

رهیافت

عدالت در پرتو ولایت ـ ۵

آفات عدالت‌گرایی و عامل مصونیت آن

□ **عزیز غضنفری /** «عدالت» از منظر مفهوم‌شناسی، مفهومی مطلق، کلیدی و محوری است؛ اما در مقام اجرا، ممکن است عدالت‌گرایان و مجریان دچار گرایش‌های نامتعادلی شوند یا در عرصه تشخیص مصداق عدالت برای عملیاتی کردن آن، مصادیق نابه‌جایی برای عدالت در نظر گرفته شود که آنجا اساساً جای عدالت نباشد یا آنکه مصلحت‌هایی که در راه اجرای عدالت وجود دارد، نادیده گرفته شود. بنابراین ملاحظه می‌شود که اگرچه عدالت مفهومی مطلق است، اما عدالت‌گرایی و اجرای آن همانند برخی دیگر از مفاهیم مهم و ارزشمند احتمال دارد که با آفت‌ها و آسیب‌هایی تهدید و خود به عاملی برای ظلم به جامعه تبدیل شود.

دو شرط بسیار مهم برای مصون ماندن عدالت از آسیب وجود دارد: یکی آنکه در تشخیص مصداق عدالت دچار اشتباه و خطا نشویم؛ دیگر آنکه در مسیر اجرای عدالت، مصلحت‌های دیگر جامعه را هم در نظر بگیریم، که چه بسا ممکن است آن مصلحت‌ها مصداق مهم‌تر و پیچیده‌تری از عدالت باشند. سخن بر سر این است که عدالت در حوزه تشخیص مصداق و اجرا، لایه‌های گوناگون و سطوح پیدا و پنهانی دارد که همه را باید مورد توجه قرار داد. تاریخ زندگی امیرالمؤمنین علی(ع) نیز همین را نشان می‌دهد که ایشان این‌گونه نبودند که هیچ مصلحتی را در راه اجرای عدالت برنتابند. کم نیست مواردی که امیرالمؤمنین علی(ع) در مسیر عدالت‌گرایی، صبوری و بردباری به خرج دادند؛ چراکه جامعه ظرفیت و کشش آنها را نداشت. بنابراین، اگر می‌بینیم حضرت امیر(ع) در برخی روش‌ها و منش‌های اجتماعی و حکومتی خود هیچ مصلحتی را در نظر نمی‌گرفتند، باید به موارد مهمی هم که ایشان مصلحت‌اندیشی می‌کردند، توجه کنیم؛ از این رو بر اساس سیره و سنت رهبران دینی و دستورات شریعت، عدالت در مقام اجرا هیچ‌گاه مطلق نیست.

برای نمونه، مالک‌اشتر در مقاطع حساس ابتدایی تکوین حکومت اسلامی حضرت علی(ع)، به حضرت پیشنهاد می‌کند که تقسیم برابر اموال بیت‌المال را متوقف کنید و خواص و اشرافی که قبلاً سهم بیشتری دریافت می‌کردند، دوباره به حالت پیشین برگردند تا دست از شرارت بردارند و پایه‌های حکومت محکم شود. همین مالک‌اشتر در مواردی به امیرالمؤمنین علی(ع) اعتراض می‌کرد که چرا اجازه نمی‌دهید گردن کسانی را که امروز در برابر اسلام اقدام و توطئه می‌کنند و فردا در برابر شما می‌ایستند، بزنیم؛ اما امام(ع) این پیشنهاد حق‌گرایانه را به دلیل مصالح مهم‌تر و بزرگ‌تری نمی‌پذیرفتند.

عدالت به خودی خود ارزش مطلق و محوری دارد؛ اما آیا ممکن نیست ما در تشخیص مصداق دچار خطا شویم؟ آیا ممکن است پدیده‌هایی کاملاً مصداق عدالت باشد، اما فعلاً مصلحت انجام آن نباشد؟ مسئله این است که در این‌گونه مواقع چه باید کرد؟ پاسخ آن است که باید صبوری کرد تا موقعیت و زمان اجرای آن پیش آید، نه اینکه بر سر حاکمیت دینی فریاد بزنیم که چرا عدالت را اجرا نکرده است؛ و الّا ممکن است عدالت بزرگ‌تری آسیب ببینند. در چنین مواردی برای آنکه عدالت به طور دقیق اجرا شود و برای آنکه تشخیص داد چه امری مصلحت است، به طور مسلم باید به طریق و تدابیر ولایت چشم دوخت. باید کوشید جایگاه ولایت هر چه بیشتر تثبیت شود؛ چرا که اگر جایگاه عدالت با این بهانه‌ها دچار تزلزل شود، جامعه با خطر بی‌ثباتی مواجه می‌شود، در نتیجه ممکن است عدالت‌های بزرگ‌تری قربانی شود و ظلم‌های آشکارتری در جامعه رواج پیدا کند.

همه این نکات را گفتیم تا به این نتیجه مهم و بنیادین برسیم که اجرای دقیق و فراگیر عدالت و تشخیص مصادیق صحیح عدالت در پرتو ولایت ممکن است؛ پیشتر در همین ستون تأکید شد که از منظر رهبر معظم انقلاب اسلامی، عدالت‌گرایی در تشخیص مصداق و اجرا نیازمند دو مؤلفه «عقلانیت» و «معنویت» است.

دیدگاه

وضع کدام جناح وخیم‌تر است؟

□ **حسین عبداللهی‌فر /** بررسی وخامت اوضاع جناح‌های سیاسی به مناسبت ۲۱ سالگی اصلاحات و یک سالگی دولت دوازدهم نشان می‌دهد، جناح‌های سیاسی به جای سنجش وضعیت خود با نقطه مطلوب، تلاش می‌کنند مانند بچه‌های تنبل کلاس به جای مقایسه خود با بچه زرنگ‌ها، نمره‌های خود را با بدترین نمره‌های کلاس مقایسه کرده و به خود دلگرمی دهند.

نمونه بارز این رفتار را می‌توان در دفاعیات اصلاح‌طلبان در بیست‌ویکمین سالگرد دوم خرداد مشاهده کرد که به جای تشریح نقاط قوت و ضعف عملکرد خویش، نقاط ضعف اصولگرایان را ترسیم می‌کنند. یکی در سرمقاله خود جامعه روحانیت مبارز را «جامعه روحانیت غیر مبارز» می‌خواند و دیگری حضور ناطق‌نوری در مراسم افطاری عارف را نشانه ناتوانی اصولگراها در حفظ وی ارزیابی می‌کند. سومی، اپوزیسیون شدن احمدی‌نژاد را به رخ می‌کشد و چهارمی، از نامزدی میرسلیم بدون حمایت مؤتلفه و گلایه‌های قالیباف از اصولگراها سخن می‌گوید.

صرف نظر از صحت و سقم این مطالب، آنچه برای این نوشتار مهم است، تلاشی است که اصلاح‌طلبان برای پوشش نقاط ضعف خود انجام داده و از این طریق اقدام به فریب افکار عمومی می‌کنند؛ چراکه وضعیت امروز این جریان به اذعان نظریه‌پردازان آن بسیار وخیم‌تر از اصولگرایان است. این وخامت را می‌توان در اظهارنظر اصلاح‌طلبانی که به مناسبت ۲۱ سالگی این جناح سخن رانده‌اند، به آسانی یافت:

حجاریان با وجود همه حمایت‌هایی که از دولت روحانی به عمل آورده، به مناسبت یکمین سال پیروزی دولت دوازدهم می‌گوید: «شاید مردم به نبود روحانی رضایت دهند، در میان احزاب و چهره‌ها نیز عبور از روحانی محتمل است؛ چراکه هریک از متحدان امروزین وی، تئوری بقای خاص خود را دارند.» این عبور زودهنگام سبب شده است اصل حمایت از روحانی نیز زیر سؤال رفته و بسیاری از اصلاح‌طلبان حمایت و عبور از روحانی را نوعی قدرت‌طلبی به جای آرمان‌گرایی عنوان کنند.

محمدرضا تاجیک هم به همین مناسبت اصلاح‌طلبی را در سراشیبی مقبولیت و مشروعیت توصیف کرده و می‌گوید: «پیش‌بینی من این است که جریان اصلاح‌طلبی مرسوم و معروفی که شکل گرفته و حیات و ممات خود را در قدرت و با قدرت تعریف کرده است، به طور فزاینده‌ای به حاشیه کشیده خواهد شد و از متن جامعه و حتی معادلات سیاسی‌ای که در آینده در جامعه ما جاری خواهند شد، کنار خواهد رفت.»

تاجزاده نیز در گفت‌وگو با روزنامه «ایران» با اذعان به ناامیدی قشرهایی از مردم به اصلاح‌طلبان و حتی به اصلاحات می‌گوید: «من امروز دارم از اصلاح در اصلاحات حرف می‌زنم، یعنی ترویج نگاه انتقادی به درون. اما برای اصلاح فراگیر در کشور قطعاً این کافی نیست.»

اما روزنامه «آرمان» به ریشه هجمه اصلاح‌طلبان به اصولگراها، یعنی ترس از بازگشت مجدد آنها به قدرت اشاره کرده و از عبدالله ناصری می‌پرسد: «با توجه به انتقاداتی که از دولت آقای روحانی مطرح می‌شود برخی مدعی هستند در دوره بعد یعنی در انتخابات ۱۴۰۰ شانس پیروزی اصولگراها زیاد است. ارزیابی شما در این خصوص چیست؟» که وی تصریح می‌کند: «اینکه گفته شود اصولگرایی و یا اصلاح‌طلبی به پایان رسیده مطلبی اشتباه است. این دو جریان سیاسی همچنان با وجود مشکلاتی که دارند، به راه خود ادامه خواهند داد و در تحولات آتی کشور ایفای نقش خواهند کرد.»

محمدعلی ابطحی نیز به همین مناسبت به موضوع دیگری اشاره می‌کند که وضعیت اصلاح‌طلبان را بسیار وخیم‌تر از رقیب‌شان نشان می‌دهد و آن، اینکه می‌گوید: «اصلاح‌طلبان برانداز نیستند.» اتهام بزرگی که هرگز به اصولگرایان وارد نبوده؛ اما اصلاح‌طلبان به دلیل سوابق خود ناگزیرند که اثبات کنند به دنبال براندازی نیستند. از سویی، تجربه تلخ فتنه پس از انتخابات سال ۸۸، لکه ننگی است که بر پیشانی این جریان نشسته است. همچنین طیفی از این جریان در اغتشاشات دی ماه اقدام به راه‌اندازی هشتگی با عنوان «براندازم» کردند؛ اقدامی که از سوی برخی اصلاح‌طلبان رد شد.

تبیین

علل خصومت آمریکا با ایران از منظر امام خامنه‌ای

□ **حسن خدادی /** در پاسخ به اینکه دشمنی اصلی آمریکا با ایران و علل آن چیست؟ در یک جمله می‌توان گفت؛ همراه نشدن ملت ایران با سیاست خارجی سلطه‌طلبانه آمریکا عامل اصلی خصومت‌های آمریکا علیه ایران است. در همین زمینه امام خامنه‌ای(مدظله‌العالی) در دیدار اخیر خود در جمع فرهنگیان فرمودند: «خب، حالا چرا مخالفند با نظام جمهوری اسلامی؟ علّت مخالفت با نظام جمهوری اسلامی این است که جمهوری اسلامی آمد دستِ سلطه آمریکایی را از کشور کوتاه کرد؛ همه مسئله این است.»(۱۳۹۷/۲/۱۹) بنابراین ابتدا لازم است به این پرسش پاسخ دهیم که چرا آمریکا چنین اقداماتی را علیه ایران و نظام جمهوری اسلامی انجام داده است؟

۱ـ رویکرد نه شرقی و نه غربی / انقلاب اسلامی ایران براساس قاعده نفی سبیل در اسلام، رویکرد نه شرقی و نه غربی را اصل و راهنمای سیاست خارجی خود قرار داد. این رویکرد اساسی‌ترین نماد رفتاری ایران با قدرت‌های بزرگ تلقی شد. حضرت امام خمینی(ره) معتقد بود که این سیاست باید در تمامی زمینه‌های داخلی و در روابط خارجی حفظ شود.

۲ـ پایبندی به اسلام ناب و ارزش‌های اسلامی / یکی از عمده‌ترین دلایل دشمنی آمریکا با جمهوری اسلامی ایران پایبندی آن به اسلام و ارزش‌های اسلامی است. رهبر معظم انقلاب در این باره فرمودند: «والله آمریکا از ملت ایران از هیچ چیزشان به قدر مسلمان بودن و پایبندی به اسلام ناب محمدی بودن ناراحت نیست، او می‌خواهد شما از این پایبندی دست بردارید، او می‌خواهد شما این گردن برافراشته و سرافراز را نداشته باشید.»(۱۳۶۲/۲/۱۲)

۳ـ استقلال‌طلبی جمهوری اسلامی ایران / به دلیل استقلال‌طلبی جمهوری اسلامی ایران، مارتین ایندایک (معاون خاورمیانه‌ای وزارت خارجه آمریکا) گستاخانه تصریح می‌کند، مجازات و تنبیه انقلاب اسلامی درس عبرتی برای کشورهایی خواهد بود که در مسیر استقلال و رهایی از سلطه آمریکا گام برمی‌دارند. نوام چامسکی نظریه‌پرداز مشهور آمریکایی نیز معتقد است، دشمنی‌ها و کینه‌توزی‌های آمریکا نسبت به جمهوری اسلامی ایران به دلیل استقلال‌طلبی این کشور است. وی می‌گوید: «جمهوری اسلامی ایران از نظر آمریکا غیر قابل پذیرش است، چون از استقلال خود چشم نمی‌پوشد.»

۴ـ عدالت‌طلبی و پیشرفت نظام جمهوری اسلامی / رهبر حکیم انقلاب در این باره فرمودند: «دشمنی نظام مستکبر آمریکایی و هر مستکبری در دنیا با نظام اسلامی به خاطر پرچم برافراشته عدالت است. به خاطر این است که می‌بینند با نام اسلام و با تعالیم والای اسلام کشوری دارد به سمت رشد و توسعه و پیشرفت علمی و عملی حرکت می‌کند، می‌داند این جلوی نفوذ آنها را خواهد گرفت.»(۱۳۸۴/۲/۱۸)

۵ـ آگاهی‌بخشی و موج بیداری اسلامی نظام جمهوری اسلامی / خودآگاهی و بیداری مسلمان‌ها که به واسطه پیروزی انقلاب اسلامی حاصل شده است نیز یکی دیگر از دلایل دشمنی آمریکا با جمهوری اسلامی ایران است. معظم‌له در تبیین آگاهی و بیداری مسلمانان و نقش آن در دشمن‌ستیزی آنها نیز فرمودند: «امروز عمده دردسرهایی که اردوگاه استکبار و مشخصاً آمریکا و صهیونیسم دچارش هستند ـ که این دردسرها خیلی زیاد هم است ـ به خاطر این است که مسلمان‌ها به یک خودآگاهی رسیده‌اند که در این خودآگاهی، امام بزرگوار و ملت ایران و انقلاب اسلامی ما نقش فراوانی داشته است.»(۱۳۷۹/۹/۷)

۶ـ نفوذ و فشار اسرائیل و لابی صهیونیستی / گراهام فولر نویسنده کتاب «قبله عالم» و از مقامات بلندپایه سازمان سیا که به مدت ۲۵ سال در منطقه خاورمیانه و از جمله ایران فعال بوده است، در تشریح نوع نگرش سیاستمداران واشنگتن به ایران و نقش لابی صهیونیسم معتقد است: «یک مرکز سخنگویی و تبلیغاتی داغ و پرهیجان طرفدار اسرائیل در سنا و کنگره حضور دارند که هرگونه شفافیت در روابط دو کشور را مخدوش و تیره می‌کند.»

اخبار

دولت در معرفی دوتابعیتی‌ها کوتاهی می‌کند

رئیس کمیته تحقیق و تفحص از مدیران دوتابعیتی و دارای گرین‌کارت، با بیان اینکه از میان دستگاه‌ها فقط نهاد ریاست‌جمهوری اسامی دوتابعیتی‌هایش را نداده، ماجرای نامه وزارت اطلاعات را تشریح کرد. جواد کریمی‌قدوسی، نماینده مردم مشهد با اشاره به تهیه گزارش تحقیق و تفحص از مدیران دوتابعیتی و دارای گرین‌کارت اظهار داشت: «یکی از اقداماتی که در تحقیق و تفحص انجام شده، گرفتن استعلام از خود سازمان‌ها و دستگاه‌های دولتی بوده است؛ از این رو به تک تک دستگاه‌ها از سوی کمیته تحقیق و تفحص نامه نوشته شد تا افراد دوتابعیتی دستگاه را از طریق حراست یا راه دیگر به ما معرفی کنند. همچنین خواسته شد تا اسامی مدیران و سلسله‌مراتب آنها را به صورت به‌روز و با مشخصات کامل و کد ملی در اختیار ما قرار دهند؛ چرا که قرار است ما این موارد را به جایگاه‌های دیگر ارائه کرده و استعلام کنیم. تنها جایی که تاکنون جواب نداده، نهاد ریاست‌جمهوری بوده است، وگرنه همه وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها، مراکز علمی و دانشگاهی به ما پاسخ داده‌اند.» کریمی‌قدوسی گفت: «خاوری نمونه‌ای از این افراد بود، دری اصفهانی هم می‌خواست فرار کند چون دوتابعیتی بود، اموالی نبرده بود، اما اسرار نظام را برد.» وی یادآور شد: «من در آنجا تأکید کردم که این اسامی محرمانه است و پخش آنها در رسانه‌ها پیامدهای سنگینی دارد. اسامی دوتابعیتی‌ها بالغ بر ۳۰۰ نفر است.»

چگونه یک مفسد را فراری دادند

ناصر سراج، قاضی پرونده خاوری شگردهای فراری دادن یک مدیر دوتابعیتی را برملا کرد. این شگردها عبارتند از: ۱ـ دبیر هیئت نظارت بر مسافرت‌های خارجی کارکنان دولت چند روز پس از اینکه خاوری به خارج رفته است، این مأموریت را کان لم یکن تلقی می‌کند و آقای خاوری در هتلی در انگلستان و از طریق فکس استعفای خود را به دفترش اعلام می‌کند. ۲ـ برای بازگرداندن خاوری به کشور نام او در فهرست قرمز پلیس اینترپل قرار گرفت، اما در برهه‌های زمانی گوناگون اعلام شد، نام خاوری از پلیس اینترپل حذف شده، در حالی که پلیس اینترپل این خبر را تکذیب کرد. ۳ـ مسئولان قضایی کشور زمانی که دیدند در حال حاضر امکان بازگرداندن خاوری به کشور وجود ندارد، تصمیم گرفتند دادگاه او را به صورت غیابی برگزار کنند. در همان زمان، شایعه کشته شدن خاوری در کانادا منتشر شد؛ اما این خبر هم به سرعت تکذیب و گفته شد خاوری برای اینکه نامش از فهرست پلیس اینترپل خارج شود، این شایعه را منتشر کرده است. ۴ـ محمود عباسی، معاون حقوق بشر و امور بین‌الملل وزیر دادگستری در پاسخ به این پرسش که آیا امکان بازگرداندن خاوری به کشور وجود دارد، گفت: «برای انتقال خاوری به کشور هنوز هیچ مذاکره‌ای انجام نشده است.» سراج افزود: «امکان انتقال خاوری به کشور از طریق معامله متقابل وجود دارد که در عرف حقوقی بین‌الملل پذیرفته شده است.»

نکته‌گرام

لعنت آیندگان بر مجلسی که پالرمو را بپذیرد!

حاجی دلیگانی نماینده شاهین‌شهر:

آیندگان، نمایندگان مجلس را در صورت تن دادن به الحاق کشورمان به معاهده استعماری کنوانسیون مبارزه با تأمین مالی تروریسم، لعنت خواهند کرد؛ همان‌طور که نسل‌های پیش از ما دولت‌مردان گذشته را به خاطر پذیرفتن معاهده‌های ننگین گلستان و ترکمانچای لعنت کردند.

▲حاجی دلیگانی نماینده شاهین‌شهر: لعنت آیندگان بر مجلسی که #پالرمو را بپذیرد!

@Afsaran.ir

عکس خبر

حاشیه جالب و دیدنی از دیدار رهبری با کارگزاران نظام

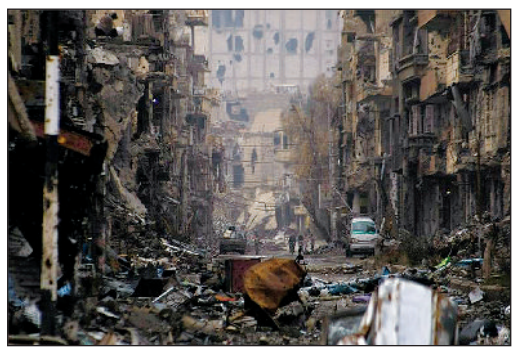

سوریه و عاقبت دلخوش کردن به وعده آمریکایی

همبستگی هنرمند ایرلندی با مردم فلسطین

شوخی این روزهای نوجوانان فلسطینی

سفره افطار در خیابان‌های ایالات متحده آمریکا

نوازش تظاهرکنندگان به روش فرانسه

چین، نور خورشید را هم هدر نمی‌دهد

سند الاغ سال ۱۳۱۵ / شاید روزی هم خودرو سند نخواهد!

سناریوی مشترک

حمیدرضا حاجی‌بابایی، نماینده مردم همدان گفت: خروج آمریکا از برجام و حمایت اروپا از این توافق یک سناریوی مشترک است تا از یک سو تحریم‌ها اعمال شود و از سوی دیگر ایران در برجام بماند. آنها به این جمع‌بندی رسیدند که اگر یکباره از برجام خارج شوند، این موضوع با شوکی که ایجاد می‌کرد موجب ایجاد انسجام بیشتر در داخل ایران می‌شد؛ لذا به این تصمیم رسیدند که با این سناریو هم فشار اقتصادی را افزایش دهند و هم از طریق مذاکرات اروپایی، ایران را به پذیرش متمم برجام مجبور کنند.

نگاه

فکت‌شیت ایرانی برجام

□**علی کارگر/** پس از خروج یکجانبه آمریکا از برجام، کشورهای اروپایی با صدور بیانیه و موضع‌گیری‌های گوناگون اعلام کردند که خواهان ادامه برجام بدون حضور آمریکا هستند. این موضوع به فاصله چند دقیقه پس از موضع‌گیری رئیس‌جمهور آمریکا از سوی رئیس‌جمهور کشورمان نیز مطرح شد.

این نوع موضع‌گیری‌ها سؤالاتی را به ذهن متبادر می‌کند؛ آیا آمریکا پیش از خروجش از برجام به تعهدات خود متوازن با تعهدات ایران عمل کرده بود؟ برجام چه حقی را برای مقابله با این نقض فاحش برای ایران قائل است؟ آیا ادامه برجام با اروپا، در شرایطی که تعهدات آمریکا به ایران بر اساس برجام از بین رفته، توافقی منطقی و به صرفه است؟ به بیانی دیگر، زمانی که بخش قابل توجهی از امتیازهایی که باید طرف غربی به ایران بدهد، با خروج آمریکا از برجام تعلیق شده است؛ آیا ایران نباید در تعهدات خود تجدید نظر کند؟ چه تضمینی وجود دارد که اروپا نیز پس از مدتی راه آمریکا را در پیش نگیرد و آیا اروپا اصلاً می‌تواند مسیری متفاوت با آمریکا اتخاذ کند؟!

این دسته از پرسش‌ها و ده‌ها پرسش دیگر سبب به وجود آمدن فضایی مبهم درباره ادامه برجام شده است. در غرب مرسوم است که در چنین شرایطی برای ابهام‌زدایی از افکار عمومی بیانیه‌های رسمی با عنوان «فکت‌شیت» منتشر می‌شود و با لحاظ کردن نکات مهم و محوری مسیر حرکت نظام را برای مردم همان کشور و دیگر نقاط جهان مشخص می‌کنند. اتفاقی که درباره برجام با انتشار فکت‌شیت آمریکایی نیز رخ داد. بیانات مهم رهبر معظم انقلاب برای ادامه برجام با اروپا را می‌توان فکت‌شیت ایرانی برجام تعریف کرد.

نکته بسیار مهم در تعیین شروط هشت‌گانه این است که هیچ یک از موارد مطرح شده خارج از برجام نیست. برای نمونه، صدور قطعنامه در محکومیت آمریکا برای خروج از برجام است، با بند ح مقدمه برجام سازگار است. در این بند آمده است: «گروه ۱+۵ و ایران برعهده می‌گیرند که این برجام را با حسن نیت و در فضایی سازنده، بر مبنای احترام متقابل اجرا نمایند، و از هرگونه اقدام مغایر با نص، روح و هدف این برجام خودداری نمایند.» زمانی که آمریکا از برجام خارج می‌شود، حسن نیت اقتضا می‌کند متناسب با نحوه نقض برجام با آن مقابله شود؛ از این رو تلاش آمریکا برای اعمال تحریم‌های شورای امنیت نیازمند محکومیت آمریکا در همان سطح است! در برجام به صراحت اشاره شده، که برجام صرفاً یک توافق درباره برنامه هسته‌ای ایران است.

این فکت‌شیت افزون بر اینکه نقشه راه مسئولان و مردم در ادامه مسیر هسته‌ای را مشخص کرده، نشان می‌دهد جمهوری اسلامی ایران به معنای واقعی کلمه به دنبال توافق سازنده بوده است و هرگز به دنبال بهانه‌ای برای خروج از آن نیست. بدیهی است در این شرایط ایران زمانی که با درخواست تضمین از طرف مقابل حاضر به ادامه برجام می‌شود، نشان از حسن نیت ایران در ادامه برجام دارد. گفتنی است، این حسن نیت به معنای اعتماد به اروپا نیست؛ اروپایی‌ها که در طول ۱۵ سال گذشته بارها تعهدات خود را زیر پا گذاشته‌اند، باید برای ادامه اعتمادسازی کنند. بسیاری از شروط مطرح شده از جمله عملکرد بانکی، خرید نفت و... در راستای جلب اعتماد ملت و مسئولان ایران مطرح شده است.

نکته پایانی اینکه یکی از کاربردهای بسیار مهم در معرفی فکت‌شیت جلوگیری از بروز اختلافات داخلی درباره این موضوعات است. جریان‌های داخلی بر سر موضوع برجام چه در زمان پیگیری مذاکرات و حصول توافق و چه در زمان اجرای برجام همواره مواضع و نگاه‌های متفاوتی داشته‌اند که قطعاً در رقابت‌های سیاسی آینده مبنای برخی قضاوت‌ها قرار خواهد گرفت؛ ولی در حال حاضر که طرف مقابل تمام توان خود را بسیج کرده است که هر روز با یک ترفندی مانعی بر سر راه این نظام ایجاد کند، ادامه رقابت‌های داخلی بسیار زیانبار است و مسئولان باید در مطالبه کامل این شروط همه همت خود را به کار گیرند و مردم با چشمی باز بر عملکرد مسئولان نظارت کنند تا این شروط به سرنوشت شروط نه‌گانه رهبر معظم انقلاب(مدظله‌العالی) در امضای توافق هسته‌ای(برجام) مبتلا نشود!

سرمقاله

آیا اروپا تضمین می‌دهد؟

ادامه از صفحه اول

بدعهدی اروپایی‌ها را رهبر معظم انقلاب در دیدار با مسئولان نظام در هفتم ماه رمضان این‌چنین توضیح دادند: «سه کشور اروپایی در ۱۳، ۱۴ سال قبل، یک بدعهدی و بی‌صداقتی بزرگی با ما کرده‌اند بر سر همین قضیه هسته‌ای؛ سال‌های ۸۳ و ۸۴ یک بی‌صداقتی بزرگی با ما کردند؛ یک چیزی را قول دادند، عمل نکردند، برخلافش عمل کردند. بایستی ثابت کنند که آن حالت را دیگر ندارند؛ این به عهده آنها است.»

نکته اصلی این است که اروپایی‌ها، چگونه باید ثابت کنند و چه چیزی را باید ثابت کنند؟ رهبر معظم انقلاب راه این کار را، در تضمین دادن اروپا به ایران می‌دانند. معظم‌له در دیدار به مسئولان نظام، مصادیق تضمین‌های اروپا را به این شرح بیان فرمودند:

۱ـ «آمریکا قطعنامه ۲۲۳۱ را نقض کرده است؛ آنهایی که عضو شورای امنیتند بایستی در مقابل این حرکت آمریکا، قطعنامه‌ای علیه او به شورای امنیت ببرند؛ یک قطعنامه علیه آمریکا به عنوان اینکه این [کشور] ناقض قطعنامه ۲۲۳۱ است. یکی از کارهایی که باید بکنند این است.»

۲ـ «اروپا باید متعهد شود که بحث موشک و حضور جمهوری اسلامی در منطقه را مطرح نکند.»

۳ـ «باید با هرگونه تحریمی علیه جمهوری اسلامی مقابله بکنند.»

۴ـ اروپا باید فروش نفت ایران را تضمین کند.»

۵ـ «بانک‌های اروپایی باید دریافت و پرداخت و انتقال وجوه مربوط به تجارت دولتی و تجارت خصوصی با جمهوری اسلامی را تضمین کنند.»

رهبر معظم انقلاب با بیان مصادیق روشن تضمین‌ها که تأمین‌کننده منافع ملت ایران در ازای عمل جمهوری اسلامی به تعهدات برجامی است، حکمت این تضمین گرفتن را این‌گونه بیان داشتند: «ما با این سه کشور دعوا نداریم، [اما] اعتماد نداریم. مسئله ما مسئله دعوا کردن و اختلاف ایجاد کردن نیست؛ مسئله ما اعتماد نداشتن است؛ ما به این کشورها اعتماد نداریم و این هم متکی به یک سابقه‌ای است.»

سؤال این است که آیا اروپایی‌ها تضمین می‌دهند؟ بسیار بعید است. این نکته‌ای است که خود اروپایی‌ها هم می‌گویند. در چنین شرایطی منافع ملت ایران، در دو وضعیت زیر تأمین می‌شود:

۱ـ اروپایی‌ها برای حفظ برجام تضمین بدهند و در عمل به آن پایبند باشند.

۲ـ اگر اروپایی‌ها تضمین ندادند و حقوق و عزت ملت ایران تأمین نشد، جمهوری اسلامی ایران به شرایط پیش از برجام برگشته، به سرعت غنی‌سازی ۲۰ درصد را شروع کند.

اروپایی‌ها باید این اراده بازگشت به شرایط پیش از برجام را در مسئولان نظام ببینند.

چه بسا اگر آمریکایی‌ها مطمئن بودند با خروج آنها از برجام، ایران هم به شرایط پیش از برجام برمی‌گشت، در خروجشان از برجام تأمل بیشتری می‌کردند.

بر همین اساس رهبر معظم انقلاب این اراده را برای اروپایی‌ها آشکار کردند و فرمودند: «اگر اروپایی‌ها در پاسخگویی به این مطالبات تعلل کردند، حق ما برای آغاز کردن فعالیت‌های تعطیل شده هسته‌ای محفوظ است و مسئولین سازمان هسته‌ای ما بایستی آماده باشند. من البته نمی‌گویم الآن بروید ۲۰ درصد را شروع کنید به غنی‌سازی کردن، اما می‌گویم آماده باشید.»

اروپایی‌ها این اراده را در سال ۱۳۸۴ در فک پلمب‌ها از تأسیسات هسته‌ای تجربه کرده‌اند. به یقین اگر تعلل کنند و منافع برجامی ملت ایران را تأمین نکنند، یک‌بار دیگر اراده ملت ایران را تجربه خواهند کرد.

صبح صادق با بررسی تجارب گذشته و دلایل بی‌اعتمادی به غرب، راهبرد آینده جمهوری اسلامی ایران را بررسی می‌کند

تضمین اروپایی و تحکیم قدرت درونی

□**گروه سیاسی/ با خروج عهدشکنانه ترامپ از برجام، رئیس‌جمهور کشورمان در نطقی تلویزیونی ادامه برجام منهای آمریکا را پیشنهاد داد که بیشتر، رویکرد برجام اروپایی از سخنانش فهمیده شد. حال پرسش مهمی که در اذهان جامعه شکل گرفته، این است که آیا اروپا می‌تواند منافع اقتصادی مورد نظر ایران از برجام را تضمین و تأمین کند؟**

برای رسیدن به پاسخ درست و منطقی، لازم است از دو منظر موضوع عملکرد و رفتار اروپایی‌ها نسبت به جمهوری اسلامی ایران را بررسی کرد؛ اول ـ مرور تجارب پیشین رفتار و عملکردهای اروپایی درباره جمهوری اسلامی ایران در سال‌های گذشته و در عرصه‌های مختلف؛ دوم ـ توجه به اینکه اساساً اروپایی‌ها در برجام با آمریکا چه نقشی را ایفا کردند و آیا می‌شود با اتکا به عملکرد گذشته، در برجام بدون آمریکا نیز به آنها اعتماد و روی حمایت‌های آنها حساب باز کرد؟

مطلب پیش رو که در دو بخش تنظیم می‌شود، درصدد است با نگاهی به راهبردهای رهبر معظم انقلاب در دیدار اخیرشان و همچنین تمهید نقطه‌نظرات کارشناسی، زاویه دید و زمینه صائبی را برای پاسخ درست به پرسش فوق از سوی مخاطبان عزیز فراهم کند.

تجربه عبرت‌آموز گذشته؛ همراهی اروپا با آمریکا در بزنگاه‌ها

در بخش اول، مبتنی بر مستندات موجود از سابقه و لاحقه روابط اروپایی‌ها با جمهوری اسلامی ایران به ویژه در سال‌های ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۵ و همچنین بر اساس تحلیل و تبیین حکیمانه رهبر معظم انقلاب در دوم خرداد ۹۷ در جمع رؤسای قوا و مسئولان و کارگزاران نظام که به مثابه نقشه راه باید مد نظر تمامی مسئولان کشور قرار بگیرد، می‌توانیم به تصویر روشنی از عملکرد اروپایی‌ها در آینده مواجهه آنها با برجام و تمهید شرایط تأمین منافع ملت ایران دست یابیم. رهبر معظم انقلاب در این باره به شش تجربه بسیار مهم اشاره کردند و بر اساس آنها راهبردهای پیش روی مسئولان نظام را تعیین کردند.

در موضوع تجربه عملکردی، بهترین استناد سخنان رهبر معظم انقلاب است، آنجا که فرمودند: «یک تجربه دیگر که این هم تجربه مهمّی است، تجربه همراهیِ اروپا با آمریکا در مهم‌ترین موارد است. ما بنای دعوا کردن با اروپایی‌ها را نداریم؛ با این سه کشور اروپایی بنای معارضه و مخالفت و بگومگو نداریم، امّا واقعیّت‌ها را باید بدانیم. این سه کشور نشان داده‌اند که در حسّاس‌ترین موارد با آمریکا همراهی می‌کنند و دنبال آمریکا حرکت می‌کنند.»

امام خامنه‌ای(مدظله‌العالی) در همین بخش دو شاهد مثال را اینگونه مطرح کردند: «حرکت زشت وزیر خارجه فرانسه در جریان مذاکرات را همه یادشان هست؛ در بازی «پلیس بد و پلیس خوب» می‌گفتند او نقش «پلیس بد» را ایفا می‌کند؛ البتّه قطعاً با هماهنگی آمریکایی‌ها بود؛ یا برخورد انگلیسی‌ها در قبال حقّ خرید کیک زرد که مسلّم شده بود و قطعی شده بود و در برجام پیش‌بینی شده بود که ما از یک مرکزی و محلّی کیک زرد تهیّه کنیم و بخریم و بیاوریم، [امّا] انگلیسی‌ها جلویش را گرفتند؛ یعنی اینها با آمریکا همکاری می‌کنند، همراهی می‌کنند؛ تاکنون این جور بوده. این هم یک تجربه است؛ این را فراموش نکنیم. اینها در مقام حرف یک چیزهایی می‌گویند امّا در مقام عمل، تا الآن ما ندیده‌ایم ـ یعنی به نظر من تا الان ما این را مشاهده نکرده‌ایم؛ بنده یادم نمی‌آید ـ که اینها به معنای واقعی کلمه ایستاده باشند و در مقابل آمریکا از حق دفاع کرده باشند.»

راهبردهای حال و آینده

حاصل تجارب عبرت‌آموز گذشته در عملکردها و رفتارهای سیاسی اروپایی‌ها در قبال جمهوری اسلامی ایران که به همراهی اروپا با آمریکا در مسائل مهم اشاره شد، بی‌اعتمادی است که امروز در بیانات رهبر معظم انقلاب ملاحظه و دلیلی می‌شود که ایشان به صراحت به متولیان امر هشدار دهند که برای ادامه برجام با اروپایی‌ها چند پیش شرط را به عنوان راهبرد تنظیم رفتار مناسب در برابر آنها در کانون تصمیم‌گیری‌های امروز و فردای خود قرار دهند.

۱ـ تعهد اروپا به طرح نکردن مباحث موشکی و حضور منطقه‌ای جمهوری اسلامی؛ «این را باید قول بدهند. اینکه در هر برهه‌ای از زمان یک چیزی بگویند و مسئله موشک را به شکل‌های مختلف مطرح کنند، اصلاً قابل قبول نیست. بایستی سران این سه کشور قول بدهند و قبول بکنند که مطلقاً مسئله موشک را مطرح نخواهند کرد.» دلیل این تأکید رهبر معظم انقلاب را می‌توان در فرازی که به احصای تجارب می‌پردازند، یافت؛ آنجا که مسئله توانمندی موشکی و عمق راهبردی نظام را جزء مؤلفه‌های قدرت ملی و دفاعی می‌دانند که نه تنها جمهوری اسلامی ایران، بلکه «هیچ دولت عاقلی» نمی‌تواند از آنها صرف‌نظر کند.

۲ـ ضرورت مقابله اروپا با هرگونه تحریم علیه ایران؛ «حالا او می‌گوید من تحریم می‌کنم ایران را، اینها باید صریح در مقابل تحریم آمریکا بایستند. اگر بنا است معاهده‌ای وجود داشته باشد بین ما و اروپایی‌ها، این جزو شرایطش است.»

۳ـ اروپا باید فروش کامل نفت ایران را تضمین کند؛ «یعنی حالا اگر چنانچه آمریکایی‌ها توانستند به فروش نفت جمهوری اسلامی لطمه بزنند، آنها بایستی به قدری که جمهوری اسلامی می‌خواهد [خریداری بکنند].»

۴ـ تضمین مراودات مالی و بانکی با ایران؛ بانک‌های اروپایی باید دریافت و پرداخت و انتقال وجوه مربوط به تجارت دولتی و تجارت خصوصی با جمهوری اسلامی ایران را تضمین کنند. «اینکه گفتیم باید تضمین کنند، تضمین، [انجام] این چیزها است؛ اینها را باید تضمین کنند... ما به این کشورها اعتماد نداریم و این هم متّکی است به یک سابقه‌ای؛ لذاست که باید این تضمین‌ها به طور واقعی انجام بگیرد.»

۵ـ آماده‌باش بازیافت فعالیت‌های تعطیل شده در صورت تعلل اروپا؛ «اگر اروپایی‌ها در پاسخگویی به این مطالبات تعلّل کردند، حقّ ما برای آغاز کردنِ فعّالیّت‌های تعطیل شده هسته‌ای محفوظ است. مسئولان سازمان هسته‌ای ما بایستی آماده باشند. من البتّه نمی‌گویم الان بروید ۲۰ درصد را شروع کنید به غنی‌سازی کردن، امّا می‌گویم آماده باشید.»

بازخوانی عملکرد اروپا در قبال تأمین منافع انتظاری از برجام

در بخش دوم این مطلب، به بازخوانی عملکرد اروپا در زمان اجرای برجام در چهار حوزه مهم اقتصادی خواهیم پرداخت که دولت به دنبال تحقق هر یک از این منافع مورد انتظار بود؛ یعنی انتظار و توقع طبیعی از انعقاد برجام، اساساً لغو تحریم‌ها به ویژه در حوزه‌های اقتصادی بود. به منظور ارزیابی تأمین منافع اقتصادی ایران باید شرایط را با قبل از برجام مقایسه کرد و نقش احتمالی اروپا در برآورده شدن این منافع را مورد بررسی قرار داد. در این صورت می‌توان تصمیم معقولانه‌تری درباره ادامه همکاری با اروپا و حفظ برجام اتخاذ کرد.

منافع اقتصادی مورد انتظار ایران از قبَل برجام در چهار دسته کلی قرار می‌گیرند:

۱ـ افزایش فروش نفت: تحریم‌های نفتی آمریکا و اروپا در سال ۲۰۱۲ میلادی میزان صادرات نفت ایران را به حدود یک میلیون بشکه در روز کاهش داده بود، اما پس از اجرای توافق هسته‌ای، صادرات نفت ایران به بیش از دو برابر زمان تحریم‌ها رسید. پس از آنکه در اوایل سال ۲۰۱۶ میلادی توافقنامه هسته‌ای اجرایی شد و تحریم‌های بین‌المللی علیه صنعت نفت ایران برداشته شد، توانستیم به جایگاه گذشته خود در این صنعت دست یابیم. اکنون ایران بعد از عربستان سعودی و عراق بزرگ‌ترین صادرکننده نفت خام در میان اعضای سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک) است. صادرات نفتی ایران در ماه آوریل ۲ میلیون و ۶۰۰ هزار بشکه در روز برآورد شده است؛ چین، هند و اتحادیه اروپا مشتریان اصلی ایران هستند. هر چند در ظاهر ایران منافع مورد انتظار خود را از افزایش فروش نفت و بازگشت به شرایط گذشته به دست آورده (همانطور که در نمودار زیر مشاهده می‌کنید)، اما یکی از موضوعاتی که باید به آن توجه ویژه داشت، سخت‌تر شدن انتقال درآمدهای ارزی حاصل از فروش نفت پس از روی کار آمدن ترامپ است.

۲ـ تسهیل حضور سرمایه‌های خارجی: یکی از موتورهای محرکه برای رشد اقتصاد هر کشوری حضور سرمایه‌های خارجی است، که می‌تواند با عرضه نقدینگی به بخش‌های تولیدی موجب توسعه و رشد اقتصادی شود و

بی‌عملی اروپایی‌ها بی‌نیاز از هر گونه استدلالی است و صرف مراجعه به آمار و ارقام‌ها، حکایت از عامل مهم بی‌اعتمادی به اروپایی‌ها دارد. اروپایی‌ها نخواستند یا نتوانستند در برابر تحریم‌های غیرقانونی و حتی تهدید و تشرهای غیر رسمی آمریکا در قبال نقض برجام در گذشته و خروج از آن در شرایط کنونی بایستند

از سوی دیگر میزان بیکاری در کشور را به طور چشمگیری کاهش دهد. شاید بتوان گفت، یکی از مهم‌ترین دستاوردهای مورد انتظار تیم اقتصادی دولت پس از برجام تسهیل ورود سرمایه‌گذار خارجی به کشور بود، ولی در عرصه میدانی این هدف توفیق چندانی نیافت و میزان سرمایه‌گذاری خارجی با انتظارات بسیار متفاوت بود. آمریکایی‌ها با تهدیدهای پی در پی موجب افزایش ریسک سیاسی برای حضور سرمایه‌گذاران خارجی در کشورمان شده و امنیت سرمایه‌گذاری را با خطر و چالش مواجه کردند. البته ساختارهای موجود و حاکم بر اقتصاد کشور نیز به گونه‌ای است که کار را برای حضور سرمایه‌گذار خارجی دشوار می‌کند؛ ساختارهایی که دولت تلاشی برای بهبود آنها نکرد. در مجموع می‌توان گفت، میزان جذب سرمایه‌گذاری خارجی در زمان اوج تحریم‌ها و پس از آن تفاوت چشمگیری نداشته است، ولی دولت به دنبال بزرگنمایی از دستاوردهای برجام است. زمانی که سرمایه خارجی در کشور جذب و تخصیص پیدا کند، اثرگذار است، اما صرف امضای قرارداد مسئله‌ای را حل نمی‌کند. این مسئله در خصوص بسیاری از شرکت‌های که در ایران فعالند صدق می‌کند، برای نمونه شرکت توتال در بیانیه‌ای اعلام کرد که از زمان حضور و امضای قرارداد در ایران فقط ۴۰ میلیون دلار در کشور سرمایه‌گذاری کرده است، ولی دولت با بزرگنمایی از قرارداد ۵ میلیارد دلاری در پی انحراف افکار عمومی است. این هدف‌گذاری نادرست سبب شد تمرکز تیم اقتصادی دولت از توجه به داخل کشور منحرف شده و اوضاع واحدهای تولیدی و صنعتی داخلی با بحران روبه‌رو شود.

۳ـ روان‌سازی مراودات مالی و بانکی: یکی از اصلی‌ترین منافع مورد انتظار ایران از برجام، تسهیل مراودات بانکی بوده و هست. هرچند پس از امضای برجام تعدادی از بانک‌های کوچک اروپا با ایران مراودات مالی داشتند؛ ولی به اذعان مقامات دولتی هنوز در برقراری ارتباط با بانک‌های بزرگ با مشکل مواجه هستیم. در واقع، گشایش‌هایی صورت گرفته؛ ولی هنوز به طور کامل با سراسر جهان ارتباطات بانکی برقرار نشده است. البته نباید از این مسئله غافل شد که بخش قابل اعتنایی از مشکلات بانکی به واسطه ناکارآمدی نظام بانکی کشور ایجاد شده است و ارتباطی به تحریم‌ها ندارد. پاشنه آشیل برجام بحث بانکی است که هنوز درست نشده است. اگر مشکل مبادلات بانکی حل شود، بسیاری از مسائل دیگر نیز برطرف خواهد شد. هنوز نمی‌توانیم آن گونه که باید و شاید با خارج تعامل داشته باشیم. برای ورود سرمایه‌گذار خارجی نیز مشکلاتی وجود دارد که مهم‌ترین مانع نارسایی‌های نظام بانکی است.

۴ـ افزایش سطح تجارت خارجی (صادرات و واردات): یکی از اهداف دولت از انعقاد برجام بازگشت ایران به جامعه جهانی و دستیابی به سهم اقتصادی خود از کیک اقتصاد جهان بود که تا حدودی به سطح پیش از تحریم‌ها رسیده‌ایم، اما یک نکته در نمودار زیر نهفته است و آن غالب بودن واردات بر صادرات. زمانی که به آمارهای دولت در این زمینه مراجعه می‌کنیم درمی‌یابیم که متأسفانه بخش قابل توجهی از این افزایش مربوط به واردات کالاهای مصرفی است که مشابه داخلی آن وجود دارد.

چرا اعتماد به اروپا سخت است؟

بی‌عملی اروپایی‌ها در برخی از بخش‌های چهارگانه فوق بی‌نیاز از هر گونه استدلالی است و صرف مراجعه به آمار و ارقام‌ها، حکایت از عامل مهم بی‌اعتمادی به اروپایی‌ها دارد. اروپایی‌ها نخواستند یا نتوانستند در برابر تحریم‌های غیرقانونی و حتی تهدید و تشرهای غیر رسمی آمریکا در قبال نقض برجام در گذشته و خروج از آن در شرایط کنونی بایستند؛ از این رو مرور تجارب گذشته و برخی دلایلی که در زیر مورد اشاره قرار می‌گیرد، اعتماد به اروپا را سخت می‌کند؛

۱ـ اشتراک نظر راهبردی اروپا و آمریکا درباره مهار ایران: اروپا و آمریکا بر سر مهار نفوذ ایران در منطقه و توانمندی‌های حوزه موشکی آن هم‌عقیده‌اند؛ اما اختلاف اروپایی‌ها با آمریکایی‌ها بر سر روش‌ها و تاکتیک‌ها است. اروپایی‌ها با ترامپ در زمینه اصلاح برجام موافق بودند، اما اعتقاد داشته و دارند که با حفظ ساختار کنونی توافق‌نامه هسته‌ای، در آینده‌ای نزدیک ایده اصلاح آن را مطرح کنند و در کنار آن و در قالبی جداگانه مذاکرات و احیاناً تحریم‌ها و اقدامات تنبیهی علیه برنامه موشکی و سیاست‌های منطقه‌ای ایران را مدیریت کنند.

۲ـ محقق نشدن انتظارات از سوی اروپا در زمان حضور آمریکا در برجام: اروپا زمانی که هنوز ایالات متحده از توافق‌نامه هسته‌ای خارج نشده بود، نتوانست انتظارات دولت ایران را در دو حوزه جذب سرمایه‌های خارجی و تسهیل مبادلات بانکی و تجاری با بانک‌های درجه اول دنیا برآورده کند. بنابراین هیچ تضمینی وجود ندارد که اروپا بتواند منافع مورد انتظار ایران از برجام را تحقق بخشد.

۳ـ درهم‌تنیدگی اقتصاد اروپا و آمریکا: اگر صرفاً از نظر اقتصادی به موضوع بنگریم، پی بردن به سرنوشت برجام بدون آمریکا سخت نیست، چرا که میزان و حجم مراودات اقتصادی اروپا و آمریکا در قیاس با مراودات اروپا و ایران، قابل مقایسه نیست. بر اساس نمودار و جداول آماری تجارت بین آمریکا و اروپا و سهام‌دار بودن آمریکایی‌ها در شرکت‌های بزرگ اروپایی بسیاری از شرکت‌ها از جمله توتال و ایرباس، منافع بسیاری در ایالات متحده دارند و این منافع به اندازه‌ای است که حاضر نیستند به دلیل مناقشات سیاسی از آن بگذرند و خود را در معرض تحریم‌ها و جریمه‌های وزارت خزانه‌داری آمریکا قرار دهند.

۴ـ اظهارات ناامیدکننده مقامات اروپایی: پس از خروج ایالات متحده از برجام، وزیر اقتصاد آلمان در اظهار نظری گفت: «دولت این کشور به لحاظ حقوقی نمی‌تواند به شرکت‌های آلمانی فعال در ایران در صورت اعمال تحریم‌های جدید آمریکا کمک کند.» به گفته وزیر خارجه آلمان معاف کردن شرکت‌های آلمانی از تحریم‌های آمریکا بسیار مشکل خواهد بود.

ادامه در صفحه ۱۲

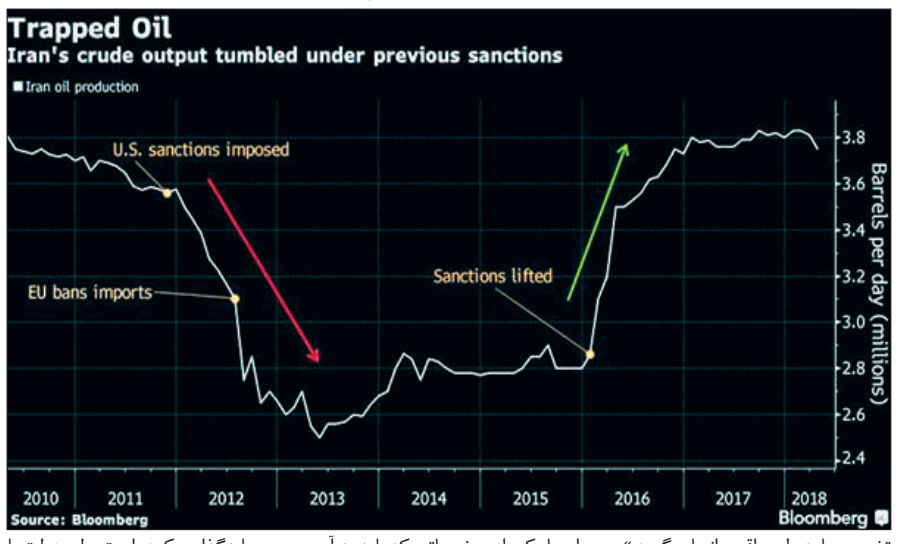

نیم‌نگاه

نفت ایران و بازگشت تحریم‌ها

□**مجید رهروی/** خروج آمریکا از توافق هسته‌ای با ایران و بازگشت تحریم‌های یکجانبه علیه تهران موجب شکل‌گیری این سؤال در بازارهای جهانی شد که «در صورت بازگشت تحریم‌های نفت با توجه به اینکه ایران اکنون به طور متوسط، روزانه حدود ۲ میلیون و ۱۴۰ هزار بشکه نفت و بیش از ۳۰۰ هزار بشکه میعانات گازی صادر می‌کند (این میزان صادرات در ماه گذشته میلادی به ۲ میلیون و ۶۲۰ هزار بشکه در روز رسیده است)، خلأ حضور جمهوری اسلامی در این بازار چگونه جبران خواهد شد و پیامدهای کاهش عرضه نفت چه نتایجی بر روی قیمت آن خواهد گذاشت؟» پرسشی که پاسخ آن با اما و اگرهای فراوان روبه‌رو است و نگرانی درباره قیمت جهانی نفت را به بازار برگردانده است؛ در حالی که کمتر کسی پیش از خروج آمریکا از برجام، رسیدن قیمت نفت به ۱۰۰ دلار را پیش‌بینی می‌کرد، اما این قیمت در سایه بازگشت تحریم‌های ایران، در بازار دست‌یافتنی‌تر به نظر می‌رسد، چنانچه با توجه به آنکه تنها با اعلام خبر خروج آمریکا از برجام و به فاصله شش ماه مانده تا آغاز تلاش آمریکا برای بازگرداندن تحریم‌های نفتی علیه ایران، قیمت نفت خام برنت، به بشکه‌ای ۷۷ دلار رسیده که بالاترین سطح طی سه سال‌ونیم گذشته است. در این زمینه خبرگزاری «رویترز» اعلام کرد: «بازارهای جهانی از بازگشت تحریم‌های ایران که حدود ۴ درصد از کل نفت جهان را تولید می‌کند، نگران شده‌اند و تا اواخر سال جاری که تحریم‌ها اجرایی می‌شود، قیمت نفت به ۱۰۰ دلار خواهد رسید.» اما چرا قیمت نفت روند افزایشی دارد و رویترز نیز این‌گونه پیش‌بینی کرده است؛ در حالی که همزمان با خروج آمریکا از برجام، عربستان سعودی اعلام کرده بود اجازه نخواهد داد تحریم نفتی ایران به بی‌ثباتی و کمبود نفت در بازار منجر شود.

پاسخ این پرسش را باید در واقعیت‌های صنعت نفت و سیاست‌های عربستان سعودی جست‌وجو کرد، نه در گفتارها و اعلام‌های سیاسی و رسانه‌ای کشور. واقعیت این است که روی کار آمدن ترامپ، تحولات منطقه و فرو رفتن سعودی‌ها در باتلاق جنگ یمن، سبب کسری ۵۲ میلیارد دلاری بودجه سعودی شده و آنها ناچار شده‌اند به سراغ ذخایر ارزی خود بروند که در پی آن ذخایر ارزی آنها با افت ۳۵ درصدی روبه‌رو شده است.

از سویی، سعودی‌ها مجبورند برای جبران این کسری به دنبال افزایش قیمت نفت باشند؛ چنانچه صندوق بین‌المللی پول در سال ۲۰۱۶ اعلام کرد در صورت تداوم افت قیمت نفت، ظرف پنج سال اندوخته‌ای از صندوق ذخایر ارزی سعودی باقی نخواهد ماند. به همین دلیل عربستانی که همواره خواهان افزایش تولید نفت برای تعادل‌بخشی به بازار و البته افزایش سهم خود از بازار بوده، طی دو سال اخیر با چرخشی ۱۸۰ درجه‌ای خواهان کاهش تولید برای افزایش قیمت هستند و همچنان به افزایش بیشتر قیمت نفت نیاز مبرم دارند.

موضوعی دیگر که ناتوانی سعودی‌ها در عملیاتی کردن این موضع سیاسی را نشان می‌دهد، ناتوانی این رژیم برای افزایش تولید از چاه‌های نفت خود است. هرچند عربستان اعلام کرده، توان تولید ۱۲ میلیون بشکه نفت در روز را دارد، اما بیشترین سطح تولید نفت این کشور در جولای ۲۰۱۶، به حدود ۶/۱۰ میلیون بشکه در روز رسید. همچنین سطح انبارهای روی زمین سعودی با روند کاهشی مواجه است.

البته نباید فراموش کنیم طرح‌های بلندپروازانه ولی‌عهد جوان سعودی که خواستار کاهش وابستگی کشورش به درآمدهای نفتی است، عامل دیگری در این میان است. محمدبن‌سلمان برای شروع این تحولات خود در کنار هزینه سرسام‌آور در منطقه نیازمند سرمایه‌گذاری زیادی است که این موضوع موجب شده است عملاً دست‌های عربستان برای متعادل کردن بازار نفت در پی تحریم ایران بسته شود.

پنجره

علیه متحدان سوریه

□ **قاسم غفوری/** این روزها آنچه در معادلات سوریه مشاهده می‌شود، زنجیره سناریوهایی است که از سوی برهم‌زنندگان ثبات و امنیت این کشور طی هفت سال اخیر صورت می‌گیرد. در این چارچوب چند نکته قابل توجه مشاهده می‌شود.

نخست، تحرکات نظامی است که از سوی آمریکا، انگلیس و فرانسه در جریان است. آنها با ادعای حمایت از کردها و نیز مقابله با بقایای داعش به حضور نظامی خود در مناطقی، همچون درعا، شمال غرب و شمال شرق سوریه ادامه داده و حتی پایگاه نظامی ایجاد کرده‌اند. شواهد امر نشان می‌دهد، این کشورها به دنبال اجرای طرح تجزیه سوریه و چند پاره‌سازی آن هستند.

دوم، بازی با فضای رسانه‌ای با محوریت ادعای استفاده سوریه از سلاح شیمیایی است که هر روز با یک عنوان مطرح می‌شود. بانیان این ادعا برآنند فضای بین‌المللی را علیه سوریه ترتیب داده و اقدامات نظامی و حتی اجرای سناریوی سرنگونی نظام سوریه را محقق کنند. آنها برای اجرای این طرح حتی به نیروهای به اصطلاح امدادرسان موسوم به «کلاه آبی‌ها» نیز متوسل شده و گزارش‌هایی از زبان آنها مبنی بر استفاده سوریه از سلاح شیمیایی منتشر می‌کنند، در حالی که هیچ سندی در این زمینه ارائه نمی‌دهند.

سوم، سناریوی تفرقه‌اندازی و چندپاره‌سازی حامیان سوریه است. اکنون به درخواست سوریه نیروهایی از ایران، روسیه، حزب‌الله و گروه‌های مردمی منطقه، مانند فاطمیون و زینبیون در سوریه حضور دارند. همگرایی منطقه‌ای که زمینه‌ساز شکست داعش در سوریه شده است؛ چنانکه جهانیان اذعان دارند اگر این نیروها نبودند، اکنون تروریسم بر کل جهان مسلط شده بود در مقابل، مخالفان امنیت سوریه از آمریکا و شرکای اروپایی آن گرفته تا برخی کشورهای عربی و رژیم صهیونیستی برای برهم زدن این اتحاد طرح‌های متعددی را در پیش گرفته و برآنند فضای رسانه‌ای را چنان هدایت کنند که مانع ادامه این همگرایی شوند. این طراحی چند بعد دارد.

اولاً، حملاتی که ارتش صهیونیستی یا کشورهای غربی به سوریه می‌کنند، با ادعای مقابله با حضور ایران است و این‌گونه وانمود می‌شود که ریشه این حملات ایران است و نه دشمنی آنان با سوریه.

ثانیاً، دیدارهایی که سران صهیونیست یا کشورهای غربی و عربی از روسیه صورت می‌دهند، با این عنوان برجسته می‌شود که نگاه روسیه به همگرایی با ایران و جبهه مقاومت تغییر کرده و مسکو در حال دور زدن آنها است. این سناریو زمانی تقویت می‌شود که محافل رسانه‌ای و سیاسی وابسته به این جریان‌ها با جهت‌دار کردن سخنان پوتین، رئیس‌جمهور و دیگر مقامات روسی که خروج نیروهای بحران‌ساز در سوریه را مطرح کرده‌اند، با ادعای خروج همه نیروها به جز روسیه از سوریه سعی در القای یکجانبه‌گرایی مسکو و دور زدن جبهه مقاومت دارند؛ حال آنکه سران روسیه همواره بر ائتلاف با مقاومت در حمایت از سوریه و مبارزه با تروریسم تأکید داشته و به خوبی می‌دانند اگر چنین همگرایی نبود، به طور قطع سوریه سقوط می‌کرد و روسیه از منطقه حذف می‌شد.

ثالثاً، تحریم لبنان و حزب‌الله به بهانه حضور در سوریه، بعد دیگر این اختلاف‌افکنی است که سعی در چندپاره‌سازی متحدان سوریه دارد تا شاید با این حربه بتواند ادامه بحران در سوریه را اجرایی کند، حال آنکه همگرایی میان متحدان سوریه از روسیه گرفته تا جبهه مقاومت خنثی‌کننده این طراحی بوده و خواهد بود. همانگونه که پیش از این و در مقاطع مختلف دیگر برنامه‌های جبهه غربی- صهیونیستی- عربی برای رسیدن به این مقصود با شکست روبرو شده است.

ادامه سرکوب در عربستان

پس از بازداشت هفت فعال مدافع حقوق زنان در عربستان، این بار مقامات سعودی سه فعال دیگر را به اتهامات واهی بازداشت کردند. نهادهای غیر دولتی در عربستان اعلام کردند، مقامات سعودی همچنان به سرکوب و بازداشت فعالان مدافع حقوق زنان ادامه می‌دهند؛ سازمان عفو بین‌الملل اعلام کرد، تعداد بازداشت شدگان به ۱۰ نفر رسیده است؛ این در حالی است که فعالان سعودی اعلام کردند این تعداد به ۱۲ نفر رسیده است.

فراسو

ونزوئلا و «نه» مجدد به امپریالیسم

□ **رضا اشرفی/** انتخابات ریاست‌جمهوری ونزوئلا در حالی برگزار شد که بر اساس نتایج به دست آمده نیکولاس مادورو در سمت خود به عنوان رئیس‌جمهوری این کشور ابقا شده است.

میزان مشارکت در این انتخابات ۴۶/۰۱ درصد اعلام شده، در حالی که آمار نشان می‌دهد، مادورو ۵ میلیون و ۸۲۳ هزار و ۷۱۸ رأی به دست آورده است. پس از او، هنری فالکون از جناح مخالف یک میلیون و ۸۲۰ هزار و ۵۲۲ رأی به دست آورد. البته فالکون و یک نامزد دیگر مخالف به نام «خاویر برتوچی» اعلام کردند که این نتیجه را به رسمیت نمی‌شناسند. هر دوی آنها معتقدند، انتخابات به دلیل نقض مقررات مخدوش است، به طوری که فالکون خواستار رأی‌گیری مجدد در ماه اکتبر شد.

در این میان این انتخابات دارای بازتاب خارجی نیز بوده، چنانکه وزارت خارجه آمریکا انتخابات ریاست‌جمهوری ونزوئلا را «ساختگی» توصیف و اعلام کرد که این نتایج را به رسمیت نمی‌شناسد. «مایک پمپئو» وزیر خارجه آمریکا هم در توئیتر نوشت: «مردم ونزوئلا باید حاکمیت را در این کشور به دست گیرند.» اکنون آمریکا همزمان در حال بررسی اعمال تحریم‌های نفتی علیه ونزوئلا است. ایالات متحده، کانادا، اتحادیه اروپا و حدود ۱۰ کشور آمریکای جنوبی پیروزی نیکولاس مادورو، رئیس‌جمهوری ونزوئلا در انتخابات را به رسمیت نشناخته‌اند. بنا به دستور دونالد ترامپ، شهروندان آمریکایی از خرید و فروش اوراق قرضه ونزوئلا منع شده‌اند. نیکولاس مادورو در انتخابات روز یک‌شنبه که از سوی مخالفان تحریم شده بود، با کسب ۶۸ درصد آرا به پیروزی رسید. اما در نقطه مقابل ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهوری روسیه روز دوشنبه همزمان با واکنش منفی آمریکا و اتحادیه اروپا به انتخابات ریاست‌جمهوری ونزوئلا پیروزی نیکولاس مادورو را به وی تبریک گفت.

ونزوئلا با خصمانه نامیدن این اقدامات، می‌گوید واشنگتن از استقلال کاراکاس ناخرسند است و تلاش می‌کند بر منابع نفتی ونزوئلا مسلط شود.

چند روز مانده به انتخابات نیز آمریکا ده‌ها مقام ونزوئلایی، از جمله مادورو را به اتهام نقض‌های حقوق بشری، قاچاق مواد مخدر و نابودی دموکراسی تحریم کرده است، اما «کابیو» رئیس مجلس ونزوئلا مصون مانده بود و آمریکا در واقع از شخص بانفوذ و قدرتمندی حمایت می‌کرد تا به نوعی میان حلقه یاران نزدیک مادورو اختلاف بیندازد. در این میان دولت ونزوئلا در واکنش به مواضع آمریکا علیه انتخابات این کشور، کاردار آمریکا را فردی نامناسب اعلام کرد و به او ۴۸ ساعت فرصت داد به آمریکا بازگردد.

مجموع این تحولات در ونزوئلا در حالی روی می‌دهد که چند سؤال اصلی مطرح است؟ نخست آنکه چرا با وجود مشکلات اقتصادی، مردم دوباره به مادورو رأی دادند و او را انتخاب کردند؟ و دیگر آنکه مادورو برای ادامه راه با چه چالش‌هایی مواجه خواهد بود؟

بررسی کارنامه ونزوئلا از زمان درگذشت هوگو چاوز تا به امروز نشان می‌دهد که این کشور با مجموعه‌ای از چالش‌های داخلی و خارجی مواجه است. در عرصه

آمریکا برای رسیدن به اهداف خود علیه ونزوئلا بیکار نخواهد ماند، مادورو برای ادامه مقابله با چالش‌های داخلی به ویژه در حوزه اقتصادی و تقویت ارتباط با کشورهای مخالف آمریکا به حمایت‌های گسترده مردمی نیاز دارد

داخلی از یک‌سوم نابسامانی اقتصادی اعتراض‌های مردمی را به همراه داشته، به‌گونه‌ای که بسیاری از سیاست‌های داخلی و خارجی ونزوئلا تحت تأثیر موضوعات اقتصادی قرار گرفته است. در همین حال جریان‌های مخالف دولت که رویکردی غرب‌گرایانه دارند نیز با تحریک احساسات مردمی و بهره‌گیری از نابسامانی‌های اقتصادی و اجتماعی به قشون‌کشی خیابانی پرداخته که هم بر اقتصاد و هم بر امنیت ونزوئلا تأثیرگذار بوده است.

در همین حال آمریکا و برخی از کشورهای اروپایی که دومینوی تغییرات در منطقه پس از درگذشت چاوز را در پیش گرفته و تغییرات صورت گرفته در برزیل و سرنگونی دولت «روسف»، و در آرژانتین حذف ساختار برجای مانده از دوران ریاست‌جمهوری خانم «فرناندز» نمودی از این رفتارها بوده که دامنه این بحران‌سازی آمریکا به سمت نیکاراگوئه، اکوادور و بولیوی نیز کشیده شد. البته آمریکا بازی دیپلماتیکی را نیز آغاز کرد و آن رویکرد به اصطلاح همگرایی با کوبا بود که با سفر اوباما رئیس‌جمهور سابق آمریکا به اوج رسید. آمریکا با این رویکرد تلاش کرد چهره‌ای مثبت از خود به نمایش بگذارد، در حالی که همزمان سرنگون‌سازی نظام‌های برزیل و آرژانتین و نیز ایجاد اختلاف میان کشورهای آمریکای لاتین در قالب اتحادیه‌های مرکوسور و آلبا را اجرا می‌کرد. البته آمریکا هرگز به وعده‌های خود برای برداشتن تحریم‌های کوبا عمل نکرد و همچنان تحریم‌ها ادامه دارد.

مادورو از نظر آمریکا، آخرین فرد از جبهه ضد امپریالیسم آمریکای لاتین است و در صورت سرنگونی نظام ونزوئلا رؤیاهای ضد آمریکایی در این منطقه نیز با او سرنگون خواهد شد، چنانکه در دهه ۱۹۷۰ با سرنگونی آلنده تا سال‌ها حرکت‌های ضد آمریکایی در آمریکای لاتین متوقف شد.

با تمام این تفاسیر روند تحولات ونزوئلا نشان می‌دهد که هر چند این کشور با بی‌ثباتی سیاسی و برخی ناکارآمدی‌های اقتصادی مواجه شده، اما همچنان مردم حاضر به پذیرش سلطه آمریکایی بر کشورشان نیستند و بر اساس این می‌توان گفت پشتوانه‌ای که موجب پیروزی مادورو در انتخابات شد، رویکردهای ضد آمریکایی وی بوده است. البته آمریکایی‌ها تلاش دارند چنان وانمود کنند که حمایت روسیه از مادورو زمینه‌ساز این پیروزی بوده، اما واقعیت آن است که نگاه مردم ونزوئلا همچنان نشئت گرفته از آرمان‌های چاوزی است که استقلال و آزادی کشورش از آمریکا و اتحاد منطقه در برابر امپریالیسم اساس اقداماتش بوده است.

در این میان باید توجه داشت که مادورو برای ادامه کار همچنان به حمایت‌های گسترده مردمی نیاز دارد که مقابله با چالش‌های داخلی به ویژه در حوزه اقتصادی و تقویت ارتباط با کشورهای مخالف آمریکا مؤلفه‌های مهم در تحقق این امر خواهند بود، هر چند به یقین آمریکا برای رسیدن به اهداف خود علیه مادورو و ونزوئلا بیکار نخواهد ماند و افزایش فشارها را در پیش خواهد گرفت. تحریک بازندگان انتخابات به اعتراض‌های خیابانی و نیز اعمال تحریم‌ها و محدودیت‌ها علیه ونزوئلا ابعاد این طراحی را تشکیل خواهد داد. در اصل سیاست آمریکا نه بر اساس تهدید نظامی، بلکه در قالب ابزارهای نرم براندازی است که در چارچوب اقتصادی و نیز ایجاد چند دستگی سیاسی و آوردن مردم به خیابان‌ها صورت می‌گیرد تا شاید در لوای یک انقلاب رنگی دیگر بتواند بعد دیگری از دخالت‌های خود در آمریکای لاتین را اجرا کند.

رخنه

نفوذ آل‌سعود در جهان اسلام- ۱۵

گسترش وهابیت در مالاوی با کمک‌های مالی

زنی مالاویایی
در کنار کمک‌های غذایی عربستان

ایجاد چاه آب و قنات از دیگر اقدامات
سازمان امداد عربستان در مالاوی

توزیع مواد غذایی
پیش از ماه رمضان

□ **عبدالله عبادی/** کشور مالاوی در جنوب شرق آفریقا قرار دارد، جمعیت آن حدود ۱۷ میلیون نفر و پایتخت آن شهر لیلونگوه است. این کشور محصور در خشکی بوده و در شمال موزامبیک و شرق زامبیا واقع شده و تا سال ۱۹۶۴ مستعمره بریتانیا بوده است.

زبان رسمی مردم مالاوی انگلیسی است، اما زبان‌های محلی و قبیله‌ای نیز به شدت رواج دارد. ۶۰ درصد مردم این کشور مسیحی، ۳۵ درصد مسلمان و ۵ درصد آنیمیست هستند. متأسفانه به دلیل نفوذ میسیونرهای مسیحی در هیئت حاکمه این کشور، مسلمانان جایی در رأس قدرت نداشته و اغلب فقیر بوده و در روستاها زندگی می‌کنند. اما آنچه درباره دین اسلام در این کشور مطرح است، اینکه اسلام در مالاوی همانند قلب تپنده‌ای عمل کرده و توانسته این دین را از این نقطه آفریقا در حوزه کشورهای جنوب آفریقا به خصوص زیمبابوه، زامبیا، بوتسوانا و آفریقای جنوبی گسترش دهد.

فقر و عقب‌ماندگی حاکم بر این کشور سبب شده سازمان‌های وابسته به وهابیت در عربستان از دهه ۱۹۷۰ وارد این کشور شوند و از ۴۵ سال گذشته همواره سعی در نفوذ در لایه‌های مختلف جامعه مسلمانان این کشور داشته‌اند، با این حال با توجه به فرهنگ آفریقایی و تضاد بسیاری از رسوم وهابیت به این فرهنگ هر چند این سازمان‌ها هزینه‌های بالایی را متقبل شده‌اند، اما نتوانسته‌اند به خواسته‌های خود برسند، با این حال دست از کوشش برنداشته و به طور مداوم سعی در حفظ و گسترش حضور خود در این کشور دارند. در ادامه به بخشی از این اقدامات اشاره خواهد شد.

یکی از سازمان‌های عربستانی که حضور پررنگی در مالاوی دارد، سازمان امداد اسلامی جهانی است، این سازمان افزون بر آفریقا در دیگر قاره‌ها نظیر آسیا و حتی اروپا حضور دائمی داشته و در کشورهایی چون بوسنی و هرزگوین و کوزوو اقداماتی را انجام می‌دهد. این سازمان با توجه به وضعیت اقتصادی و جغرافیایی مالاوی فعالیت‌های به ظاهر انسان‌دوستانه فراوانی را در این کشور انجام داده است که در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌شود.

۱ـ مبارزه با خشکسالی: مالاوی در میان کم‌توسعه‌یافته‌ترین و متراکم‌ترین کشورها از نظر جمعیت قرار دارد. بیش از ۸۵ درصد از مردم این کشور در روستاها زندگی می‌کنند و اقتصاد این کشور به شدت به کشاورزی وابسته است، اما طی یک دهه اخیر وقوع خشکسالی‌های متعدد و طولانی‌مدت در شرق آفریقا سبب شده تا حدود ۴۰ درصد از مردم این کشور با خطر قحطی و گرسنگی دست به گریبان باشند؛ از این رو این سازمان با ارسال حجم زیادی از مواد غذایی، مانند گندم، روغن و ذرت سعی کرده کنار سازمان‌های به ظاهر بشردوست خود را فرشته نجات مردم این کشور معرفی کند.

۲ـ حمایت از کشاورزی: با توجه به وقوع خشکسالی‌های متعدد و طولانی در کشور مالاوی و خطر نابودی بخش زیادی از مردم روستانشین، سازمان امداد اسلامی جهانی با حمایت و پشتیبانی از کشاورزی سعی کرده است مردم این کشور را یاری کند، ارسال پمپ آب و ایجاد چاه‌های آب و قنات سبب شده تا بخشی از نیازهای مردم این کشور به مواد غذایی برطرف شود.

۳ـ توزیع اقلام غذایی در ماه مبارک رمضان: کمبود مواد غذایی در کشور مالاوی در سال ۲۰۱۴ به حد نگران‌کننده‌ای رسید؛ از این رو مسئولان این سازمان وهابی با ارسال چند محموله شکر، روغن خوراکی، چای، برنج و حبوبات توانستند تا حدودی نیازهای خانواده‌های مسلمان این کشور را در آستانه ماه مبارک رمضان برطرف کنند. این اقدام وهابی‌ها با حمایت وسیع رسانه‌های وابسته به خود، چه در داخل عربستان و کشور مالاوی و چه در دیگر کشورهای منطقه شرق آفریقا همراه شد و رژیم خونخوار سعودی سعی کرد با زدن ماسک انسانیت به چهره کریه‌اش، خود را کشوری طرفدار انسانیت به مردم آفریقا نشان دهد.

۴ـ ساخت مسجد: همان‌طور که گفته شد، مسلمانان فقط حدود ۳۵ درصد از جمعیت کشور مالاوی را تشکیل می‌دهند که بیشتر آنها در روستاها زندگی می‌کنند و هیچ نقشی در اداره کشور ندارد، از سوی دیگر وضعیت اقتصادی دولت این کشور که بزرگ‌ترین منابع ارزی آن صادرات محصولات کشاورزی می‌باشد بسیار نامطلوب است، به همین دلیل دولت هیچ اقدامی در راستای ایجاد و بهره‌برداری از اماکن اسلامی نکرده و نمی‌کند. از سوی دیگر مردم به حدی فقیر هستند که حتی از تأمین نیازهای اولیه خود نیز ناتوانند؛ از این رو سازمان‌ها و دولت‌های اسلامی با قبول هزینه احداث مساجد به رشد و توسعه ارزش‌های اسلامی در این کشور اقدام می‌کنند. یکی از این سازمان‌ها سازمان رابطه العالم اسلامی در عربستان است. این سازمان طی ۴۰ سال گذشته با احداث ده‌ها باب مسجد در روستاها و شهرهای این کشور سعی در نفوذ در قلوب مردم این کشور داشته است، اما از آنجا که اداره این مساجد به دست عوامل وابسته به خود می‌باشد و مردم عادی در اداره این اماکن و نحوه بهره‌برداری از آنها نقش ندارند، میزان این تأثیر بسیار کم شده است.

۵ـ توزیع فیش حج بین علما: از آنجا که مردم این کشور به ویژه مسلمانان در فقر مطلق زندگی می‌کنند و بسیاری از آنها حتی از تأمین معاش روزانه خود نیز عاجزند، بالتبع علمای مذهبی نیز که جزو همین مردم هستند وضعیت مناسبی برای سفر به مکه و انجام فریضه حج ندارند، در این میان سفارت عربستان در این کشور با شناسایی علما و رهبران بزرگ مذهبی و توزیع فیش‌های رایگان حج بین آنان سعی کرده زمینه را برای نفوذ هرچه بیشتر خود فراهم آورد.

۶ـ حمایت از ایتام و خانواده‌های بی‌سرپرست: یکی دیگر از اقدامات به ظاهر انسان‌دوستانه رژیم سفاک سعودی در مالاوی، حمایت از ایتام و خانواده‌های بی‌سرپرست است. در اجرای این طرح سازمان‌های عربستانی با توزیع مواد غذایی و پوشاک و همچنین امکان خوداشتغالی زنان سرپرست خانواده سعی در بهبود شرایط زندگی آنان دارند.

رخداد

راز غیبت ولی‌عهد سعودی

□ **محمد رضا مرادی/** محمدبن‌سلمان، ولی‌عهد سعودی از ابتدای اردیبهشت در رسانه‌ها ظاهر نشده و در مراسم‌های بسیار مهم شرکت نکرده است. غیبت یک ماهه ولی‌عهد عربستان گمانه‌زنی‌هایی را درباره سرنوشت وی در پی داشته است. برخی رسانه‌ها از زخمی شدن و شماری دیگر از مرگ وی خبر می‌دهند؛ اما به راستی بن‌سلمان کجاست؟

شنبه، اول اردیبهشت ماه منابع محلی عربستان از شنیده شدن صدای تیراندازی در نزدیکی قصر سلطنتی محله «الخزامی» در ریاض خبر دادند. همزمان برخی شبکه‌ها خبر زخمی شدن ملک‌سلمان، پادشاه سعودی را منتشر کرده و تأکید کردند محمدبن‌سلمان و پدرش را به مکانی نامعلوم منتقل کرده‌اند و شایعاتی شبیه به اینها در رسانه‌ها و فضای مجازی دست به دست شد. حتی شایعه انتقال بن‌سلمان به پایگاه نظامی سلطنتی به دست نیروهای آمریکایی و بلک واتر هم مطرح شد. «مجتهد» افشاگر سعودی همان زمان در توئیتی اعلام کرد: «هدف حمله شخص محمدبن‌سلمان، ولی‌عهد عربستان بوده است. هفت نفر از طرفین در این درگیری کشته شده و مهاجمان گریخته‌اند. شاید مهاجمان از پهپاد هم کمک گرفته باشند.» در واقع، کارشناسان با توجه به حادثه یک ماه پیش در کاخ الخزامی معتقدند، بن‌سلمان احتمالاً زخمی شده باشد. این مسئله چندان دور از واقعیت نیست. اقدامات بن‌سلمان در یک سال گذشته، مانند کودتا علیه «بن‌نایف» ولی‌عهد سابق عربستان، دستگیری شاهزاده‌ها و مصادره اموال آنها و تقابل با نهاد دینی سبب شده است وی در جامعه سیاسی و اجتماعی عربستان به مثابه یک دشمن و مخالف تمامیت‌خواه معرفی شود. در واقع، بن‌سلمان به دنبال قبضه کامل قدرت در عربستان است و همین مسئله موجب جبهه‌گیری‌هایی علیه وی شده است. بنابراین، سناریوی زخمی شدن بن‌سلمان می‌تواند با واقعیت‌های سیاسی کنونی عربستان همخوانی داشته باشد.

آنچه سناریوی زخمی شدن بن‌سلمان را تقویت می‌کند، انتشار عکسی از سوی رئیس دفتر بن‌سلمان است. «بدر العساکر» پس از رسانه‌ای شدن غیبت بن‌سلمان، ولی‌عهد این کشور، عکسی از وی برای نخستین بار پس از حادثه تیراندازی در کاخ پادشاهی در منطقه «الخزامی» منتشر کرد. نکته مهم در این عکس این است که بن‌سلمان به السیسی و پادشاه بحرین به نوعی تکیه کرده و گویا قادر به حفظ تعادل خود بدون کمک این دو نیست. این مسئله برای بن‌سلمان که از نظر جسمی قوی و نیرومند است، بسیار عجیب بوده و افزون بر این، محمدبن‌سلمان در هفته گذشته در دو مراسم بسیار مهم غایب بوده است. چندی پیش مراسم سحری با حضور پادشاه عربستان برگزار شد؛ اما خبری از بن‌سلمان نبود. وی همچنین در مراسم نشست مهم هیئت وزیران و در مراسم فارغ‌التحصیلی دانشکده افسری ملک عبدالعزیز نیز حضور نداشت.

گفتنی است، در عربستان ترور مقامات و کودتا هرچند بسیار محدود، اما سابقه‌دار است؛ برای نمونه فیصل‌بن‌عبدالعزیز در تاریخ ۲۵ مارس ۱۹۷۵ به دست برادرزاده خود فیصل‌بن‌مساعد، ترور شد. افزون بر این، خودِ بن‌سلمان نیز در سال ۲۰۱۷ هدف ترور قرار گرفت.

اما افزون بر سناریوی زخمی شدن بن‌سلمان، کارشناسان سناریوی دیگری را نیز مطرح می‌کنند و آن، اینکه تیراندازی ماه آوریل سبب ترسیدن و مخفی شدن محمدبن‌سلمان شده است. نگرانی از حملات انتقام‌جویانه از سوی برخی اعضای خاندان سلطنت که اقدامات وی آنها را آزرده است، دلیل این ترس برشمرده شده است. شایعات زمانی قوی‌تر می‌شود که دریابیم یک شاهزاده مخالف سعودی از عموهای خود خواسته است ملک‌سلمان را سرنگون کرده و اداره کشور را به دست گیرند. این احتمال نیز ضعیف، اما محتمل است. در هر صورت غیبت یک ماهه بن‌سلمان بسیار خبرساز شده و به نظر می‌رسد، این غیبت طبیعی نبوده و به طور قطع پشت پرده آن، حوادثی در جریان است که تنها گذشت زمان آن را آشکار خواهد کرد.

کندوکاو

پایبند نماندن واشنگتن به برجام مشخص بود

خبرگزاری مهر: «وندی شرمن» رئیس تیم مذاکره‌کننده آمریکا در مذاکرات هسته‌ای گفت: «با توجه به شعارهای انتخاباتی ترامپ برای لغو برجام و مخالفت‌های جمهوریخواهان، در حین مذاکره با ایران می‌دانستیم که احتمال پایبند نبودن آمریکا به برجام وجود دارد.» وی درباره تلاش کشورهای اروپایی برای حفظ برجام نیز گفت: «کشورهای اروپایی در روزهای اخیر بسیار درگیر بودند و تأکید داشتند، می‌خواهند بدون حضور آمریکا این توافق (برجام) را حفظ کنند. فکر می‌کنم تحقق چنین کاری بسیار دشوار باشد. من آنها را تحسین می‌کنم؛ چون معتقدم این توافق در راستای منافع ملی ما است.»

از برجام هیچ‌چیز گیر آمریکا نیامد!

خبرگزاری فارس: «دونالد ترامپ» رئیس‌جمهور آمریکا به تازگی بار دیگر علیه توافق هسته‌ای با ایران صحبت کرد و گفت: «این توافق هیچ دستاوردی برای آمریکا نداشت. ما توافق هسته‌ای وحشتناک، یکسویه و ترحم‌برانگیز با ایران را ترک کردیم. تمام شد. یکی از بدترین توافق‌هایی بود که تا حالا درباره آن مذاکره کرده بودیم. هیچ چیز گیرمان نیامد، هیچ چیز.» انتقال سفارت آمریکا از تل‌آویو به بیت‌المقدس، افزایش چشمگیر بودجه نظامی و بازمذاکره توافق‌نامه‌های تجاری از مواردی بود که ترامپ برشمرد و گفت: «این اقدامات موجب شده است تا بار دیگر به ما احترام بگذارند.»

خواسته‌های‌مان از ایران بسیار ساده است!

خبرگزاری تسنیم: «مایک پمپئو» وزیر خارجه آمریکا در واکنش به انتقادهای گسترده از «راهبرد» اعلامی دولت این کشور درباره ایران، گفت: «خواسته‌های واشنگتن از ایران بسیار ساده هستند.» او که در اقدامی از پیش اعلام نشده در نشست خبری روزانه وزارت خارجه آمریکا حاضر شده بود، گفت: «مهم است که بار دیگر تأکید کنم وظایفی که ایران باید انجام دهد، چندان دشوار نیستند.» پمپئو افزود: «من دیده‌ام در برخی گزارش‌ها نوشته شده که اینها خیال‌پردازی هستند و امکان تحقق ندارند؛ اما اینها کارهای بسیار ساده‌ای هستند و اغلب کشورها در جهان این‌طور رفتار می‌کنند.»

ایران تهدید علیه آمریکا است

خبرگزاری مهر: ژنرال «جوزف ووتل» فرمانده ستاد مرکزی ارتش آمریکا در گفت‌وگویی اظهار داشت، افزایش تنش بین ایران و تل‌آویو در منطقه خطرناک است و در تلاش برای جلوگیری از آن هستیم. جوزف ووتل درباره ایران مدعی شد: «ایران نفوذ بی‌ثبات‌کننده طولانی‌مدت در منطقه دارد، از دولت «بشار اسد» رئیس‌جمهور سوریه حمایت می‌کند، عملیات سایبری در منطقه انجام می‌دهد، حامی گروه جهادی حزب‌الله در لبنان و حوثی‌های یمن است و در خلیج‌فارس تهدید دریایی دارد و علیه اعراب حاشیه خلیج‌فارس قدرت‌نمایی نظامی می‌کند.» وی با بیان اینکه به دلیل کمبود وقت موفق به شنیدن سخنان «مایک پمپئو» وزیر خارجه آمریکا درباره ایران نشده است، گفت: «ما منافع ملی در آن بخش از جهان داریم و فعالیت‌های بی‌ثبات کننده ایران همه چیز را در معرض خطر قرار می‌دهد.»

نگرانی‌های مشترک اروپا و آمریکا

خبرگزاری فارس: یک مقام وزارت خارجه آمریکا با بیان اینکه نگرانی‌های مشترک می‌تواند مبنای همکاری آمریکا و اروپا در قبال ایران باشد، گفت: «امیدوار است اروپا بر برنامه هسته‌ای، موشکی و فعالیت‌های منطقه‌ای ایران متمرکز شود.» دولت آمریکا گفت امیدوار است نگرانی‌ها و منافع مشترک این کشور و اتحادیه اروپا به پیشرفت در زمینه مقابله با برنامه هسته‌ای، برنامه موشکی و فعالیت‌های منطقه‌ای ایران منجر شود. یک مقام وزارت خارجه آمریکا گفت: «منافع مشترک میان طرفین می‌تواند «مبنایی به منظور همکاری رو به جلو» میان واشنگتن و بروکسل برای مقابله با ایران باشد.»

افزایش صادرات غیر نفتی

فرود عسگری، رئیس کل گمرک ایران با اشاره به بررسی و نظارت همه کالاهای ورودی به گمرکات کشور به صورت مکانیزه و سیستمی گفت: با توجه به تصمیمات جدید دولت و راه‌اندازی سامانه نیما، صادرات کالا در مقایسه با سال گذشته افزایش ۲۵ درصدی داشته و به رقم ۷ میلیارد دلار تا ۲۹ اردیبهشت ۹۷ رسیده است. در مقابل، واردات با کاهش یک‌ونیم درصدی به رقم ۶ میلیارد دلار رسیده است که نشان از موفقیت‌های سیاست‌های ارزی دارد.

آن‌روی سکه

دیپلماسی در خدمت امنیت اقتصادی

□ **محمد نوری/** پس از تصمیم یکجانبه و قلدرمآبانه دونالد ترامپ برای خروج از برجام، این روزها تحلیل‌های متفاوتی از تأثیر این تصمیم بر اقتصاد ایران ارائه می‌شود. برخی تأثیر منفی این اقدام آمریکا بر اقتصاد کشور را قابل توجه می‌دانند و برعکس، گروهی دیگر از وجود برخی راه‌ها برای کاهش تأثیر تحریم‌های آمریکا بر اقتصاد ایران سخن می‌گویند.

بی‌شک تصمیم اخیر آمریکا اثرات مستقیم و غیرمستقیمی بر فضای کلی تجارت ایران خواهد داشت. اثر مستقیم این تصمیم به مبادلات تجاری مستقیم ما با آمریکا بازمی‌گردد، که چندان مهم و تأثیرگذار نیست؛ چرا که رقم این مبادلات تجاری بین دو کشور در سال‌های اخیر همواره پایین‌تر از ۱۰۰ میلیون دلار بوده است. بنابراین خروج آمریکا از برجام اثرات مستقیم چندانی بر تجارت ما نخواهد داشت. اما این تصمیم می‌تواند اثرات غیر مستقیمی بر اقتصاد کشور داشته باشد که برای خنثی‌سازی یا کاهش اثرات تحریم‌ها لازم است با تدبیر مناسب و اتخاذ مواضع درست و فعال‌سازی حوزه دیپلماسی با کشورهای اروپایی و منطقه‌ای اقدام کرد.

اثر عمده این تصمیم در بازگشت تحریم‌های ایالات متحده به حوزه نفت کشور خواهد بود که کارشناسان پیش‌بینی می‌کنند در صورت بازگشت تحریم‌های نفتی، صادرات نفت ایران حداقل ۲۰۰ هزار بشکه و حداکثر تا یک میلیون بشکه در روز کاهش خواهد یافت که این موضوع هم قابل مدیریت و کنترل خواهد بود.

با توجه به اینکه برخی کشورهای مهم اروپایی خریدار نفت ایران هستند، اگر بتوانند به طور واقعی بر تعهدات خود در برجام بمانند، ایران برای خروج آمریکا از برجام نگرانی خاصی نخواهد داشت.

نکته قابل توجه در این زمینه آنکه، اکنون اروپا یک اتحادیه یکپارچه است و اقتصاد یکپارچه‌ای دارد. ارز یورو به عنوان ارز مورد قبول اکثر این کشورها پذیرفته شده و به طور حتم تمایلی وجود ندارد که ارزش یورو در برابر دلار کاهش پیدا کند. بنابراین یک نوع رقابت بین دلار و یورو و بین شبکه‌های بانکی و مالی اروپا و آمریکا وجود دارد. این موضوع می‌تواند برای ما یک امتیاز محسوب شود و سبب می‌شود درجه تصمیم‌گیری به صورت مستقل از سوی این کشورها افزایش یابد. با فرض پایبند نبودن تمامی کشورهای اروپایی، به تبعیت از آمریکا در برجام، ما می‌توانیم از ظرفیت کشورهای منطقه‌ای فرصتی بسازیم که بیش از مضرات کاهش صادرات نفت به واسطه بازگشت تحریم‌ها، عایدی نصیب کشور شود.

دو ظرفیت قابل توجه برای افزایش صادرات نفتی در منطقه برای کشور مهیاست که نیازمند همت بلند مسئولان و دست‌اندرکاران می‌باشد؛ اول علاقه‌مندی کشور عمان برای واردات گاز از ایران و دوم موقعیت مناسب ترکمنستان برای واردات گاز به کشور.

برای تحقق این امر لازم است مسئولان وزارت نفت با توجه به علاقه‌مندی عمانی‌ها برای همکاری گازی با ایران، هر چه سریع‌تر با رعایت منافع ملی، صادرات گاز به عمان را آغاز کنند. با توجه به تجربه موفقی که در دولت قبل صورت گرفت، با اجرایی شدن سوآپ گاز ترکمنستان شاهد افزایش سه برابری صادرات ایران به این کشور بودیم، اما به علت سوءمدیریت مدیران میانی، واردات گاز از ترکمنستان حذف و به تبع آن صادرات ما نیز کاهش یافت. با فعال‌سازی دیپلماسی اقتصادی دوباره می‌توان این ظرفیت را احیا و از منافع آن کشور را بهره‌مند کرد.

همچنین دولت می‌تواند با بازاریابی منطقه‌ای، مازاد گاز کشور برای صادرات به کشورهای حاشیه خلیج‌فارس را پیگیری کند تا در شرایطی که سایه تحریم‌ها کشور را تهدید می‌کند بتوان به کمک چنین قراردادی امنیت اقتصادی کشور را ارتقا بخشید و تأثیر تحریم‌ها را بر اقتصاد به حداقل رساند.

اخبار اقتصادی

چین و هند بزرگ‌ترین خریداران نفت ایران

وزارت نفت اعلام کرده است، سهم نفت خام از میزان صادرات ایران در اردیبهشت ماه بیش از دو میلیون و ۴۵۰ بشکه و سهم میعانات گازی ۳۰۰ هزار بشکه در روز بوده است. بر اساس این گزارش، یک سوم نفت ایران در اردیبهشت‌ماه (بیش از روزانه ۸۰۰ هزار بشکه) به مقصد شرکت‌های اروپایی بارگیری شد. چین و هند همچنان بزرگ‌ترین خریداران نفت ایران هستند و شرکت‌های توتال فرانسه، انی ایتالیا، هلنیک پترولیوم یونان و... دیگر خریداران نفت ایران به شمار می‌آیند.

دو ضلع از مثلث اصلی اقتصاد آمریکا در دست زنان

استیسی کانینگهام، به عنوان رئیس بورس نیویورک معرفی شد. کانینگهام در واقع نخستین زنی است که پس از ۲۰۰ سال توانسته ریاست این بازار را در دست داشته باشد. وی سابق بر این مدیر عملیات معاملات در بورس نیویورک بوده و از سال ۲۰۱۲ میلادی با بورس نیویورک همکاری داشته است و هم اکنون شصت‌وهفتمین رئیس این بورس محسوب می‌شود.

با این انتصاب جدید در بورس نیویورک، در واقع دو ضلع مثلث اصلی اقتصادی در وال‌استریت بر عهده زنان خواهد بود. «آدنا فریدمن»، مدیر اجرایی نزدک از ژانویه سال ۲۰۱۷ مشغول به کار است و «کاترین کینی» نائب‌رئیس نزدک از ۱۸ سال پیش تا کنون مشغول به فعالیت است.

جزئیات چک‌های برگشتی در کل کشور

بیش از ۱۰ میلیون فقره چک به ارزش ۸۷۶ هزار میلیارد ریال در اسفند ماه ۱۳۹۶، در کل کشور مبادله شد که نسبت به ماه پیش از نظر تعداد و مبلغ به ترتیب ۴/۴ درصد و ۲۰ درصد افزایش را نشان می‌دهد. بر مبنای همین گزارش؛ در اسفند ۱۳۹۶، درکل کشور بالغ بر ۱/۴ میلیون فقره چک به ارزش حدود ۱۸۵ هزار میلیارد ریال برگشت داده شده است که نسبت به ماه پیش از نظر تعداد ۳/۱ درصد کاهش و از نظر مبلغ ۲۳/۷ درصد افزایش را نشان می‌دهد.

احتمال دو مرحله‌ای شدن پرداخت حقوق

محمد کردبچه، مشاور سازمان برنامه و بودجه گفت: «با اجرای شیوه‌نامه حقوقی جدید دولت، پرداخت‌ها به گونه‌ای می‌شود که حقوق مستمر به طور مستقیم و بر اساس اطلاعات دریافتی از سازمان‌ها از سوی خزانه واریز و مابقی مزایا و فوق‌العاده‌های غیر مستمر با توجه به اعتبار در اختیار دستگاه اجرایی قرار می‌گیرد و از سوی سازمان مربوطه پرداخت می‌شود.» در این حالت، با توجه به جدا شدن پرداخت‌ها که بخشی بر عهده دولت و بخشی به عهده دستگاه اجرایی خواهد بود، ممکن است در پرداخت فوق‌العاده‌های غیر مستمر با حقوق پایه فاصله ایجاد شده و پرداخت حقوق یکجا نبوده و دو مرحله‌ای باشد.

تغییر معادلات جنگ اقتصادی ابرقدرت‌ها

نمایندگان آمریکا و چین توافق کرده‌اند از تهدید تعرفه‌ها علیه واردات یکدیگر دست بردارند. این دستاورد در پی توافق چین با خرید بیشتر کالاهای آمریکایی به منظور کاهش کسری تجاری آمریکا با چین حاصل شد. در این بین، چین که موتور اقتصاد جهانی است، به دلیل رشد بازار خودرو و تلاش دولت برای تولید برق با استفاده از سوخت‌های پاکتر، تقاضای بیشتری برای سوخت‌های فسیلی پیدا کرده است. گفتنی است، چین از زمانی که دولت اوباما با کنگره برای لغو ممنوعیت ۴۰ ساله صادرات نفت خام به توافق رسید، یکی از خریداران بزرگ نفت آمریکا شده است.

بررسی نقش مردم و مسئولان در تحقق شعار سال ـ ۸

سرمایه‌گذاری دولت برای صادرات کالاهای غیر نفتی

□ **محمدابراهیم میانجی/** در شماره‌های گذشته به بخشی از نقش مسئولان در تحقق شعار سال پرداخته شد. باور و اعتقاد به حمایت از کالای ایرانی، جلوگیری از واردات کالای مشابه تولید داخل، حمایت خاص از تولید با حمایت‌های تعرفه‌ای، انتقال بار مالیاتی از تولید به مصرف، لزوم بازبینی سیاست‌های مالیاتی در دوران رکود، دستگیری از واحدهای کوچک تولیدی در سیاست‌های کلان اقتصادی، اصلاح فضای کسب‌وکار، پرهیز از شعار محوری در اصلاح فضای کسب‌وکار، تقویت تعامل بانک‌ها با بخش‌های تولیدی و عزم جدی سیاستگذاران برای ریشه‌کن کردن فساد به عنوان بخشی از حمایت‌های دولت از کالای ایرانی مورد بررسی قرار گرفت. در این شماره به حمایت دولت از صادرات کالاهای غیر نفتی که مصداق دیگری از حمایت دولت از کالای ایرانی است، پرداخته می‌شود.

توجه ویژه به صادرات کالاهای غیرنفتی

مطابق با آمار سازمان توسعه تجارت ایران، صادرات غیر نفتی کشور نسبت به سال پیش ۵ درصد رشد داشته و به بیش از ۴۱ میلیارد دلار رسیده است. اکنون ۵۰۰ شرکت اول صادراتی ایران بیش از ۸۴ درصد کل صادرات غیرنفتی را بر عهده دارند و ۱۶ درصد از صادرات غیرنفتی به همت ۷ هزار و ۴۳۹ شرکت انجام می‌گیرد. از مجموع ۷ هزار و ۹۳۹ شرکت صادراتی ایران، فقط یک شرکت بین یک تا ۲ میلیارد دلار صادرات داشته است. ۱۵ شرکت بین ۳۰۰ میلیون تا یک میلیارد دلار، ۳۳ شرکت بین ۱۰۰ تا ۵۰۰ میلیون دلار، ۳۷ شرکت بین ۵۰ تا ۱۰۰ میلیون دلار و ۴۰۳ شرکت کمتر از ۵۰ میلیون دلار صادرات داشته‌اند. این تعداد از شرکت‌های فعال در عرصه صادرات و آمار و اطلاعات موجود از میزان تجارت آنها نشان می‌دهد، ظرفیت مناسبی در این عرصه وجود دارد که مغفول مانده است و با برنامه‌ریزی و حمایت مناسب دولت می‌توان زمینه‌های افزایش میزان صادرات غیر نفتی کشور را فراهم آورد و از آن در راستای رهایی از اقتصاد تک‌محصولی نفت بهره‌برداری کرد.

اعطای یارانه فروش در نمایشگاه‌های خارجی

شرکت در نمایشگاه‌های خارجی بهترین فرصت و روش بازاریابی برای شرکت‌های تولیدی داخلی است. شرکت‌های تولیدی و واحدهای صنعتی که تولیدات خود را در این نمایشگاه‌ها عرضه می‌کنند، امکان معرفی محصولات خود را در خارج از مرزهای داخلی پیدا می‌کنند. حضور و شرکت در نمایشگاه‌های خارجی معمولاً پرهزینه است و این فرصت را برای همه تولیدکنندگان جهت معرفی محصولات‌شان فراهم نمی‌کند. دولت در این زمینه می‌تواند بستر حضور شرکت‌های داخلی را در این نمایشگاه‌ها فراهم کند و برای عرضه محصولات داخلی در نمایشگاه‌های خارجی یارانه فروش اختصاص دهد تا به این وسیله افزون بر ایجاد انگیزه تولید با کیفیت در تولیدکنندگان و زمینه‌سازی افزایش تولیدات داخلی برای صادرات، موجبات ارزآوری این شرکت‌ها را نیز فراهم کند.

اختصاص اعتبار صادراتی

بیشتر کشورهای توسعه‌یافته یا در حال توسعه‌ای که از تولید داخلی خود حمایت کرده و جایگاه مناسبی در بین دیگر کشورها در عرصه اقتصادی دارند، در زمینه اختصاص اعتبار صادراتی وضع مناسبی برای تجار و تولیدکنندگان خود فراهم می‌آورند. اعتبارات اسنادی صادراتی به تعهدات برگشت‌ناپذیر بانک گشایش‌کننده به ذی‌نفع اعتبار (تجار و تولیدکنندگان کالا و خدمات) گفته می‌شود که بر اساس آن، در صورت ارائه اسناد مطابق با شرایط اعتبار در زمان مقرر، بانک گشایش‌کننده ملزم به پذیرش پرداخت به صورت نقد (دیداری) یا در سررسید معین می‌شود. اعتبار اسنادی بنا به ماهیت خود بسیار انعطاف‌پذیر بوده و بر اساس نیازهای دو طرف اعتبار، می‌تواند در انواع مختلفی، از جمله اعتبار اسنادی دیداری، مدت‌دار، ری‌فاینانس، قابل انتقال، اتکایی یا اعتبار اسنادی با عبارت قرمز صادر شود.

در وضعیت کنونی اختصاص اعتبار صادراتی به تجار و شرکت‌های تولیدی و صنعتی می‌تواند در فرایند صادرات کالا و خدمات داخلی نقش مؤثر و بسزایی داشته باشد و محور این اقدام، دولت و بانک مرکزی است که با برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری مناسب می‌توانند موجبات رونق صادرات را فراهم آورند و از تولید داخلی حمایت کنند.

تمرکز بر بازار کشورهای منطقه

بیش از شش هزار کیلومتر مرز مشترک خشکی با کشورهای افغانستان، پاکستان، ترکمنستان، ترکیه، آذربایجان، عراق و دو هزار و ۷۰۰ کیلومتر مرز آبی در دریای خزر، خلیج‌فارس و دریای عمان ظرفیتی را پیش روی اقتصاد ایران قرار داده است که اگر درست از این موقعیت راهبردی بهره‌برداری شود، ایران اسلامی می‌تواند در کنار روابط سیاسی از مزیت‌های سرشار اقتصادی این همجواری نیز بهره‌مند شود.

همجواری با کشورهایی چون؛ آذربایجان، ترکمنستان و ارمنستان به عنوان دروازه ورود به بازار ۳۰۰ میلیونی کشورهای آسیای میانه، در کنار موقعیت جغرافیایی ایران به عنوان حلقه رابط راه گذر شمال به جنوب و شرق به غرب برای توسعه ترانزیت کالا، سوآپ نفتی و اتصال به شبکه‌های بین‌المللی انتقال برق و همجواری با عراق، پاکستان و افغانستان که طی چند دهه اخیر به دلیل بحران‌های داخلی نیازمند خدمات فنی و مهندسی ایران برای بازسازی زیرساخت‌های اقتصادی خود هستند، در کنار همجواری با روسیه و ترکیه به عنوان پل ورود تجار و بازرگانان ایرانی به اروپا بخشی از ظرفیت توسعه روابط اقتصادی با کشورهای همسایه است.

ایران دروازه ورود به بازار بزرگ ۴۰۰ میلیونی منطقه است. کشور ما امن‌ترین و اقتصادی‌ترین مسیر دستیابی به کشورهای CIS، افغانستان، ترکیه و عراق است؛ واقعیتی که مورد تأیید و تأکید کشورهای منطقه مانند چین و هند قرار گرفته و رقابت آنها را در خصوص سرمایه‌گذاری در این زمینه به دنبال داشته است. کشورهای اروپایی نیز ایران را نه یک بازار ۸۰ میلیونی، بلکه یک بازار ۴۰۰ میلیونی می‌دانند و همواره به دنبال حضور مؤثر در این بازار بوده‌اند.

با توجه به مطالب پیش‌گفته متأسفانه تاکنون حضور ایران در این بازار بزرگ پیرامونی خود ضعیف و کم‌اثر بوده است. آمار و اطلاعات سازمان توسعه تجارت ایران نشان می‌دهد، تنها حدود ۴۰ درصد مبادلات تجاری ایران با کشورهای همسایه خود بوده است. این در حالی است که برای اقتصاد کشور ما مقرون‌به‌صرفه خواهد بود که ابتدا کالای تولیدی خود را در کشورهای همسایه عرضه کند؛ چرا که از یک سو هزینه حمل‌ونقل بالایی به آن تعلق نمی‌گیرد و از سوی دیگر قرابت بیشتری در سلایق مصرفی مردمان آنها وجود دارد و تولیدات با تنوع بیشتری در کشورهای هدف عرضه می‌شود. مضاف بر آن ارتباطات صمیمانه‌تر و راحت‌تر از دیگر کشورها بین ما و همسایگان برقرار می‌باشد که از این ظرفیت باید در راستای توسعه صادرات بهره برد.

اوضاع جدید اقتصادی پیش‌روی کشور اقتضا دارد دولت و دست‌اندرکاران بخش صادرات ترتیبی اتخاذ کنند که بازار کشورهای همسایه در اولویت مبادلات تجاری قرار گیرد. از خام‌فروشی کالاها کاسته شده و برای صدور کالاهایی با ارزش افزوده بیشتر، شرایط مساعدی فراهم شود. با این سیاست، دولت می‌تواند صادرات کالای با ارزش افزوده بالا را رونق داده و بیش از گذشته درآمد صادراتی کشور را افزایش دهد.

تکاپو

کسب و کار پر رونق یک معلم بازنشسته

از خارهای بیابان عرقیات گیاهی تولید می کنیم

□ **اکبر کریمی/** بسیاری از ما وقتی اسم گلاب و عرقیات را می‌شنویم، اولین جایی که به ذهن‌مان می‌رسد، شهر کاشان است؛ جایی که بیشترمان تصور می‌کنیم تنها در آنجا پرورش گل محمدی انجام می‌شود؛ اما جالب است بدانید استان فارس یکی از مناطق مهم رویش انواع گیاهان دارویی است که با تولید ۵۰ درصد گیاهان دارویی کشور، رتبه نخست پرورش و صادرات را دارد. در این گزارش یکی از فعالان این استان در حوزه کارآفرینی و تولید عرقیات گیاهی را معرفی می‌کنیم.

از معلمی تا مدیرعاملی

خانم آفاق سالاری نصرآباد، معلم بازنشسته آموزش و پرورش است. او پس از خدمت در شغل مقدس معلمی و بازنشستگی در سال ۱۳۷۳، به عرصه اقتصادی روی آورد و تا کنون چندین شغل را تجربه کرده است. در حال حاضر، وی با راه‌اندازی کارخانه گلاب‌گیری و عرقیات گیاهی توانسته است برای ۱۴ نفر به صورت دائمی و برای چندین نفر به صورت فصلی شغل ایجاد کند. خانم سالاری با هدف توسعه کسب‌وکار روستایی و محرومیت‌زدایی، فعالیت اقتصادی خود را در شهرستان بوانات آغاز کرد. این شهرستان در شمال شرق استان فارس قرار دارد و به گفته وی، از نظر امکانات رفاهی یکی از محروم‌ترین مناطق کشور محسوب می‌شود.

تعطیلی دامداری‌ها بر اثر خشکسالی

مؤسس مجتمع صنایع غذایی آریا، پیش از این فعالیت، کارخانه فرآورده‌های لبنی در محل فعلی دایر کرده بود که به دلیل تداوم خشکسالی‌های چند سال اخیر، پرورش دام و تولید شیر در منطقه کاهش جدی پیدا کرد و او مجبور شد کارخانه را در سال ۹۰ تعطیل کند. کارخانه‌ای که در دوران فعالیت خود رونق خوبی داشت و در آن روزانه ۵۰ تن فرآورده لبنی تولید می‌شد. سالاری در این حوزه رتبه‌های خوبی نیز کسب کرده بود. عنوان کارآفرین نمونه استان فارس در سال ۱۳۸۶؛ کارآفرین نمونه کشوری در بخش صنعت در سال ۱۳۸۷ و واحد نمونه معاونت صنایع و توسعه روستایی در سال ۸۷، بخش‌هایی از موفقیت‌هایی است که وی در این فعالیت تجربه کرده بود. با وجود این، سالاری با تعطیلی کارخانه، دست از تولید برنداشت و مأیوس نشد. با از بین رفتن ظرفیت دامداری در بوانات، هنوز یک ظرفیت اقتصادی مناسب در آنجا باقی بود که با وجود همین وضعیت کم‌آبی نیز امکان توسعه آن وجود داشت و آن، وجود انواع گیاهان دارویی و امکان کشت گل محمدی در منطقه بود.

سالاری درباره وضعیت رویش گیاهان دارویی در شهرستان بوانات می‌گوید: «بسیاری از مواد اولیه کارخانه ما از مراتع بوانات تأمین می‌شود. روستاییان انواع گیاهان دارویی را در فصل‌های مختلف جمع‌آوری می‌کنند و به کارخانه می‌آورند.» او می‌گوید: «اقلیم بوانات همچنین قابلیت بالایی برای توسعه کشت گل محمدی دارد. کشت این گل به آب کمی نیاز دارد و این برای شرایط خشکسالی بوانات و روستاییان منطقه کاملاً مناسب است.»

تولیدات کارخانه

کارخانه فرآورده‌های لبنی در سال ۹۵ به مجتمع صنایع غذایی آریا تغییر کاربری داد و تولید عرقیات گیاهی از همان سال به صورت نیمه‌صنعتی شروع شد. سالاری بخش اعظمی از سرمایه اولیه شغل جدید خود را با فروش دارایی و منزل مسکونی تهیه کرده بود که شامل سالن و زمین کشاورزی می‌شد. ۶۰ میلیون تسهیلات بانکی نیز از سوی بسیج سازندگی استان به این کارخانه تعلق گرفت تا بخشی از هزینه‌های خرید دستگاه‌های فرآوری و عرق‌گیری تأمین شود. گفتنی است، همه دستگاه‌ها و دیگ‌های مورد نیاز کارخانه آریا از تولیدات داخلی و بومی استان تأمین شده است. وی می‌گوید: «بخش اصلی فعالیت ما تولید گلاب است. تا پیش از راه‌اندازی کارخانه آریا، گل محمدی در منطقه به صورت خودرو می‌رویید؛ اما مردم منطقه استفاده چندانی از آن نمی‌کردند، حتی آن را می‌بریدند و مانند خار آتش می‌زدند.» در حال حاضر، شهرستان بوانات حدود ۸۰ هکتار زمین زیر کشت گل محمدی دارد که از این میزان ۴۰ هکتار آن در اطراف کارخانه آریا واقع شده است. این کارخانه بیش از ۴۰ محصول در حوزه عرقیات گیاهی، شامل عرق کاسنی، برگ بید، شاطره، خارخاسک، برگ چنار، بومادران، گل گاو زبان، مرزنجوش، اسطوخودوس، بوقناق، زردچوبه، بیدمشک و... تولید می‌کند. از تولیدات دیگر کارخانه عرق بهارنارنج است. درخت بهارنارنج در بوانات وجود ندارد؛ به همین دلیل بهارنارنج مورد نیاز کارخانه از شیراز، داراب و دیگر شهرستان‌های استان فارس تهیه می‌شود. در مهر ماه نیز که فصل انگور است، تولید شیره انگور بخشی از فعالیت کارخانه محسوب می‌شود. سالاری متولد یزد است و به خوبی ارزش آب را می‌داند. به همین دلیل در کارخانه جدید خود آب پسماند دستگاه تقطیر را به پرورش ماهیان گرمابی مانند کپور و آمور می‌رساند. آب حاصل از استخرهای پرورش ماهی نیز پس از تصفیه به مصرف کشاورزی و تولید گیاهان دارویی می‌رسد. مجتمع آریا در فصل گلاب‌گیری در دو شیفت کاری و در دیگر ایام سال یک شیفته فعالیت می‌کند. این مجموعه در هر شیفت کاری ۳۶۰ لیتر محصول تولید می‌کند که این محصولات را با نام تجاری «آناهید» و به صورت مویرگی در قنادی‌ها، بستنی‌فروشی‌ها، عطاری‌ها و دیگر فروشگاه‌های استان و تعدادی از استان‌های همجوار توزیع می‌کند.

توصیه یک فعال اقتصادی

طلایه‌دار اقتصاد مقاومتی در سال ۹۵ می‌گوید: «دوران بازنشستگی بهترین دوران برای کارآفرینی است، چرا که فرد کوله‌باری از تجربیات را با خود دارد؛ تجربیاتی که به قیمت از دست دادن جوانی‌اش به دست آورده است. آنچه در کارآفرینی حتی از سرمایه هم می‌تواند مهم‌تر باشد، داشتن یک ایده بکر و مناسب برای کاری است که هر فرد می‌خواهد انجام دهد. هر زمان که ایده‌ای به ذهن‌تان رسید، همان را پیگیری کنید، با آگاهی جامع و با پشتکار فعالیت‌تان را شروع کنید و در این راه اهل خطر کردن باشید.»

برای تهیه گزارش از فعالیت‌های اقتصاد مقاومتی در استان خود با شماره تلفن ۰۹۱۹۳۴۷۲۹۸۱ تماس بگیرید.

کلید واژه

سوئیفت

سوئیفت (swift) انجمن ارتباط مالی بین بانکی بین‌المللی است که از حروف اول عبارت «The Society For Worldwide Interbank Financial Telecommunication» مشتق شده است و به صورت مؤسسه و به شکل تعاونی فعالیت می‌کند.

پس از پایان جنگ جهانی دوم، به ویژه در اواخر دهه ۱۹۵۰، تجارت جهانی به سرعت شروع به رشد و شکوفایی کرد و به موازات آن حجم عملیات بین‌المللی بین بانکی گسترش یافت؛ اما رعایت نکردن استانداردهای بین‌المللی در معاملات بین بانکی سبب آشفتگی در پرداخت‌های بین‌المللی و افزایش هزینه‌های بانکی شده بود؛ از این رو در اوایل دهه ۱۹۶۰ حدود ۶۰ بانک بزرگ اروپایی و آمریکایی به این فکر افتادند که چگونه می‌توان پیام‌های بین بانکی را به گونه‌ای طرح‌ریزی و استاندارد کرد که اتوماسیون شبکه بانکی بین‌المللی را به همراه داشته باشد.

در دسامبر سال ۱۹۶۷، هفت بانک معتبر از کشورهای آمریکا، اتریش، انگلستان، دانمارک، سوئیس، فرانسه و هلند مطالعه‌ای را شروع و در سال ۱۹۷۱، ۷۳ بانک از این کشورها هزینه مطالعه را تقبل کردند. این مطالعه به همت گروهی از متخصصان و به مدت یک سال طول کشید و نتایج آن در سال ۱۹۷۲ ارائه شد. در نهایت، در ماه می ۱۹۷۳ سوئیفت با عضویت ۲۳۹ بانک از ۱۵ کشور در شهر لئولپ (La Hulpe) در نزدیکی بروکسل، پایتخت کشور بلژیک تأسیس شد. مرکز اصلی شبکه سوئیفت در کشور بلژیک بوده و طبق قوانین آن کشور عمل می‌کند؛ دیگر کشورها، از جمله آمریکا، هلند، انگلیس و هنگ کنگ هم در نقش مراکز پشتیبان اعضا فعالیت دارند.

هدف از راه‌اندازی سوئیفت جایگزینی روش‌های ارتباطی غیر استاندارد در سطح بین‌المللی با استفاده از روش استاندارد جهانی بود. البته این شبکه در همان سال کار خود را آغاز نکرد و پس از گذشت چند سال، در سال ۱۹۷۷ میلادی با عضویت ۵۱۸ بانک از ۲۲ کشور با ارسال پنج هزار پیام در اولین روز راه‌اندازی شد.

در حال حاضر، بیش از ۹۷۰۰ بانک و مؤسسه مالی در ۲۰۹ کشور جهان عضو سوئیفت هستند. گفتنی است، در سال ۲۰۱۳، این شبکه بانکی بین‌المللی توانست نقل و انتقال میلیاردها دلار پول را بین ۱۰ هزار و ۵۰۰ بانک و شرکت که عضو این انجمن هستند، تحت حواله سوئیفت تسهیل کند.

سوئیفت یک نقطه دسترسی یا به اصطلاح SAP در اختیار هر کشور قرار می‌دهد تا به وسیله آن به شبکه جهانی سوئیفت متصل شوند. نقطه دسترسی کشورمان، ایران هم در بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران واقع شده است.

در واقع، سوئیفت قالبی را ارائه می‌کند که تراکنش‌های بین‌المللی از طریق آن بدون مشکل جریان می‌یابد و ردیابی می‌شود. به این صورت که هرگونه ارسال و دریافت پیام بین واحدهای بانکی داخل کشور و بانک‌های خارج از کشور از طریق سوئیفت انجام می‌شود. بانک‌های ایران نیز از طریق خطوط به مرکز SAP در بانک مرکزی متصل می‌شوند و پیام‌ها از آنجا برای بانک‌های خارج از کشور فرستاده می‌شود. گفتنی است، یکی از مزایای سوئیفت این است که به وسیله آن انجام معاملات ارزی در سطح جهانی سریع‌تر، مطمئن‌تر و کم هزینه‌تر از گذشته انجام می‌شود.

برای صدور حواله سوئیفت، باید به کد سوئیفت دسترسی داشت. در واقع، تنها آن دسته از حساب‌های بانکی می‌توانند در شبکه سوئیفت، حواله ارزی دریافت و ارسال کنند که به شبکه متصل بوده و کد سوئیفت را از این مؤسسه غیر دولتی دریافت کرده باشند.

در حال حاضر، افزون بر سوئیفت، روش‌های دیگری برای صدور و ارسال حواله ارزی به منظور انتقال پول به خارج از کشور، مانند وسترن یونیون وجود دارد که هر یک از آنها مزایا و معایب خاص خود را دارند.

ادعاهای بی‌مبنا طرح نکنید

جعفری دولت‌آبادی، دادستان تهران با بیان اینکه تحقیقات پرونده جاسوسی در پوشش فعالیت‌های محیط زیست در دادسرای تهران به زودی به پایان می‌رسد و دادستانی تهران نتیجه تحقیقات را با رعایت مقررات به استحضار عموم خواهد رساند، گفت: از مسئولان دستگاه‌های دولتی و به ویژه سازمان حفاظت محیط زیست انتظار می‌رود ادعاهای بی‌مبنا در این باره مطرح نکنند.

پژواک

شبکه‌های اجتماعی و سیاست ـ ۶

□ **مهدی فرهادی/** رفتار در شبکه‌های اجتماعی برای انتخابات ویژگی‌هایی دارد که فعالان سیاسی و جریان‌های سیاسی باید به آن توجه داشته باشند. در ادامه به برخی از توصیه‌هایی که برای این فعالان تدارک دیده شده، توجه شود.

۱ـ تغییر سطح مخاطب: مخاطبان پیام‌رسان‌ها و شبکه‌های اجتماعی عمده جوانان هستند، پس باید برای آنان سخن گفت. از آنجا که بیش از ۷۰ درصد فعالان سایبری جوان هستند، پس باید مطالب نوشته شده و موضع‌گیری‌ها برای متقاعد کردن آنها باشد.

۲ـ مرجع رسانه‌ای جوانان در حال تغییر است؛ از آنجا که شبکه‌های اجتماعی سبب روی‌آوری جوانان به سیاست سایبری شده است و جوانان عامل انتشار مطالب در این فضا هم هستند، این فرصتی است که شبکه‌های اجتماعی در اختیار فعالان سیاسی می‌گذارند، این در حالی است که در گذشته این‌گونه نبود.

۳ـ آرام و منطقی بودن؛ برای موفقیت در انتخابات آینده، باید به دقت در شبکه‌های اجتماعی قدم برداشت. باید فعالیت‌ها را تنظیم و حد تعادل را رعایت کرد.

۴ـ مراقبت از بلاک شدن: بحث‌های سیاسی به ویژه در شبکه‌های اجتماعی می‌تواند منجر به دعوا و دلخوری شده و در نهایت به بلاک کردن یکدیگر ختم شود. در بررسی‌های انجام شده مشخص شده است که حدود یک‌پنجم از بلاک‌های صورت گرفته در شبکه‌های اجتماعی به دلیل بحث‌های سیاسی و منازعات انتخاباتی بوده است.

۵ـ کاهش هزینه‌ها: از آنجا که در شبکه‌های اجتماعی دسترسی نسبت به قبل آسان‌تر شده است، کاندیداها می‌توانند از فضای به وجود آمده در این شبکه‌ها به نحو شایسته با صرف هزینه بسیار اندک، پیام‌ها، اخبار و آخرین وضعیت کارزار انتخاباتی خود را منتشر کنند.

۶ـ تهاجم و دفاع: در شبکه‌های اجتماعی موضوعات سیاسی و فرهنگی را سخت‌تر می‌توان مدیریت کرد؛ زیرا مدیریت متمرکز و یکجانبه‌گرایی در این رسانه‌ها از بین رفته است و هر کسی صرفاً می‌تواند از خود دفاع کند. در این شرایط وضعیت حمله نسبت به گذشته آسان‌تر شده است و جریان و فضا در این شرایط پاسخگویی را سخت‌تر کرده است.

۷ـ گمنامی: گمنامی در پیام‌رسان‌ها و مخلوط شدن همه قشرها و رده‌های سنی از سویی فرصتی است برای رساندن پیام‌ها و از سویی تهدید نیز محسوب می‌شود؛ زیرا دنبال‌کنندگان در فهم پیام‌های ارسال شده دچار اشتباه می‌شوند و ممکن است یک پیام ارسال شده به ضد خود تبدیل شود و فرستنده را با مشکلاتی مواجه کند که تاکنون به آن نیندیشیده است.

۸ـ فضای سیالیت اخلاق: در شبکه‌های اجتماعی به دلیل حذف دیوارها و بن‌بست‌ها نوعی از نشر اکاذیب، جوسازی‌های روانی، انحراف افکار عمومی، ایجاد شبهه و شائبه وجود دارد و این فضای کنترل‌ناپذیر می‌تواند جریان را به‌گونه‌ای پیش ببرد که فضای واقعی و حقیقی را از خود متأثر کند، کما اینکه این جریان‌های شبکه‌ای سبب ایجاد کمپین‌ها، تنش‌ها، اعتراضات و مشکلاتی در جامعه شده است.

۹ـ ضد کودتا و کودتاگر: شبکه‌های اجتماعی، هم ضد کودتا هستند و هم کودتاگر، از آنجا که این شبکه‌ها به سرعت می‌توانند فارغ از چارچوب‌ها و ساختارهای رسمی به سرعت یک پیام کودکانه یا یک جمله نخبگی را در سطح عامه منتشر کنند، در سال‌های اخیر همین شبکه‌ها هم باعث کودتا شده‌اند و هم کودتاهایی چون کودتا در ترکیه را زمانی که رسانه‌های رسمی از دسترس خارج بوده‌اند، نجات داده‌اند؛ در کودتای ترکیه رسانه‌های بزرگی مانند رادیو و تلویزیون در اختیار کودتاگران بود، اما اردوغان، چندی پس از آغاز عملیات کودتا با استفاده از یک پیام‌رسان ضمن اعلام وجود تحرکاتی برای کودتا در کشور، از مردم خواست به خیابان‌ها بریزند که مردم ترکیه با اجرای این خواستهٔ اردوغان، کودتا را ناکام گذاشتند.

کنکاش

بازنگاه آسیب‌شناسانه صبح صادق به پدیده مدرک‌گرایی

آیا از «مدرک»مان راضی هستیم؟

□ **شهناز سلطانی/** دوستی دارم که با حسرت و افسوس نه یک بار که بارها گفته کاش به جای گرفتن دکترا بچه دوم آورده بودم و بچه‌ام را هم از تنهایی بیرون.

دوست دیگری هم دارم که او هم نه یک بار که بارها آهی از نهاد کشیده که کاش قبل از گرفتن فوق لیسانس اینقدر به ازدواج فکر می‌کردم، نه الآن که بخشی از گزینه‌های ازدواجم را از دست داده‌ام!

دوست سومی هم دارم که دانشجوی دوره دکتری است و می‌گوید: کاش به جای این همه سال سر و کله زدن با کتاب و امتحان به آرزوی «سفرهایم» جامه عمل می‌پوشاندم.

اگر کمی به دور و برمان دقیق شویم کم و بیش همه ما از این دست دوستان داریم و دارید که با صرف زمان و پول و انرژی جوانی مدرک دهان‌پرکنی مثل «فوق‌لیسانس» و «دکتری» را در کارنامه دارند که وقتی پای درد دل‌شان بنشینی تازه می‌فهمی مدارک‌شان مصداق خوشی آواز دهل از دور است. اما چه شد که تا چشم باز کردیم دیدیم سخت به دنبال گرفتن این مدرک و آن مدرکیم و حاضریم به هر زحمت و قیمتی که شده از قافله عقب نمانیم، حتی به قیمت از دست دادن دارایی‌های با ارزشی که شاید دیگر هیچ وقت به دست نیاید.

یک قدم جلوتر با مدرک

وقتی از منظر جامعه‌شناسی به پدیده نچندان نوظهور مدرک‌گرایی در جامعه نگاه می‌کنیم، می‌بینیم که جامعه داشتن مدرک را یک ارزش تلقی می‌کند که اگر آن را در چنته داشته باشی در مناسبات اجتماعی یک قدم جلوتری؛ یعنی یک سر و گردن از رقبا بالاتر. برای نمونه همه ما حاضریم دخترمان را به پسری بدهیم که لیسانس دارد تا دیپلم. به همان نسبت برای پسرمان دنبال دختری می‌گردیم که لیسانس داشته باشد تا دیپلم. در آگهی‌های کاریابی و استخدام اولویت با کسی است که لیسانس دارد. در مرحله بعد دیپلمه‌ها قرار می‌گیرند. بنابراین آن کسی که مدرک دانشگاهی می‌گیرد جایگاه اجتماعی برتری دارد نسبت به کسی که دستش از آن مدرک دور است و به تبع دستش نزدیکتر به گزینه‌های ازدواج و شغل و... است.

اما یادمان نرود در همان جوامعی که دوره‌های دانشگاهی لیسانس و فوق‌لیسانس و دکتری را طرح و تدوین کرده‌اند و ما این دوره‌ها را از آنها وام گرفته‌ایم برای هر یک از این دوره‌ها تعریف روشن و مهم‌تر اینکه رسالتی وجود دارد، برخلاف آنچه ما در جامعه خودمان می‌بینیم. در آن جوامع فرد وقتی وارد دوره کارشناسی می‌شود که نیاز به کسب دانشی دارد که در آن حوزه مشغول به کار است و مهارتی دارد. وقتی وارد دوره کارشناسی‌ارشد می‌شود که نیاز به دانش تخصصی‌تر در حوزه کار خود دارد و وقتی وارد دکتری می‌شود که بتواند به تولید علم در رشته تخصصی خود کمک کند و به دانش پیشینیان خود بیفزاید. اگر با این دقت نظر به خیل جمعیتی که هر سال وارد دانشگاه‌های ما می‌شوند، نگاهی بیندازیم آن وقت متوجه خواهیم شد که اساساً درصد بسیاری از ما حتی نباید وارد دوره کارشناسی می‌شدیم، چه رسد به مقطع ارشد و دکترایش.

مهارت‌اندوزی موضوع بسیاری مهمی است که در طول دهه‌های گذشته که درهای انواع مختلف دانشگاه‌ها اعم از آزاد اسلامی، پیام نور، غیرانتفاعی و علمی ـ کاربردی و البته سراسری را به روی جامعه باز کردیم، از آن غافل بودیم. در واقع، خیل بی‌شمار دانش‌آموختگانی را روانه بازار کار کرده‌ایم که نه فقط بخش قابل توجهی از انرژی جوانی و پول و وقت آنها را گرفته‌ایم که بی‌هیچ مهارتی آنها را «متوقع» بار آورده‌ایم. چرا که وقتی مدرک داری، اولاً فقط به دنبال میزی هستی که بر آن تکیه بزنی. آن هم نه هر میزی که باید با شأن و جایگاه شما که نه با شأن و جایگاه مدرکت همخوان باشد. وقتی به میز دست پیدا کردی

مهارت‌اندوزی موضوع بسیاری مهمی است که در طول دهه‌های گذشته که درهای انواع مختلف دانشگاه‌ها اعم از آزاد اسلامی، پیام نور، غیرانتفاعی و علمی ـ کاربردی و البته سراسری را به روی جامعه باز کردیم، از آن غافل بودیم. در واقع، خیل بی‌شمار دانش‌آموختگانی را روانه بازار کار کرده‌ایم که نه فقط بخش قابل توجهی از انرژی جوانی و پول و وقت آنها را گرفته‌ایم که بی‌هیچ مهارتی آنها را «متوقع» بار آورده‌ایم

حالا باید پول و پست متناسب با آن را هم به تو بدهند، فارغ از اینکه شما به واسطه آن مدرکی که در استخدام‌تان به کار آمده چقدر گره از کار سازمان تحت امرتان باز کرده‌اید. این دور تسلسلی است که بیهوده از آن مدرک و دارنده‌اش انتظار داریم بازده کارمان را بالا ببرند، اما نمی‌دانیم چرا راه به جایی نمی‌بریم.

در بحث ازدواج هم «مدارک» شرایط را جور دیگری رقم می‌زند. دختری که به دنبال کسب مدارک بالاتری است، خواه ناخواه بخشی از خواستگاران خود را از دست می‌دهد. نگوییم این نوع نگاه به دختران در سن ازدواج جامعه نگاهی ساده‌لوحانه و دم‌دستی است. می‌پرسید چگونه؟ پاسخ ساده است. بی‌شک پسری که مدرک دیپلم یا لیسانس دارد به خودش اجازه نمی‌دهد برای ازدواج با دختری که مدرک ارشد یا دکترا دارد پا پیش بگذارد؛ چرا که گمان می‌کند با پاسخ منفی و توقعات بالای دختر مورد نظرش روبه‌رو خواهد شد، هر چند آن دختر طور دیگری فکر کند و پایین بودن مدرک تحصیلی طرف مقابل برایش اهمیتی نداشته باشد و اساساً اولویت‌ها برای او چیز دیگری باشند، اما ذهنیت شکل گرفته را به راحتی نمی‌توان تغییر داد. از سویی داشتن مدرک بالا برای برخی دختران مساوی می‌شود با تصاحب شغل‌هایی با موقعیت و درآمد خوب. به همین نسبت سطح انتظارات آنها در ازدواج هم بالاتر می‌رود، بنابراین دایره گزینه‌های ازدواج‌شان را محدود و محدودتر می‌کنند. گاهی سال‌های طلایی جوانی که فرصت نابی بود برای ازدواج سپری می‌شود و به دنبال خود دوره ناب فرزندآوری بخشی از زنان جامعه نیز نادیده گرفته می‌شود؛ فرصت‌سوزی‌هایی که گاهی برگشت به عقب ندارد.

با وجود فهرست عریض و طویل انواع دانشگاه‌ها، دهه‌هاست که ورود به دانشگاه و ارتقای تحصیلی از یک دوره به دوره بعد دیگر غول نبوده و مبارزه با آن دشوار نیست. مشکل نوشتن پایان‌نامه و مقاله و کتاب هم مدت‌هاست به مدد عده‌ای که گاهی به حق باید آنها را کارشناس و کارشناس‌ارشد و دکتر نامید حل شده است. (اگر سری به محدوده میدان انقلاب پایتخت بزنید این موضوع دستگیرتان می‌شود و این کارشناسان معرف حضورتان.) اما در این میان نباید به جایگاه والای معدود افرادی که علم‌آموزی را فراتر از مدرک طلب می‌کنند و برای آن ارج و قرب قائلند و تلاش می‌کنند مرزهای علم و دانش را گسترش دهند که حساب آنها جداست، خدشه‌ای وارد شود؛ متأسفانه اپیدمی گرفتن مدرک اغلب ذهن ما را از این افراد دور کرده که البته این دوگروه اکثریت و اقلیت وقتی در کفه ترازو قرار می‌گیرند تازه تفاوت بین افراد تأثیرگذار و تأثیرپذیر آشکار می‌شود.

مدرک یا مهارت؟

کمی واقع‌بین باشیم. چشم بگردانیم و ببینیم افراد زیادی را که از مدرک فارغ بوده‌اند و زندگی رضایت‌بخشی را برای خود دست و پا کرده‌اند و همین طور ببینیم افراد بی‌شماری را که پا روی بسیاری از خواسته‌های خود گذاشته‌اند تا دیگران آنها را با القابی مثل دکتر و... خطاب کنند، ولی در کنه ماجرا شاخصی به نام رضایتمندی کم‌رنگ است. فکر کنیم راهی که ما رفته‌ایم نه لزوماً درست و نه لازم است که فرزندان ما هم بروند. مهم این است که به وقتش مهارت‌های زندگی و در بطن آن لذت بردن از زندگی را به آنها بیاموزیم، رها از این مدرک و آن مدرک. به این هم فکر کنیم که می‌شود آن همه هزینه پولی و غیر پولی را که گرفتن مدرک از ما می‌گیرد، طور دیگری در زندگی صرف کرد، بی‌توجه به اینکه دیگران چه فکر می‌کنند مهم ما هستیم که اهم و مهم خواسته‌ها و آمال و آرزوهای‌مان را بلدیم و راه پیش‌روی‌مان را روشن ترسیم کرده‌ایم، نه در هاله‌ای از ابهام و نگرانی و...

ژرفا

واکاوی پروژه نفوذ در سازمان محیط زیست ـ ۴

جاسوسی با چهره‌های جدید مهندسی

□ **محمدرضا فرهادی/** جاسوسی در قالب فعالان محیط زیستی تنها به سیدامامی و تیم او محدود نمی‌شد؛ بلکه در داخل سازمان محیط زیست عده‌ای با مسئولیت‌های مدیریتی در سطوح سازمان مترصد تکمیل پروژه تیم سیدامامی بودند. یکی از این افراد کاوه مدنی بود که مسئولیت معاون پژوهشی، نوآوری و بین‌الملل سازمان حفاظت محیط زیست را برعهده داشت.

چه کسانی کاوه مدنی را وارد ایران کردند؟

کاوه مدنی، ۳۶ ساله، استاد مدیریت آب و محیط زیست امپریال کالج لندن و کارشناس شبکه بی‌بی‌سی بود. وی بعد از دانش‌آموختگی در رشته مهندسی عمران در دانشگاه تبریز راهی کشور سوئد و در سال ۱۳۸۴ در رشته منابع آب از دانشگاه لوند فارغ‌التحصیل شد. او در سال ۱۳۸۸ مدرک دکترای خود را در رشته مهندسی عمران محیط زیست از دانشگاه کالیفرنیا، دیویس دریافت کرد. مدنی پس از آن دوره پسا دکترای خود را در رشته اقتصاد و سیاست محیط زیست در دانشگاه کالیفرنیا، ریورساید گذراند. وی در سال ۲۰۱۵ از سوی «اتحادیه علوم زمین اروپا» یکی از سه دانشمند جوان برجسته در علوم زمین انتخاب شد. همچنین در سال ۲۰۱۲ انجمن مهندسین عمران آمریکا او را به عنوان یکی از ده چهره جدید مهندسی عمران برگزید.

کاوه مدنی شهریور ۹۶ با حکم عیسی کلانتری، معاون سازمان محیط زیست شد و به این ترتیب زندگی خود را در لندن رها کرد و به ایران بازگشت. عامل اصلی ورود کاوه مدنی به کشور این بود که افرادی از داخل دولت با شعار استفاده از ظرفیت‌های نخبگان جوان کشور مترصد به کارگیری کاوه مدنی شدند. هر چند وی پیش از قبول مسئولیت در سازمان محیط زیست در قالب سمینارهای مختلف به دعوت دولت حضور پیدا کرده بود.

پروژه‌های کاوه مدنی در قالب نخبه علمی

به دنبال کشف شبکه جاسوسی و نفوذ کاووس سیدامامی و دستگیری چند نفر از عوامل شبکه صهیونیستی انگلیسی ـ آمریکایی، حرف و حدیث‌هایی درباره کاوه مدنی استاد دانشگاه امپریال کالج لندن هم سر زبان‌ها افتاد و مشخص شد مدنی یکی از متهمانی است که می‌بایست مشخص شود ارتباطی میان او و دیگر عوامل شبکه جاسوسی وجود داشته است یا خیر؛ اما به دلایلی کاوه مدنی نه تنها مورد سؤال و جواب جدی قرار نگرفت؛ بلکه به راحتی به اقدامات خود در سازمان محیط زیست ادامه داد، تا جایی که وی در روزهای منتهی به ایام تعطیلات نوروزی سال ۹۷، با انتشار ویدئویی از خود، چالش بی‌زباله را در داخل کشور راه‌اندازی کرد.

مدنی به عنوان سرپل نفوذ شبکه‌ای از جاسوسان ـ افرادی نظیر کاووس سیدامامی ـ به دستگاه‌های اداری برای جمع‌آوری اطلاعات نظامی، ایجاد انحراف در ریل‌گذاری‌های مربوط به آب و هوا، ترویج کوچ از روستا، نابودی منابع آبی شناخته شده است. اما وی به عنوان شخص تصمیم‌گیر در سازمان محیط زیست که معاون بین‌الملل و نوآوری این سازمان بود، اقداماتی را انجام داد که تأثیر بسزایی در مشکلات آینده کشور دارد. برخی از این اقدامات به شرح زیر است:

۱ـ مدنی را در واقع باید رابط سازمان و تیم سازمان جاسوسی سیدامامی دانست. با توجه به مسئولیت وی در قالب معاونت پژوهش و بین‌الملل سازمان، بیشتر ارتباطات مدنی با سازمان‌های بین‌المللی و واسطه بوده است. وی همچنین نقش مؤثری در تغییر نگرش مسئولان کشور درباره مسائل زیست محیطی ایفا کرد و با توجه به تأثیرگذاری بر مدیران کلان سازمان در تصمیمات مهمی همچون منابع آبی کشور نقش داشت. مدنی یکی از افرادی بود که مخالف اصلی انتقال آب دریای عمان و خلیج‌فارس به استان‌های کم آب و جنوبی کشور بود و بارها مخالفت خود را با انتقال آب این مناطق از طریق دستگاه‌های تصفیه آب(شیرین‌کن) اعلام کرده بود. می‌توان گفت، کاوه مدنی در پروژه اول خود که نفوذ در میان تصمیم‌گیران سازمان بود، موفق عمل کرد. برای همین امر وی در مراحل بعدی پروژه‌های دیگر را به اجرا درآورد که در بخش‌های بعدی به آن پرداخته می‌شود.

پایش

مذاکره با روتوش!

□ **سید فخرالدین موسوی/** «۸۹۲» روز پس از آنکه تصویر دست دادن محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه کشورمان و جان کری، وزیر خارجه وقت ایالات متحده آمریکا با تیتر «پیروزی بدون جنگ» بر صفحه اول روزنامه «شرق» نشست، این روزنامه اصلاح‌طلب تیتر «برجام بدون آمریکا» با زیر تیتر «موگرینی: کنار ایران می‌مانیم» را در صفحه اول خود به چاپ رساند و در سرمقاله‌ای با عنوان «روز تنهایی ترامپ» به قلم حسین مرعشی از قدرت نداشتن آمریکا برای فشار بر ایران سخن به میان آورد، مقایسه‌ای که می‌توان آن را به تعداد تمام رسانه‌های اصلاح‌طلب و حامی دولت در فاصله ۲۳ تیر ۱۳۸۴ تا ۱۹ اردیبهشت ۱۳۹۷ تکرار کرد، آنجا که روزنامه «آفتاب یزد» از تیتر «کلید چرخید، ایران خندید» به تیتر «تصمیم منطقی ایران» با اشاره به ماندن مشروط تهران در برجام پس از خروج آمریکا رسید. روزنامه «آرمان امروز» از تیتر «دنیا به احترام ایران ایستاد» به عنوان «موگرینی: اروپا در برجام می‌ماند» رسید و روزنامه «اعتماد» که در آن تاریخ با درشت‌ترین فونت ممکن تیتر زده بود «انقلاب دیپلماسی در ۲۳ تیر ۱۳۹۴؛ جهان تغییر کرد» این بار تیتر «خروج مزاحم از برجام» را در صفحه اول خود قرار داد و... .

اما نه اشتباه محاسباتی آن روز جریان اصلاحات، حامیان دولت و رسانه‌های‌شان موضوع متن پیش‌رو است، نه خروج آمریکا از برجام! همچنین به دنبال آن نیستیم که رسانه‌های اصلاح‌طلب را به دلیل تیترهای آن روزشان سرزنش کنیم یا بگوییم به جای برچسب زدن‌های ناروا یا واژه‌سازی‌هایی برای تحقیر منتقدان و توهین به آنها با الفاظ ناشایست کاش کمی به سخنان جریان‌های منتقد و دلسوزان دقت می‌شد، اگرچه همه اینها از جمله مباحث جدی است که درباره آن حرف‌ها و نکات مهم وجود دارد؛ اما در متن پیش رو می‌خواهیم به سراغ یک مصاحبه افشاگرانه برویم درباره آنچه در پس این تیترهای ریز و درشت که تنها به همین دو روز (۲۳ تیر ۱۳۸۴ و ۱۹ اردیبهشت ۱۳۹۷) نیز محدوده نبوده‌اند، وجود دارد؛ به آن روزی که «مهدی رحمانیان» مدیرمسئول روزنامه «شرق» در مستند مصاحبه‌هایی با عنوان «خشت خام» در برابر حسین دهباشی، سازنده فیلم انتخاباتی حسن روحانی در انتخابات ریاست‌جمهوری یازدهم نشست که این روزها

روزنامه‌های اصلاح‌طلب به همان شدت و حدتی که از مذاکره با آمریکا دفاع می‌کردند و برجام را فراتر از حقیقت آن نشان می‌دادند، امروز درباره حفظ برجام بدون آمریکا و قدرت و اراده اروپا برای نگه داشتن برجام مبالغه‌آمیز سخن می‌گویند که این می‌تواند موجب خطای محاسباتی مذاکره کنندگان و انعقاد توافقاتی خلاف منافع و مصلحت کشور شود

یکی از منتقدان رئیس‌جمهور شناخته می‌شود و نتیجه آن یک اعتراف دیرهنگام بود. آنجا که دهباشی خطاب به رحمانیان می‌گوید؛ بخشی از وعده‌ها را دولت باید پاسخگو باشد، بخش دیگر را کسانی باید پاسخ دهند که اینها را منعکس کردند، آیا شما قبول ندارید که در همان ایام بخش قابل توجهی از توقع شکل گرفته در جامعه را رسانه‌ها (البته به جز صدا و سیما) ایجاد کردند؟! منظور من این است که برجام را به صورت دیگری نیز می‌توان دید. از منظر مبالغه‌ای که در زمینه توقعات مردم ایجاد شد و امروز اگر بعضی تمسخر می‌کنند، از منظر بررسی با توقعاتی است که در آن زمان ایجاد شد. رحمانیان در پاسخ به دهباشی می‌گوید: «من مبالغه را قبول دارم. این مبالغه‌ها باید می‌شد به این خاطر که فضا خیلی فضای تنگ و ترشی بود، دولت باید در حقیقت این موضوع را قدری بزک می‌کرد که بتواند حرفش را به کرسی بنشاند.» جملاتی که این کارگردان در واکنش به آن می‌گوید: «این کار یعنی کار روابط عمومی دولت. شما عملاً در جایگاه پروپاگاندای رسانه‌ای آن روزی که تیتر زدید: تحریم‌ها فروپاشید...»؛ نگرانی اینجاست که چند صد روز بعد دوباره شاهد اعتراف مشابه دیگر هستیم؛ چرا که این روزها روزنامه‌های اصلاح‌طلب به همان شدت و حدتی که از مذاکره با آمریکا دفاع می‌کردند و برجام را فراتر از حقیقت آن نشان می‌دادند، امروز درباره لزوم حفظ برجام بدون آمریکا و قدرت و اراده اروپا برای نگه داشتن برجام مبالغه‌آمیز سخن می‌گویند! چنانچه روزنامه دولتی «ایران» در سرمقاله خود می‌نویسد: «با خروج ترامپ از برجام، نقش اروپا در حفظ توافق برجسته شده است. به همین خاطر، گمانه‌زنی‌ها در مورد «نیت واقعی اروپا» و رویکرد نهایی آن نیز در رسانه‌های داخلی شدت گرفته است. برخی با طرح گزاره‌هایی از قبیل «اروپا و آمریکا تقسیم وظیفه کرده‌اند»، «اروپا و آمریکا سر و ته یک کرباس هستند»، «سگ زرد برادر شغال است» و «اروپا در نهایت به منافع اقتصادی خود نگاه می‌کند» معتقدند، رایزنی با اروپا فایده چندانی نخواهد داشت. عده‌ای هم معتقدند، این قبیل نتیجه‌گیری‌های از پیش‌ساخته‌شده ـ که مبتنی بر یک رویکرد «تقدیری» یا یک ایدئولوژی «ماهیت‌گرایانه» به کشورهای غربی است ـ به درستی صحنه روابط بین‌المللی امروزی را به تصویر نمی‌کشد. شخصاً معتقدم ـ جدا از اینکه سوابق تاریخی و ماهیت اروپا چه باشد ـ موضع‌گیری‌های فعلی و اقدامات پیشنهادی آن در برابر ترامپ ـ آن هم در حمایت از ایران ـ آنقدر جدی، بی‌سابقه و از دید منافع بلندمدت ایران «قابل ملاحظه» است که ارزش امتحان و واکاوی داشته باشد.» روزنامه «شرق» در یادداشتی به نوشته احمد خرم با عنوان «حسن نیت اروپا، بازی روسیه» می‌نویسد: «اولین بار است که اروپا نمایشی از وحدت نظر و حمایت قاطع از کشوری مقابل آمریکا را با موضعی چالش‌برانگیز در سطح جهانی اجرا می‌کند!» روزنامه «شهروند» به نقل از اروپایی‌ها، عبارت «تحریم‌های آمریکا را به رسمیت نمی‌شناسیم!» تیتر می‌زند و موارد فراوان دیگر، این در حالی است که شرکت‌های بزرگ اروپایی این روزها و یکی پس از دیگری به طور رسمی و غیر رسمی آماده ترک تهران پیش از بازگشت تحریم‌های یکجانبه آمریکا می‌شوند؛ خروجی که رئیس‌جمهور فرانسه به راحتی با گفتن این که شرکت‌ها بر اساس منافع خودشان تصمیم می‌گیرند در ایران بمانند یا نه، شانه از زیر بار مسئولیت جدید خالی می‌کند. این رفتار این هشدار را به دنبال دارد که این بار مراقب بزک کردن بسته‌های تضمین نشده اروپا برای منافع ملی باشیم.

انعکاس

تفاوت «چه کاره هستید» ایرانی با «چه کاره هستید» قذافی!

□ **اکبر معصومی/** تحلیل‌ها و ارزیابی‌ها نسبت به شروط ۱۲گانه وزیر خارجه آمریکا در قبال جمهوری اسلامی ایران همچنان ادامه دارد و از زوایای متفاوتی به این موضوع پرداخته می‌شود. نکته اساسی که در تحلیل‌ها و اظهارنظرها نسبت به سخنان مایک پمپئو وجود دارد این است که بیشتر آنها معتقدند، آمریکا به دنبال تغییر حکومت ایران است. در این میان دو دیدگاه درخصوص تلاش آمریکایی‌ها برای زمینگیر کردن جمهوری اسلامی ایران وجود دارد؛ دیدگاه اول این است که این سخنان بیشتر شبیه توهم است، تا واقعیت و در عمل امکان تحقق این شروط وجود ندارد تا جایی که بوریس جانسون وزیر خارجه انگلیس نیز اجرای آن شروط را «بسیار بسیار سخت» دانست و به نوعی غیر قابل اجرا خواند. عمده دیدگاه‌ها در کشورهای غربی در این حوزه قرار دارد. دیدگاه دوم که در قبال این اظهارات موضع گرفتند، برخی از سیاستمداران و فعالان شبکه‌های اجتماعی کشورهای حوزه خلیج‌فارس بودند. در واقع، این افراد به واکنش رئیس‌جمهور کشورمان اشاره کرده و مواضع آقای روحانی را در کنار اظهارات معمر قذافی رهبر لیبی در واکنش به دخالت آمریکایی‌ها در این کشور نشر دادند و از این طریق دیدگاه خود را نسبت به سخنان مایک پمپئو اعلام کردند. آنها با تطبیق موضع رئیس‌جمهور کشورمان با موضع قذافی در آن سال‌ها که خطاب به آمریکایی‌ها گفته بود؛ «شما چکاره هستید که برای ما تصمیم می‌گیرید؟» در مقایسه‌ای سعی کردند این طور القا کنند که آمریکا پیروز میدان این مواجهه خواهد بود. از این رو چند نکته را نباید از نظر دور داشت: ۱ـ جمهوری اسلامی ایران از حمایت همه‌جانبه مردم در جایگاه صاحبان اصلی انقلاب برخوردار است، در حالی که حکومت قذافی و حکومت‌های دیکتاتوری منطقه هیچ‌گاه پشتوانه مردمی نداشته‌اند و همواره متکی بر دلارهای نفتی و حمایت‌های غربی بوده‌اند. این تفاوت اساسی سبب شده که وضع تحریم‌ها و فشارهای ده‌ها برابری علیه جمهوری اسلامی ایران نسبت به لیبی هیچ وقت کارساز نشود و به شکست طرح‌های آمریکا در ایران بینجامد.

۲ـ ناتو و کشورهای غربی در سال ۲۰۱۱ در حالی توانستند قذافی را سرنگون کنند که او سال ۲۰۰۳ تمامی مراکز هسته‌ای خود را جمع‌آوری کرد و در سال ۲۰۰۴ نیز موشک‌های خود را در اختیار آمریکایی‌ها گذاشت و با اعتماد کامل به غرب، بلای جان حکومت خود شد. به بیان بهتر، غربی‌ها زمانی وی را ساقط کردند که او کاملاً دست خالی بود، در حالی که در اراده جمهوری اسلامی ایران هیچ‌گاه اعتماد به غرب وجود نداشته و نخواهد داشت؛ لذا آمریکا و متحدانش در قبال جمهوری اسلامی ایران توهم‌زده شده‌اند.

۳ـ خروج آمریکا از برجام سبب شد افکار عمومی جامعه بار دیگر شاهد عهدشکنی و سیاست‌های خصمانه آمریکایی‌ها باشد که درصدد برجام‌های جدید در موضوع توان موشکی و مسائل منطقه‌ای است؛ لذا در این زمینه تقویت قدرت دفاعی و اتکا به اقتصاد داخلی مورد توجه است. در حالی که قذافی بلافاصله پس از برچیدن برنامه‌های هسته‌ای خود، سراغ موشک‌های خود رفت و آن را نیز در جهت به دست آوردن اعتماد غربی‌ها از بین برد.

۴ـ قدرت فعلی آمریکا نسبت به دهه‌های پیش به شدت افت کرده است و دیگر نمی‌توان این کشور را کدخدای جهان نامید؛ ولو اینکه این کشور از سال ۲۰۱۱ تاکنون با صرف هزینه‌های هنگفت نتوانسته بحران سوریه را به نفع خود مدیریت کند و امروز محور مقاومت است که در این کشور و به تبع آن در غرب آسیا دست برتر را دارد. لذا این کشورهای حاشیه خلیج‌فارس هستند که به تبعیت از سیاست‌های آمریکا در قبال ایران بزرگ‌ترین بازنده خواهند بود و «چه کاره» ایرانی‌ها کاملاً متفاوت از «چه کاره» قذافی است.

بازشناسی انقلاب اسلامی

یعقوب توکلی، مورخ و پژوهشگر سیاسی می‌گوید: تاریخ معاصر ملت ایران ، مشحون از پیچیدگی‌ها و فراز و فرودهای فراوانی است که بازشناسی آنها فرصت، زمان و تحقیق و پژوهش بسیاری می‌طلبد. به همان میزان که انقلاب اسلامی به علت شرایط و بستر زمانی و اهمیت استراتژیک و باورهای دینی و تعارض نظام حاکم و قدرت‌های جهانی با آن، بسیار پیچیده و درهم آمیخته از گوناگونی‌های بسیار است، تاریخ نگاشته شده آن نیز گرفتار پیچیدگی و درهم آمیختگی ابهام، یکسویه‌نگری و نگارش براساس منافع جریان‌های گوناگون است.

سیاست‌نامه

بررسی اندیشه سیاسی صاحب جواهر ـ ۲

مؤلفه‌های اجتماعی و آثار علمی

□ **فتح الله پریشان /** «فقه» از کاربردی‌ترین بخش‌های علوم و معارف اسلامی است که متکفل ارائه راه‌حل و نسخه برای همه نیازها و تکالیف فرد مؤمن مکلف است. به تبع اهمیت علم فقه و موضوع آن، عالمان و حاملان آن، یعنی فقها نیز در جایگاه حافظان دین ارج و قرب داشته و همواره در صحنه‌های مبارزاتی شیعیان با استبداد داخلی و استعمار خارجی پیش‌قدم بوده‌اند؛ بر اساس این در زمینه نظریه‌پردازی درباره مهم‌ترین امور مربوط به انسان‌ها، یعنی مسائل حکومتی و سیاست‌ورزی آثاری از خود به‌جا گذاشته‌اند.

آیت‌الله محمدحسن نجفی معروف به «صاحب جواهر» (۱۲۶۶ ـ ۱۲۰۰ ق) یکی از فقهای برجسته شیعه است که در پرورش هندسه حکومت دینی با تئوری مرکزی ولایت فقیه در این حوزه صاحب نام است؛ به گونه‌ای که محسن کدیور در بررسی انتقادی که در «نظریه‌های دولت در فقه شیعه» دارد، صاحب جواهر را جزء مهم‌ترین فقهایی می‌داند که به تفصیل ولایت مطلقه فقیه را مورد بحث و فحص قرار داده است.[1] گفتنی است، پیش از وی و نراقی اساساً به زعم کدیور فصلی اختصاصی درباره ولایت فقیه در اندیشه سیاسی مسلمانان نمی‌توان یافت. این در حالی است که تبارشناسی مبحث ولایت فقیه نشان می‌دهد، می‌توان با اقتضائات و زبان‌های هر دوره زمانی در طول تاریخ حیات شیعه نشانه‌ای از اعتقاد به ولایت فقیه در اندیشه‌های پیشینیان یافت.

مهم‌ترین اثر فقهی محمدحسن نجفی به نام «جواهرالکلام فی شرح شرایع‌الاسلام» از محقق حلی که دایره‌المعارف فقه شیعه خوانده می‌شود، با هدف تنقیح و تبیین مسائل و تکالیف فقهی از جمله حکومت مطلوب شیعی در عصر غیبت امام معصوم(عج) مبتنی بر ولایت فقیه به رشته تحریر درآمده است.

شهید مطهری درباره وی می‌نویسد: «هیچ فقیهی خود را از جواهر بی‌نیاز نمی‌داند... سی سال تمام یک‌سره کار کرد تا چنین اثر عظیمی را به وجود آورد. این کتاب مظهر نبوغ، همت، استقامت، عشق و ایمان یک انسان به کار خویشتن است.»[2]

از شیخ‌مرتضی انصاری که خود از اعاظم مفاخر شیعه و مهم‌ترین شاگرد صاحب جواهر است، حکایت شده است، برای هر مجتهدی کتاب جواهر در فقه و وسائل در حدیث کفایت می‌کند.[3] این کتاب به همراه کتاب «نجاه‌العباد فی یوم‌المعاد» و حضور حداقل شصت مجتهد مسلم در درس صاحب جواهر از قوت علمی و عمق بینش اسلامی وی خبر می‌دهد. صاحب جواهر با این وسعت علمی، نبوغ فکری و تسلط فقهی معتقد است، کسی که در مسئله ولایت فقیه تردید کند، طعم فقه را نچشیده است.

در شناخت شخصیت صاحب جواهر افزون بر مرجعیت علمی، باید به زعامت امور اجتماعی وی نیز توجه داشت. با وجود انتقادها و حمله‌هایی که بر ضد موضع و مقام علمای شیعه صورت می‌گیرد، آنان هرگز از دعوی خویش مبنی بر اینکه نایبان عام و بحق ائمه شیعه هستند، دست برنداشتند. هرچند علمای شیعه این ادعا را حفظ کردند؛ اما در عمل قدرت و اختیار گسترده سیاسی به دست نیاوردند. این امر، معلول امور متعددی است که شایسته تحقیقی جداگانه است؛ به هر حال از زمان تسلط سلسله صفویه و گسترش مذهب تشیع در ایران، زمینه‌های اعمال اختیارات ـ حداقل در امور شرعی ـ برای فقها حاصل شد. این روند با محقق کرکی شتاب گرفت و در زمان شیخ محمدحسن نجفی گسترش یافت.[4]

موضوع مهم بعدی که می‌تواند بخشی از شاخصه‌های فکری صاحب جواهر را در منظر ما قرار دهد، نگاه به مسئله «نسبت بین دین و سیاست» در اندیشه سیاسی وی است. رابطه دین و سیاست به طور کلی از دو نظریه تفکیک و تداخل بیرون نیست. نظریه تفکیک سیاست از دین، منکر هرگونه ارتباط بین آن دو است و اساساً برای هدایت سیاست با توجه به رشد عقلانی بشر نیازی به دین نمی‌بیند؛ اما پیروان تداخل و عینیت دین و سیاست استدلال می‌کنند که اولاً، دین فقط به آخرت و امور فیما بین خدا و انسان توجه ندارد؛ بلکه بسیاری از احکام دینی متعلق به دنیاست. ثانیاً، اندیشه و عقل بشری به تنهایی برای اداره زندگی انسان‌ها کافی نیست؛ بلکه باید از وحی هم کمک گرفت. صاحب جواهر مانند بیشتر فقهای شیعه قائل به دخالت دین در سیاست است و به نظریه غایی بودن دین و ابزاری بودن سیاست معتقد است. اصولاً هر اندیشه اسلامی و فقیهی که قائل به نوعی حکومت دینی باشد، به طور خودکار به تداخل دین و سیاست و به قول مشهور شهید مدرس عینیت آن دو در هم معتقد است؛ به همین دلیل در آثار صاحب جواهر، از حکومت و امر ولایت فقیه و اجرای حدود به «السیاسات الدینیه» تعبیر شده است.

صاحب جواهر در کتاب خود می‌نویسد: «تمام اصحاب ما شیعه امامیه وحدت نظر دارند بر اینکه فقیه عادل امین که جمیع شرایط صدور فتوا را دارد و به اصطلاح به وی مجتهد در احکام شرعی گفته می‌شود، در زمان غیبت نائب و جانشین ائمه طاهرین(ع) می‌باشد. نیابت وی در کلیه مواردی است که نیابت از ائمه معصومین(ع) در آنها دخالت دارد.»[5]

پی‌نوشت‌ها:

۱ـ نظریه‌های دولت در فقه شیعه، محسن کدیور، ص ۱۱.
۲ـ مرتضی مطهری، خدمات متقابل اسلام و ایران، ص ۴۳۶.
۳ـ سیدمحسن امینی، اعیان‌الشیعه، ج ۹، ص۱۴۹.
۴ـ محسن مهاجرنیا، اندیشه سیاسی متفکران اسلامی، تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ج۲، ص۳۲۹، ۱۳۸۹.
۵ـ محمدحسن نجفی، جواهرالکلام، ج۲۱، ص۳۹۵.

کتابخوان

کتاب‌شناسی «کتاب‌شناسی‌های انقلاب اسلامی»

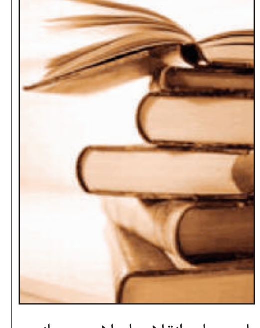

امسال، چهلمین سال پیروزی انقلاب اسلامی مردم ایران به رهبری امام خمینی(ره) است. انقلاب اسلامی درون‌مایه‌ها، مؤلفه‌ها و ظرفیت‌های فراوانی دارد که علاقه بسیاری از محققان و پژوهشگران داخلی و خارجی را با اهداف و مقاصد گوناگون برای تحلیل و ریشه‌یابی چیستی، چرایی و چگونگی آن برانگیخت تا مقالات و کتب متعدد را درباره انقلاب اسلامی به نگارش درآورند. فهرست این آثار بسیار زیاد است تا جایی که چندین مجموعه فرهنگی دست به تولید و انتشار کتاب‌شناسی‌های انقلاب اسلامی زده‌اند. ستون کتابخوان در این شماره کتاب‌شناسی «کتاب‌شناسی‌های انقلاب اسلامی ایران» را به مخاطبان علاقه‌مند ارائه می‌کند و تلاش خواهد کرد در هر شماره یکی از آثار معرفی شده در این کتاب‌شناسی‌ها را معرفی کند تا در پرتو مطالعه آنها با ابعاد و زوایای انقلاب اسلامی ایران و دیدگاه‌های متعدد درباره آن، که نشان از اهمیت انقلاب اسلامی دارد، آشنا شوند.

مهم‌ترین «کتاب‌شناسی»هایی که تاکنون درباره کتاب‌های انقلاب اسلامی ایران منتشر شده‌اند، عبارتند از: ۱ـ کتاب‌شناسی هنر و ادبیات انقلاب و جنگ/ یوسف‌راد؛ ۲ـ کتابنامه انقلاب اسلامی ایران/ کتابخانه آستان قدس رضوی/ ۱۳۶۱؛ ۳ـ کتابشناسی عمومی تاریخ سیاسی ایران/ تألیف علیرضا ازغندی/ کیهان/ ۱۳۶۵؛ ۴ـ کتاب‌شناسی انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ـ ۱۳۶۵ (جلد ۳)/ اداره کل مطبوعات و رسانه‌های خارجی/ وزارت ارشاد اسلامی/ ۱۳۶۶؛ ۵ـ کتاب‌شناسی ایران (فهرستی از مقالات و کتاب‌هایی که به زبان‌های اروپایی درباره ایران به چاپ رسیده است، ۷ جلد)/ تألیف ماهیار نوابی/ مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی/ ۱۳۶۶ـ۱۳۷۰؛ ۶ـ کتابنامه انقلاب اسلامی/ محمدحسن بکایی/ ۱۳۶۸؛ ۷ـ کتاب‌شناسی ۱۵ خرداد/ مرکز اسناد انقلاب اسلامی/ ۱۳۷۵؛ ۸ـ کتاب‌شناسی تاریخ ایران/ مهین‌دخت حافظ‌قرآنی/ سازمان اسناد و کتابخانه ملی/ ۱۳۷۵؛ ۹ـ کتاب‌شناسی انقلاب اسلامی/ پرویز سعادتی/ دفتر انقلاب/ ۱۳۷۷؛ ۱۰ـ کتاب‌شناسی انقلاب اسلامی در جهان (۱۳۵۷ـ ۱۳۷۶)/ علی‌اکبر مرتضایی‌فر و فاطمه امیرخانی/ سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی/ ۱۳۷۷؛ ۱۱ـ کتاب‌شناسی انقلاب ایران (۱۳۵۷ـ ۱۳۷۲)

جریان‌شناسی فکری ـ فرهنگی انجمن حجتیه ـ ۱۶

مواجهه انجمن حجتیه با پیروزی انقلاب اسلامی

صدری

پرورش

□ **عبدالله نوری‌گلجایی /** پیش از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، برخی گروه‌ها در لباس دین و مذهب در جامعه فعالیت داشتند؛ اما در مقابل طاغوت و ستمکاران زمان خویش سر تعظیم فرود آورده بودند و همواره برای تحقق اهداف حکومت جور قدم بر می‌داشتند. گاهی نیز قدم را از این فراتر نهاده، به شدت با افراد انقلابی و مبارزان با حکومت پهلوی مخالفت می‌کردند. انجمن حجتیه نیز از جمله این گروه‌ها بود که در مقابل نهضت امام خمینی(ره) ایستادگی و مخالفت می‌کرد و همواره این عمل خود را ناشی از جوهرهٔ فکری خویش می‌دانست و معتقد بود، در زمان غیبت امام عصر(عج) ورود به عرصهٔ سیاست اشتباه است و موجب لطمه‌زدن به دین می‌شود. به اعتقاد این گروه، فقط با معصوم(ع) می‌توان وارد این عرصه شد. افزون بر این، آنها به‌طور مبنایی با شیوهٔ مبارزاتی امام(ره) مشکل داشتند.[1]

چند ماه مانده به پیروزی ملت ایران، انجمن حجتیه که انقلاب اسلامی ایران را کاملاً محقق‌شده می‌دید، مبانی و اصول فکری خود دربارهٔ سیاست را کنار نهاد و از حمایت سلطنت پهلوی دست برداشت. در این راستا، شیخ‌محمود حلبی چند ماه پیش از انقلاب، در شهریور ۱۳۵۷ مواضع خود را دربارهٔ سیاست تغییر داد و با انقلاب همراه شد؛ تا جایی که در برخی سخنرانی‌های خود از ایستادگی مردم ایران در مقابل طاغوت به رهبری امام خمینی(ره) حمایت کرد. با وجود تأیید انقلاب اسلامی از سوی انجمن، باز هم پذیرفتن آرمان‌ها و اهداف انقلاب اسلامی برای این گروه آسان نبود و انجمن حجتیه در شرایط و حوادث گوناگون پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، عملکردی متفاوت داشت که در ادامه و طی چند شماره آتی به آن اشاره خواهد شد.

چنددستگی اعضای انجمن حجتیه

انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی(ره) طاغوت زمان خویش را به زباله‌دان تاریخ فرستاد و در عرصه‌های گوناگون، اسلام ناب محمدی را، که ماهیت اصیل انقلاب اسلامی است، به همگان معرفی کرد. بسیاری از نیروهای جوان و انقلابی که در گروه‌های متفاوت فعالیت داشتند و به‌نوعی از مسیر انقلاب اسلامی دور بودند، به صف جریان حامیان امام(ره) و انقلاب پیوستند که از جملهٔ آنان می‌توان بسیاری از اعضای انجمن حجتیه را نام برد؛ به گونه‌ای که این افراد به‌دلیل نداشتن شناخت صحیح از انقلاب اسلامی همراه انقلاب نبودند؛ اما با آشکار شدن ماهیت مبارزاتی حضرت امام(ره)، داوطلبانه به صف انقلاب پیوستند. این در حالی بود که برخی از این اعضا به ادلهٔ گوناگون، همچنان بر مواضع خود پافشاری می‌کردند. بر همین اساس، نیروهای تربیت‌شده در انجمن حجتیه به چند دسته تقسیم شدند و هر یک مسیر خود را از دیگری جدا کردند.

برخی مانند آقای پرورش، دکتر صادقی استاد دانشگاه الهیّات مشهد، عبدالکریمی استاد دانشگاه مشهد، مهندس مصحف و بسیاری دیگر به انقلاب پیوستند. از میان آنها، برخی جوانان چند سالی با انجمن همراه بودند، اما سرانجام به صف انقلابیون پیوستند. عده‌ای، مانند آقای طیب که مسئولیت برگزاری مراسم سخنرانی‌ها را در تهران برعهده داشت، نه فقط به انقلابیون پیوستند؛ بلکه در مقابل انجمن هم ایستاد.[2]

دستهٔ دوم در برابر انقلاب بی‌تفاوت ماندند. گروهی که در ظاهر متدین بودند و خود را مروج دین اسلام و مذهب تشیع می‌دانستند، با ظهور انقلاب اسلامی در مقابل ارزش‌های دین در عرصه‌های گوناگون سکوت کردند و شعار اسلام غیر از انقلاب را سر دادند. این گروه از افراد انجمن حجتیه اغلب از بازاریانی بودند که در ظاهر متدین بودند و در بسیاری از مراسم‌های دینی، هزینه‌های بسیاری را تقبّل می‌کردند؛ ولی با انقلاب اسلامی و نهضت ضد استبدادی امام خمینی(ره) که برضد رژیم پهلوی صورت گرفته بود، همراه نشدند و به‌نوعی ادعای بی‌طرفی کردند.[3]

دستهٔ سوم، از انقلاب انتقاد کردند و به صف مخالفان از نوع مذهبی پیوستند.[4] برخی افراد به دلایل گوناگون، ازجمله کسب منفعت‌های شخصی و همچنین نوعی دین‌داری در سایهٔ عافیت، نه‌تنها به جمع انقلابیون نپیوستند؛ بلکه به شدت از انقلاب انتقاد کردند و با مخالفان انقلاب همراه شدند. بیشتر این افراد از گروه مسئولان ارشد انجمن حجتیه بودند و در شمار گردانندگان انجمن قرار داشتند.[5]

مخالفان که بیشتر از گردانندگان و اعضای اصلی انجمن حجتیه بودند، در طول حیات فعالیت خود در انجمن حجتیه، وابستگی شدیدی به رژیم سابق داشتند و همکاری‌های متنوعی با ساواک انجام می‌دادند و با این کار مسیر حرکت انجمن را مدیریت می‌کردند و به دیگر اعضا خط می‌دادند. بر همین اساس، نه تنها با رژیم سابق مشکلی نداشتند، بلکه با روی کار آمدن هر رژیم دیگری به شدت مخالفت می‌کردند.

نگاه دوگانه به انجمن حجتیه

انجمن حجتیه که نهضت حضرت امام(ره) را مشروع نمی‌دانست، با مشاهده بارقه‌های پیروزی، تغییر رویکرد داد و از انقلاب اسلامی حمایت کرد. با تغییر موضع انجمن، بسیاری از انقلابیون که از عقاید و عملکرد انجمن، در سال‌های پیش از انقلاب اسلامی آگاهی داشتند، از این تغییر موضع استقبال نکردند. افزودن متمم به اساسنامهٔ انجمن نیز موجب تغییر نگرش آنان به انجمن حجتیه نشد؛ زیرا انجمن حجتیه با مطرح‌کردن موضوعاتی، مانند اسلام فقاهتی و نه اسلام ولایتی و بر پایهٔ ولایت فقیه، عملاً سعی در تضعیف نظریهٔ انقلاب اسلامی داشت؛ به گونه‌ای که می‌کوشیدند انقلاب را از درون متزلزل کنند.[6]

به این دلیل، اعضای انجمن حجتیه به نوعی خطرناک معرفی و برای جلوگیری از نفوذ آنان در مراکز و پست‌های گوناگون دولتی، تبلیغات گسترده‌ای علیه آنان آغاز شد. این اعتراضات که بیشتر در پوشش دفاع از انقلاب صورت می‌گرفت، به مرور به حذف شمار فراوانی از چهره‌های مذهبی با سابقه منجر شد. به تبع، برخی سوابق برخوردهای منفی رهبران انجمن با جریان انقلاب، تجربه‌ای برای موضع‌گیری بر ضد آنان شد. این در حالی بود که بسیاری از اعضای انجمن حجتیه سال‌ها پیش از انقلاب اسلامی، از این انجمن جدا شده و افرادی بسیار متعهد و انقلابی بودند. اگرچه افرادی مانند مرحوم علی‌اکبر پرورش، مهندس مصحف و دکتر صادقی که سال‌ها پیش از انقلاب به صف انقلابیون پیوستند،[7] ولی آنها نیز در شرایط و مواقع گوناگون، با اتهام‌زنی روبه‌رو شدند، به گونه‌ای که عده‌ای با برچسب‌زنی، سعی در خارج کردن آنها از صف انقلابیون خط امام(ره) داشتند. عباس سلیمی‌نمین در این‌باره چنین می‌گوید: «در مورد برخوردهای پس از انقلاب با عناصر انجمن حجتیه نیز باید تفکیکی انجام دهیم... اکثر عناصر لایهٔ سوم و پایینی انجمن حجتیه افراد متعهد، متدین و حتی مخالف رژیم بودند که توسط لایه‌های بالایی با توجیهات دینی، اغفال شده بودند. بسیاری از این عناصر، از سال‌ها قبل از پیروزی انقلاب به‌تدریج از انجمن جدا شده و به جریان مبارزه و نهضت امام خمینی(ره) پیوستند. طبعاً این عده به خوبی قابل جذب در جریان انقلاب بودند، اما متأسفانه صرفِ داشتن سابقهٔ فعالیت در انجمن حجتیه موجب شد تا در اوایل انقلاب با بسیاری از این عناصر برخوردهای تند و افراطی صورت بگیرد. به نظر من با این قشر می‌بایست یک برخورد جذبی صورت می‌گرفت.»[8]

بنابراین، با نگاه واقع‌بینانه، با تفکیک نیروهایی که پس از انقلاب همچنان با انجمن حجتیه همکاری داشتند و افرادی که از این انجمن جدا شده بودند و به صف انقلابیون پیوسته بودند، فرصتی دست می‌داد تا از آنان برای خدمت به انقلاب و نظام اسلامی به بهترین شکل بهره گرفته شود. همان‌گونه که رهبر معظم انقلاب فرمودند: «در میان افرادی که در انجمن هستند، عناصری انقلابی، مؤمن، صادق، دلسوز برای انقلاب، مؤمن به امام و ولایت فقیه و در خدمت کشور و جمهوری اسلامی پیدا می‌شود، همچنان که افراد منفی، بدبین، کج‌فهم، بی‌اعتقاد و درحال نق‌زدن و اعتراض هم پیدا می‌شود.»[9]

پی‌نوشت‌ها:

ـ سیدضیاءالدین علیانسب و سلمان علوی‌نیک، جریان‌شناسی انجمن حجتیه ـ قم ـ وثوق ـ ص ۱۶.
۲ـ سخنرانی شهید هاشمی‌نژاد در اواسط سال ۱۳۶۰.
۳ـ همان.
۴ـ رسول جعفریان، جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی ـ سیاسی ایران، ص ۴۶۱.
۵ـ سخنرانی شهید هاشمی‌نژاد در اواسط سال، ۱۳۶۰.
۶ـ محمود صدری (استاد جامعه‌شناسی دانشگاه تگزاس و عضو پیشین انجمن حجتیه، با عنوان «انجمن حجتیه پس‌از انقلاب»، برنامهٔ گفت‌وگومحور «افق» تلویزیون فارسی صدای آمریکا VOA، ۱۰ بهمن ۱۳۹۲.
۷ـ رسول جعفریان، جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی ـ سیاسی ایران، همان، ص ۴۶۱.
۸ ـ مصاحبه با عباس سلیمی‌نمین، «گذشته و حال انجمن حجتیه»، باشگاه اندیشه، دسترسی در: www.bashgah.net، ۱۳۹۲/۴/۶.
۹ـ سیدضیاءالدین علیانسب و سلمان علوی‌نیک، همان، ص ۱۸۸.

آفاق

تحلیلی بر نسل نوین جنگ نرم علیه انقلاب اسلامی ـ قسمت یکصدوپنجم

نظریه‌های جامعه‌شناختی تئوریسین‌های سیا در جنگ نرم

شارپ

□ **دکتر سیامک باقری‌چوکامی /** در دوران جنگ سرد سازمان سیا برای مقابله با نفوذ کمونیسم و بلوک شرق نظریه‌پردازان زیادی را به استخدام درآورده بود. در دوران پساجنگ سرد نیز شاهد نظریه‌پردازانی هستیم که برای برداشتن موانع پیش روی سلطه نوین پساجنگ سرد ایالات متحده آمریکا در خدمت سیا هستند. جین شارپ و رابرت هِلوی از جمله آنها به شمار می‌آیند.

روش‌های دفاعی از طریق نافرمانی مدنی

دکتر جین شارپ، پایه‌گذار مؤسسه آلبرت انیشتین، از سال ۱۹۸۷، با حمایت دولت آمریکا از او، سمینارهایی را تحت عنوان «روش‌های دفاعی از طریق نافرمانی مدنی» برگزار کرد. یکی از اهداف این سمینار، گسترش اندیشه تغییرات غیرخشونت‌آمیز در کشورهایی بود که حکومت‌های ناسازگار با ایالات متحده داشتند. هلوی افسر عملیاتی سیا است که اقدامات پنهان و براندازانه آمریکا را در نقاط مختلف جهان، از جمله در رانگون هدایت کرده است. «جک دووال» و «پیتر آکرمن» دو نفر از شاگردان «جین شارپ»، مرکز بین‌المللی مبارزه غیرخشونت‌آمیز را راه‌اندازی کردند.

دال مرکزی و اصلی این دست از نظریه‌پردازان جنگ نرم، منابع قدرت دولت‌ها است. به اعتقاد اینها، در صورتی که مبادی، منابع و محافظ قدرت سیاسی تضعیف یا از سیستم جدا شود، امید به تغییر سیاسی نرم و بدون خشونت افزایش خواهد یافت. چنانکه شارپ در نظریه مبارزه غیر خشونت‌آمیز خود می‌نویسد: «قدرت سیاسی را می‌توان تا حد بسیار زیادی در منبع و منشأ خود کنترل کرد.» (شارپ، ۱۳۸۹، ص۶۲) وی منابع قدرت سیاسی را عواملی چون؛ مقبولیت (باور عمومی نسبت به حقانیت حکومت و حکومتگران)، منابع انسانی (طیف و گسترهٔ افرادی که از حکومت حمایت می‌کنند و پایگاه اجتماعی آن را تشکیل می‌دهند)، مهارت و دانش (تخصص‌های مورد نیاز برای ادارهٔ جامعه و کشور)، عوامل روانی و تبلیغاتی (ایده‌آل‌ها و آرمان‌های مورد قبول جامعه، روحیه و مانند اینها)، منابع مادی (دسترسی حکومت به دارایی‌ها، منابع طبیعی، مالی، اقتصادی، صنعتی، ارتباطی و غیره) و اهرم ارعاب و تنبیه تشکیل می‌دهند. (حسینی، ص ۹۵)

تا زمانی که «تکیه‌گاه‌های قدرت رژیم، ضعیف، تخریب، یا خنثی نشده‌اند، امید بسیار کمی به تغییر و اصلاحات سیاسی وجود دارد.»(شارپ و هلوی، ، ۱۳۸۶، ص ۳۲)

راهبردهایی که نظریه‌پردازان سیا مانند شارپ برای پیروزی جنگ نرم تدوین کرده‌اند، فرآیند دریغ کردن منابع قدرت از حکومت است که از این طریق حکومت را ناتوان، فلج و تا حدّ فروپاشی جلوه دهند. شارپ معتقد است پیروزی در نبرد نرم مدنی، زمانی رخ می‌دهد که تکیه‌گاه‌های قدرت سیاسی، فرو بپاشند. برای به زانو درآوردن قدرت مستقر، چهار قدم اصلی زیر باید برداشته شود:

۱ـ لازم است اراده، اعتمادبه‌نفس و مهارت‌های مربوط به مقاومت در مردم تحت ستم تقویت شود؛

۲ـ لازم است گروه‌های اجتماعی مستقل و سازمان‌های ویژه مردم تحت ستم ایجاد و تقویت شود؛

۳ـ لازم است نیروی داخلی قدرتمندی ایجاد شود؛

۴ـ لازم است طرح استراتژیک خردمندانه‌ای برای کسب آزادی طراحی شده، با مهارت اجرا شود.

مدیریت و سلب منابع قدرت از حکومت

رابرت هِلوی مانند جین شارپ مبنای نظریه خود را بر این موضوع قرار داد که اگر منابع قدرت رژیم را بدون خشونت سلب کنیم، رژیم مفروض فرو خواهد پاشید. وی که در کتابی با عنوان «مبارزه عاری از خشونت» بخشی از دستورالعمل‌های استاد خود (شارپ) را تبیین کرده، تصریح می‌کند، برای جلوگیری از اراده جمعی مبارزه با نظام باید این منابع را مدیریت و به نفع خود اداره کرد از نظر وی اولین منبع قدرت، اقتدار مبتنی بر مشروعیت است که به وسیله مردم به وجود می‌آید. در واقع، مشروعیت یا حقیقتی است که مردم به آن رأی داده‌اند، یا کاذب است که در آن رژیم برای خود ایجاد کرده است. اگر بتوان مشروعیت را از رژیم‌ها گرفت، رژیم و نظام آماده آسیب‌پذیری خواهد بود. اگر مشروعیت کاذب باشد و پایگاه فردی نداشته باشد، گرفتن مشروعیت از نظام راحت‌تر است. براساس این نظریه تنها راه پیروزی در جنگ نرم و فروپاشی رژیم سیاسی جداسازی مردم از حکومت و گرفتن پایگاه اجتماعی آن است.

دومین منبع قدرتی که رابرت هلوی از آن نام برده، منابع انسانی است که می‌توان با خدشه‌دار کردن این منبع نظام سیاسی را آسیب‌پذیر کرد. به بیان روشن‌تر، هر نظامی حامیانی دارد و متکی به منابع انسانی است. اگر بتوان آنها را از نظام جدا کرد، نظام سیاسی دوام پیدا نخواهد کرد.

منبع سوم قدرت از نظر هلوی مهارت‌ها و دانش‌هاست، به این معنا که هر نظام متکی به تخصص، علم و مهارت‌هایی است که در اختیار نخبگان آن قرار دارد و چرخ حکومت با تکیه بر تخصص نخبگان می‌چرخد. در صورتی که نخبگان، خواص، متخصصان، صنعتگران، صاحبان حرفه و دانش، نظام را از مهارت‌های خود محروم کنند، نظام آماده آسیب‌پذیری خواهد شد. پیشنهاد هلوی این است که این موضوع می‌تواند از طریق اعتصابات، تحصن‌ها و نافرمانی‌های مدنی دنبال شود.

منبع چهارم تحریم‌ها است که در آن نظام با توجه به قدرت و ابزاری که در اختیار دارد مثل زندان، نیروهای مسلح، نظامی و انتظامی می‌تواند مخالفان خود را تحریم کرده و برای آنها محرومیت‌هایی همچون سانسور ایجاد کنند.

منبع پنجم عوامل پنهان هستند. منظور از عوامل پنهان، اعتقاد قلبی مردم به حقانیت نظام است. به عبارت دیگر، علقه‌های معنوی و عاطفی میان مردم با نظام ریسمان پرقدرت پایداری نظام محسوب می‌شود، تا زمانی که نتوان این ارتباط معنوی بین مردم و نظام را قطع کرد، آسیب جدی به نظام وارد نمی‌شود.

منبع ششم، منابع مادی قدرت هستند. در این راستا، نیروهای مسلح جایگاه خاصی در نظریه هلوی دارند. رابرت هلوی درباره نقش نیروهای مسلح معتقد است: «استفاده از نیروی نظامی برای ماندن در قدرت برگ برنده‌ای در دست حکومت است که ممکن است با قوت یافتن مبارزه عاری از خشونت، توسط دولت به مقابله فرستاده شود، این در حالی است که در هیچ حالتی خشونت ارتش به نفع جنبش نیست.» بر همین اساس وی معتقد است زمانی که عناصر حامی اصلی به اندازه کافی سست شوند، دولت یا گروه‌های مخالف فرو خواهند ریخت، همان‌گونه که با سست شدن پی‌های یک ساختمان، دیوارهای ساختمان فرو می‌ریزند؛ زیرا این نیروها توانایی دولت را در حکومت کردن فراهم می‌کنند و غالب رژیم‌ها برای حمایت شدن پیش از هر انتخابات دیگر به این عناصر حامی متوسل می‌شوند.(هلوی،۱۳۸۹، ص۳۷ـ ۳۴)

در مجموع، فروپاشی از درون و اینکه بتوان نظام را از درون خالی کرده و هویت را از آن گرفت، مباحث مورد اشاره رابرت هلوی است.

نظریه‌های فوق عموماً در بسترهای انتخاباتی به منزله بهترین فرصت سیاسی مورد آزمون قرار گرفته‌اند. ماهیت نظریه‌های جین شارپ و شاگردان وی نشان می‌دهد که با تولید زمینه‌ها و ذهنیت‌های منفی و وجود هر نوع کارکرد منفی در سیستم که با موضوع افکار عمومی ارتباط داشته باشد، می‌توان به تولید اعتراض مدنی علیه دولت مبادرت ورزید. طراحان الگوی مبارزه مدنی معتقدند، جمهوری اسلامی ایران از بسترهای مناسبی برای استفاده از این روش برخوردار است؛ وجود سازوکارهای مردم‌سالاری، سازمان‌های غیر دولتی گسترده، رسانه‌های مختلف و متفاوت، نظام انتخاباتی و نقش و قدرت مردم در نظام سیاسی از جمله ظرفیت‌های مناسب در این راستا است.

ریزش‌ها

سفر عبرت

□ **شهاب زمانی /** تاریخ ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی، مدعیانی به خود دیده است که تمام حیثیت و آبروی خود را وامدار انقلاب و بنیانگذار نظام اسلامی امام خمینی(ره) بوده‌اند، اما هر یک به دلیل و بهانه‌ای از آرمان انقلاب برگشته‌اند؛ یا در میان راه بالنده انقلاب به دلیل ضعف باور به راه انقلاب جا مانده، یا حتی به ضد انقلاب تبدیل شده‌اند. اینها به تعبیری ریزش‌های انقلاب اسلامی هستند. در بررسی مبحث ریزش‌ها که از صدر اسلام تاکنون منحنی آن با فراز و فرودهایی همراه بوده و به نوعی سنتی لاینقطع است، سؤال از چرایی ریزش مهم‌تر از چیستی و کیستی آن است.

باید چشم سر را بست و چشم بصر را گشود و فراتر از سفر تاریخی به سفر عبرت رفت و دید که چه بزرگانی در بدر و احد با پیامبر(ص) بودند، ولی در ماجرای جیش اسامه مردود شدند، چه خیبریانی که در ثقیفه بنی‌ساعده باور از کف دادند و در انحراف ولایت از مجرای نبوت نقش بازی کردند و چه رزمندگان و فرماندهانی در صفین در رکاب علی(ع) بودند، اما چند صباحی بعد بر سینه فرزند علی نشستند. این روند در انقلاب اسلامی نیز به گونه‌ای دیگر خود را بازنمایی می‌کند؛ انسان‌های پاکباخته‌ای که روزی در پرتو راه گشوده از سوی امام خمینی(ره) در مقابل دژخیم طاغوت ایستاده بودند، امروز در زمانه جانشین خلف امام(ره) مقابل حق و راه امام ایستاده‌اند و با قرائت انحرافی از ایشان، راه خود را راه امام می‌دانند. به عبارت دیگر، ابتلا و آزمون انقلابی‌گری پایانی ندارد و به فرموده امام(ره) «میزان حال فعلی افراد است».

بررسی احوالات شخصی و زمینه‌های تربیتی و محیطی بریده‌ها و ریزش‌های انقلاب اسلامی نشان می‌دهد مجموعه‌ای از علل و عوامل نظیر؛ حسادت و خودمحوری، بداندیشی نظری و عملی، التقاطی‌گری، عقده‌گشایی، شهوت شهرت، فرقه‌گرایی و خویشاوندسالاری، ساده‌لوحی، زودباوری و قرار گرفتن در تشکیلات حزبی و گروهکی که تعیین‌کننده خط‌مشی برای این افراد بوده‌اند و... تاکنون بسیاری از یاران و همراهان و حامیان امام، انقلاب و رهبری را به مخالفان، منتقدان و حتی معاندان و ضد انقلاب‌های هتاک و بی‌پروای نظام اسلامی تبدیل کرده است. ناتوانی در درک صحیح موقعیت زمانی و مکانی و هوشمندی دشمنان در پهن کردن تور انحراف و گستراندن دام نفوذ برای جلب یاران خاص انقلاب از دیگر عوامل مهم شکست انقلابی‌ها بوده است.

البته، انقلاب اسلامی در حال پیمودن مسیر خود است و زنده و با نشاط در مسیر حق‌گرایی و عدالت‌خواهی و آرمان‌های امام و امت بالنده در حال حرکت است و شاخصه‌های آن برای رویش‌های جدیدتر چشم‌نوازتر است، اما باید به اندک ریزش‌ها نیز فکر کرد و عبرت گرفت. در ریزش‌ها افتخاری نیست، ولی اعتبار هست؛ اعتبار برای انتخاب درست در میانه دوراهی‌ها.

در نگارش این ستون که به مناسبت چهل سالگی انقلاب اسلامی تا پایان سال ادامه خواهد داشت، تلاش بر این است از بسیاری نقل‌قول‌ها و اسناد بی‌اعتبار یا مشکوک که سبب وارد آمدن خدشه بی‌اساس به چهره و شخصیت افراد می‌شود، پرهیز شود و بدون نگاه ارزشی، جناحی و تسویه حساب سیاسی به بازخوانی راه افرادی بنشینیم که در انقلاب اسلامی سهمی داشتند، ولی از راه بازگشتند، یا در نیمه راه جا ماندند و یا به ضد انقلاب اسلامی مبدل شدند. اولین شماره از این ستون را با نقبی تاریخی ـ تحلیلی به زندگی سیاسی «مهدی بازرگان» رئیس منتخب دولت موقت از سوی شورای انقلاب می‌پردازیم.

در شماره آینده به سیر فراز و فرود مهندس بازرگان و زاویه‌های اختلاف وی با انقلاب اسلامی و انقلابیون خواهیم پرداخت.

نماد تکلیف‌گرایی

نقطه اساسی کار امام(ره)، این بود که در اراده الهی و تکلیف شرعی محو می‌شد. هیچ چیز برایش غیر از انجام تکلیف، مطرح نبود. واقعاً او مصداق ایمان و عمل صالح بود. ایمانش به استحکام کوه‌ها می‌مانست و عمل صالحش با خستگی‌ناپذیری باورنکردنی توأم بود. آن‌چنان در تداوم عمل صبور و کوشا بود که انسان را دچار حیرت می‌کرد. به همین خاطر، هدف‌های بزرگ قابل وصول شد و دست یافتن به قله‌ها امکان‌پذیر گردید. (امام خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۳/۱۶)

درنگ

افتخاربرانگیز

مپنا (مدیریت پروژه‌های نیروگاهی ایران) یک شرکت صنعتی و بنگاه اقتصادی است که به همراه ۳۹ شرکت زیرمجموعه خود، در حوزه صنایع نیروگاه برق، نفت و گاز و ترابری ریلی به صورت پیمانکار اجرایی و سرمایه‌گذاری خصوصی فعالیت می‌کند. از آغاز تأسیس این شرکت در سال ۱۳۷۱، گروه مپنا اجرای حدود ۱۰۰ پروژه به ارزش بیش از ۳۰ میلیارد یورو را تا ابتدای سال گذشته(۱۳۹۶) در کارنامه خود ثبت کرده و افزون بر آن ۶۰ محصول گوناگون و ۸۵ نوع خدمات متفاوت را به مشتریان خود عرضه کرده است؛ برای نمونه، این شرکت ۸۵ درصد از ظرفیت نصب شده شبکه برق کشور با بیش از ۵۶۰۰۰ مگاوات و به ارزش قراردادی بالغ بر ۳۰ میلیارد دلار را مهندسی، تأمین تجهیزات، احداث، سرمایه‌گذاری و اجرا کرده یا در دست اقدام دارد.

گروه صنعتی مپنا نمونه بارز «اقتصاد مقاومتی» و نماد «خودباوری» و «افتخار ملی» به شمار می‌آید. امروز پیچیده‌ترین و به روزترین تجهیزاتی که در جهان در انحصار کشورهای محدودی است، در مپنا تولید می‌شود.

پیام مهمی که مپنا به داخل و خارج از کشور رسانده، این است که جمهوری اسلامی ایران قادر است در همه شرایط با بومی‌سازی دانش فنی و توان داخلی به رشد و شکوفایی برسد و با صادرات محصولات در بازارهای بین‌المللی، ایران را کشوری توسعه‌یافته معرفی کند.

رهبر معظم انقلاب اسلامی چند سال پیش در بازدید از گروه صنعتی مپنا فرمودند: «امروز این مجموعه «مپنا» یک مجموعه افتخاربرانگیز است؛ یعنی مایه مباهات است؛ هم مباهات کشور به شماها، هم مباهات خود شما که توانسته‌اید این توانایی را به وجود بیاورید و به رخ دوست و دشمن بکشانید؛ باید مباهات کنید. همه‌تان، در هر کجا که هستید؛ کارگران و مدیران و مسئولان و طرّاحان و برنامه‌ریزان و بخش‌های مختلف، باید افتخار کنید که در ایجاد این نتیجه زیبا و افتخارآمیز سهیم بوده‌اید.»(۱۳۹۳/۲/۱۰)

تاریخ حماسه

فتحِ مبین

□ **حمیدرضا میری/** عملیات «فتح‌المبین» را باید یکی از موفقیت‌آمیزترین عملیات‌های دوران دفاع مقدس دانست. رهبر معظم انقلاب اسلامی(مدظله‌العالی) در مراسم اعطای نشان فتح به تعدادی از فرماندهان عملیات فتح‌المبین به اهمیت این عملیات در آن مقطع حساس تاریخی دفاع مقدس اشاره کردند و چنین فرمودند: «وقتی نیروهای متجاوز، مرزهای ما را شکستند و وارد شدند و ما هزاران کیلومتر مربع از میهن عزیزمان را زیر پای بیگانگان دیدیم، دشمنان ما شاد شدند. این نظریه که انقلاب و تشکیلات مردمی عظیمی که در برابر نظم سلطه جهانی ایستاده، جدی و عمیق نیست، در ذهن دشمنان این انقلاب نیرو گرفت و آنها را امیدوار کرد و باز ما این امید را در حرف‌ها و قیافه‌گرفتن‌ها و اظهارات و مکاتبات و رفت‌وآمدهای‌شان دیدیم؛ اما وقتی «فتح‌المبین» اتفاق افتاد و در چند روز، یک پیروزی بزرگ در آن صحنه به آن عظمت، به دست نیروهای همین ملت، به دست نیروهای مسلح همین کشور، به دست وفاداران صمیمی انقلاب- یعنی شماها- پدید آمد، ارکان تفکر استکباری دنیا متزلزل شد.» (۱۳۶۹/۳/۳)

تأثیرات سیاسی- نظامی عملیات فتح‌المبین به ویژه در سطح منطقه‌ای و بر تصمیم‌گیری‌های بعدی عراق، کلیه معادلات و محاسبات از پیش تعیین شده دشمن را به هم ریخت. تأثیرات منطقه‌ای آن به حدی بود که رئیس استخبارات عراق- که چند سال پس از جنگ و در دوران حاکمیت صدام به اروپا پناهنده شد- در کتاب خود اعتراف می‌کند: «بزرگ‌ترین عملیاتی که کمر ارتش عراق را شکست، عملیات فتح‌المبین بود.» وی تأکید می‌کند: «این عملیات از نظر فیزیکی از چنان گستردگی برخوردار بود که به ارتش عراق ضربه سنگینی وارد شد و دیگر قادر به ایستادگی نبود.»

تعداد زیاد اسرای دشمن و غنایمی که به دست آمد، نشان‌دهنده میزان موفقیت عملیات، استیصال و انهدام دشمن و برتری نظامی ایران بود.

کارنامه

احقاق حقوق اقوام ایرانی

چهل سالگی

□ **اکبر ادراکی/** سرزمین ایران عرصه زندگی مسالمت‌آمیز اقوام گوناگون، اعم از کردها، بلوچ‌ها، آذری‌ها، عرب‌ها، ترکمن‌ها و لرها و... است که سالیان سال در کنار یکدیگر زندگی کرده‌اند؛ اما گاهی اختلاف‌افکنی، فرصت‌طلبی و کینه‌توزی موجب تنش و درگیری میان آنان شده است! در این میان، حکومت‌های گوناگون نیز متناسب با منافع‌شان سیاست‌های متفاوتی را طرح‌ریزی و اجرا کرده‌اند.

مسئله مواجهه با اقوام ایرانی به طور خاص از دوران حاکمیت رژیم پهلوی با معضلات جدی مواجه شد. رضاخان از همان ابتدای سلطنت به واسطه سناریوی اربابان بیگانه در جهت یکسان‌سازی فرهنگ و زبان اقوام ایرانی گام برداشت؛ سیاستی که با هدف مدرن‌سازی (بخوانید غربی‌سازی!) جامعه ایرانی دنبال می‌شد.

وی همچنین در جهت یکسان‌سازی لباس و پوشاک ایرانیان دستور استفاده از کلاه پهلوی و ممنوعیت پوشش‌های مرسوم آن زمان را داد؛ چرا که می‌خواست سراسر ایران را با وجود قومیت‌ها و فرهنگ‌های متفاوت به صورت اجباری به شکل واحد درآورد. وی با حمایت روشنفکرانی، چون آقاخان کرمانی، آخوندزاده و طالبوف سعی کرد همه هویت‌های غیر فارس ساکن در مناطق گوناگون را محو و نابود کند یا به سود هویت تعریف شده جدید تغییر دهد.

در این زمینه و به منظور یکسان‌سازی هویتی، فرهنگستان زبان فارسی با هدف احیای زبان فارسی و بسط و گسترش آن در مناطق غیر فارس تشکیل شد که به تبع آن این زبان در سراسر مناطق ایران رسمیت یافت و اقوام و ملل غیر فارس از تکلم و تحصیل به زبان خود محروم شدند! رضاخان همچنین نابودی فرهنگ و زبان بومی و محلی هر منطقه را در دستور کار خود داشت و به طور جدی سیاست‌های سرکوب‌گرانه‌اش را در این زمینه پیگیری می‌کرد. تعیین مجازات برای متکلمان زبان‌های محلی در ادارات و مدارس، دادن طرح‌هایی درباره تغییر اجباری زبان کودکان در نواحی گوناگون ایران، برخورد قهرآمیز با شاعران، نویسندگان و هنرمندان محلی، از جمله اقداماتی به شمار می‌آید که موجب نفرت توده مردم از اقدامات شاه پهلوی شد و زمینه را برای نارضایتی و واگرایی فراهم کرد.

محمدرضا نیز پس از به تخت رسیدن و تاج‌گذاری در مقام شخص اول ایران سیاست‌های پدر را دنبال کرد و یکسان‌سازی فرهنگی و زبانی را در سراسر ایران به طور جدی پیگیر شد.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی هرچند برای مدتی تکثر قومی به عاملی برای بهره‌برداری بیگانگان و جریان‌های فرصت‌طلب سیاسی تبدیل شد و شاهد حرکت‌های تجزیه‌طلبانه در چند استان کشور بودیم، اما جریان انقلابی تلاش کرد در تدوین قانون اساسی، اقوام اصیل ایرانی را به رسمیت شناخته و محدودیت‌های استبدادی گذشته را مرتفع کند.

روح حاکم بر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، بیان‌کننده پذیرش راهبرد برادری و وحدت اقوام ایرانی است. در این راهبرد، ضمن تأکید بر اشتراکات فرهنگی همه ایرانیان، اعم از فارس، کرد، ترک، بلوچ، لر، ترکمن و... امکان تکثر خرده‌فرهنگ‌های گوناگون و اقوام در چارچوب مشترک مجاز و تنوع قومی و فرهنگی به رسمیت شناخته شده است. از آنجا که انسجام ملی در سایه همزیستی اقوام حاصل می‌شود، تلاش شده است محتوا و شکل سیاست‌های قومی به گونه‌ای طراحی شود که در تعارض با اصل انسجام ملی قرار نگیرد؛ در عین حال، ضمن حفظ خرده‌فرهنگ‌ها و تفاوت‌های قومی، شرایط و قواعد لازم برای حفظ و برابری گروه‌های قومی پیش‌بینی و حقوق آنان تأمین شود؛ از این رو در کنار راهبرد وحدت، سیاست همگرایی قومی نیز اتخاذ شد.

دو اصل ۱۵و ۱۹ قانون اساسی، صریح‌ترین و مهم‌ترین اصولی هستند که جهت‌گیری کلی نظام و قانون اساسی را، که مبتنی بر راهبرد وحدت و سیاست همگرایی قومی است، به خوبی نشان می‌دهند. در اصل ۱۵ قانون اساسی، ضمن به رسمیت شناختن تنوع قومی در کشور، بر امکان استفاده از زبان‌های محلی و قومی در مطبوعات، رسانه‌های گروهی و تدریس ادبیات قومی در مدارس در کنار زبان فارسی تأکید و تصریح شده است. این اصل پس از اعلام و تعیین زبان رسمی و ذکر این مطلب که «اسناد و مکاتبات رسمی و اداری و متون رسمی و کتب درسی باید با خط و زبان فارسی باشد»، آزادی‌های متنوعی را برای استفاده از زبان‌های محلی و قومی ذکر می‌کند که عبارتند از: آزادی به‌کارگیری این زبان‌ها در مطبوعات و رسانه‌های گروهی و تدریس زبان و ادبیات قومی در مدارس در کنار زبان فارسی.

در اصل ۱۹ قانون اساسی آمده است: «مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد بود.»

رهبران نظام اسلامی نیز به طور خاص درباره حقوق قومیت‌ها سخن گفته و از تحقق کامل آن حقوق دفاع کرده‌اند. به طور ویژه، تلاش حضرت امام خمینی(ره) مبتنی بر رفع محرومیت از گروه‌های قومی و جایگزین کردن رویکرد نوین در مدیریت سیاسی اقوام بود. امام(ره) با بهره‌گیری از آموزه‌های توحیدی قرآن و سیره پیامبر اکرم(ص) و ائمه معصوم(ع) و با درک عمیق مقتضیات زمان و مکان در مقام مجتهدی بصیر و سیاستمداری جامعه‌شناس همه ساکنان سرزمین ایران را فارغ از دین، مذهب، قومیت و زبان، شهروندان و اهالی ایران می‌دانستند. ایشان درباره تنوعات اجتماعی، قومی، مذهبی و دینی می‌فرمودند: «از برکات این نهضت یکی این است که طوایف مختلف را زیر یک سقف و توی یک اطاق کوچک جمع کرده است. کرد، عرب، عجم همه برادرها را در یکجا جمع کرده است.» امام(ره) همچنین تصریح کردند: «ما با اهل تسنن یکی هستیم، واحد هستیم، مسلمان و برادر هستیم، شیعه و سنی اصلاً در کار نیست. ما همه با هم برادریم.»

همین سیاست و تدبیر از سوی رهبر معظم انقلاب اسلامی نیز دنبال شد. نگاه معظم‌له به موضوع مذکور را می‌توان در این کلام ایشان دنبال کرد که در دیدار استادان و دانشجویان کردستان فرمودند: «اقوام ایرانی یک فرصتند. ما اگر اقوام ایرانی را در میدان رقابت مسابقه‌آمیز به سمت خیرات بیندازیم، بسیار کار خوب و درستی انجام گرفته است. هر قومی از اقوام ایرانی سعی کند با همان روحیه قومی، در جهت پیشرفت ملی- نه صرفاً پیشرفت قومی- گام‌های بلندتری بردارد.» (۱۳۸۸/۲/۲۷)

تلاش برای تمرکززدایی، محرومیت‌زدایی از سرزمین‌های قومی، گسترش رسانه‌های محلی، راه‌اندازی شبکه‌های رادیو- تلویزیونی محلی، انتشار روزافزون کتاب‌های گوناگون به زبان‌ها و گویش‌های اقوام ایرانی، وجود مراکز آموزش عالی متعدد در استان‌های کشور، راه‌اندازی مؤسسات تحقیقاتی و فعالیت دانشجویان و دانشگاه‌ها در زمینه مسائل قومی، حضور نمایندگان اقوام گوناگون در ساختار قدرت اعم از قوه مجریه، مقننه، قضائیه و... از جمله اقداماتی است که برای حمایت از تنوع قومی در جمهوری اسلامی ایران صورت گرفته است. حضور متحد اقوام ایرانی در عرصه‌های تجلی مردم‌سالاری دینی، همچون حضور در انواع انتخابات‌های کشور، حضور در تجمعات و راه‌پیمایی‌های ملی، بزرگداشت شعائر دینی و شرکت در مراسمات مذهبی از قبیل عزاداری ایام محرم و...، نشان‌دهنده آن است که ایران اسلامی در عین برخورداری از پویایی و تنوع قومی، از انسجام ملی ممتازی برخوردار است که برای آن در دنیای امروز کمتر مشابهی می‌توان یافت!

البته نباید فراموش کرد که این تکثر و تنوع تا آنجایی اعتبار و ارزش دارد که به مثابه فرصتی برای پویایی همه‌جانبه کشور عمل کند؛ اما اگر به تهدید و فرصتی برای نفوذ بیگانه و واگرایی و تضعیف وحدت و انسجام ملی بدل شود، اعتبار خود را از دست خواهد داد.

رویش

مجاهدی در دیار بشاگرد

□ **مهدی دنگچی/** مرحوم حاج‌عبدالله والی در سال ۱۳۲۷ هجری شمسی در خانواده‌ای متدین و روحانی، در یکی از محلات قدیمی تهران به نام «دولاب» چشم به جهان گشود. در دوران جوانی انسانی پاک‌نهاد و دارای خصلت‌ها و فضایل انسانی والا بود. وی همواره در یاری‌رسانی به مستمندان و محرومان پیشگام بود؛ از این رو از سال ۱۳۵۰ با کمک دوستان فعالیت‌های خود را در این زمینه منسجم کرد و از طریق بنیاد امام جعفر صادق(ع) به حمایت از بینوایان ادامه داد.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی و در سال ۱۳۶۰، به اتفاق چند نفر از یاران انقلاب طی مأموریتی از سوی مرحوم عسگراولادی، سرپرست کمیته امداد امام خمینی(ره) با هدف محرومیت‌زدایی به یاری مردم محروم هرمزگان بشتافت و مدت شش ماه در نقاط محروم این استان به مردم رنج‌کشیده و مستضعف آن وادی، عاشقانه خدمت کرد. در جریان همین سفر، ایشان و همراهانش منطقه فراموش شده و بسیار محروم بشاگرد (از توابع شهرستان میناب) را، که هیچ‌گونه آثار تمدنی در آن یافت نمی‌شد، کشف کردند! پس از کشف این منطقه، ایشان در سال ۱۳۶۱ برای محرومیت‌زدایی مأموریت یافت تا به آن منطقه عزیمت کرده و آنان را از فقر مطلق و زندگی اسف‌باری که در آن به سر می‌بردند، نجات دهد. مرحوم حاج‌عبدالله والی در نهایت از خودگذشتگی، آسایش و آرامش و زندگی مرفه را بر خود حرام کرده و عاشقانه خود و خانواده‌اش را وقف خدمت مشفقانه به مردم این منطقه کرد. ایشان طی حدود ۲۲ سال تلاش شبانه‌روزی و خستگی‌ناپذیر. بارها به بیماری خطرناک مالاریا مبتلا شد و تا پایان عمر از عوارض ناشی از این بیماری رنج می‌برد. به راستی، حاج‌عبدالله والی را می‌توان یکی از اسوه‌های درخشان عمل و اقدام جهادی و بنیانگذار اردوهای جهادی دانست که در لبیک‌گویی به اشاره حضرت امام(رضوان‌الله‌تعالی‌علیه) که فرموده بودند: «به داد بشاگرد برسید!» به منطقه دورافتاده و محروم بشاگرد هجرت کرد. هجرت عظیم این مجاهد راه خدا که از سال ۱۳۶۱ آغاز شده بود، در هشتم اردیبهشت ۱۳۸۴ با رحلت او پایان گرفت.

رهبر معظم انقلاب اسلامی(مدظله‌العالی) در دیدار با خانواده مرحوم حاج‌عبدالله والی می‌فرمایند: «... بعد از انقلاب، یک مرد جوانِ مؤمنِ انقلابی پا می‌شود می‌رود آنجا(بشاگرد)، همه دلبستگی‌هایش را، از شهر و خانه و زندگی، به مرکز مأموریت منتقل می‌کند و برادرهایش را هم می‌کشاند دنبال خودش می‌برد. شماها هم انصافاً ایستادید... شما زندگی و خانواده و زن و بچه و مادر و پدر و همه اینها را گذاشتید اینجا، رفتید آنجا بی‌سروصدا مشغول خدمت شدید، نه جایی ثبت کردید، نه جایی تابلو زدید. بعضی‌ها هستند، هر کاری می‌خواهند بکنند، قبل از اینکه کار انجام بگیرد، تابلویش را می‌زنند! مدت‌ها این تابلو آنجاست، هیچ کاری هم انجام نگرفته. بعضی‌ها هم نه، کار را انجام می‌دهند، هیچ تابلویی هم ندارد. کار مرحوم حاج‌عبدالله والی و شماها از این نوعِ دوم است، یعنی بی‌تابلو رفتید و برای خدا کار واقعی کردید، اینها خیلی با ارزش است. شما بدانید، اینجور کارهای بی‌سروصدا و خاموش و خالصانه، نه فقط برای شما پیش خدای متعال درجه و مرتبه درست می‌کند، بلکه در کل بنای جمهوری اسلامی اثر می‌گذارد، مثل سیمانی است که در یک بنایی تزریق کنند و آن را مستحکم کنند.» (۱۳۹۱/۳/۹)

روایت یاران

اصحاب انقلاب-۱

پیشگامان نهضت اسلامی ایران

□ **سید مهدی حسینی/** سلسله حوادث در گذر زمان همواره تأثیری عمیق یا کم عمق در درازمدت یا کوتاه‌مدت بر جا گذاشته‌اند؛ تأثیری که یا مردم جامعه به آن آگاه هستند، یا ناآگاه که البته بسیاری، از آنچه واقع شده است غافل بوده و هستند. آنچه مسلم است اینکه، در مسیر تاریخ تحولات معاصر ایران اینچنین بوده است. چه بسا صد سال پیش سیاستی اتخاذ شده که اثرات آن هنوز باقی است، اما افراد جامعه نسبت به آن آگاهی ندارند. در سیر وقایع انقلاب اسلامی برخی از آنها که شدت بیشتری داشته و بعضاً به حافظه مردم سپرده شده، یا با روحیه حماسی اسلامی و ملی پیوند خورده، بعضاً به یادها مانده است، یا از برخی از آنها که با جشن و شادی همراه شده در مناسبت‌ها یاد می‌شود. اما آنچه مبهم است میزان تأثیرگذاری و نوع برداشت‌ها و تحلیل‌ها در گذر زمان است. این حوادث به هر نوعی که رخ داده. قطعاً یارانی هم داشته است که به خاک و خون کشیده شده، یا به جوخه‌های دار محکوم شده‌اند و معمولاً گمنام مانده‌اند. چه بسا در میان آنها شخصیت‌های مشهور تاریخ هم باشند، اما در واقع ناشناخته هستند. بعضی‌ها در تابلوهای سرخ و خونین‌شان آینده روشن را در تحولات جدید رقم زده و در رویدادهای سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، امنیتی، تاریخی منشأ اثر شده‌اند.

هر جمعیتی یا افرادی به زعم خود با فرض ادای تکلیف انجام وظیفه کرده‌اند. برخی با اهداف مشخص ضد استعماری یا ضد استبداد داخلی شکل گرفته که به نظر می‌آید باب این مباحث الزاماً همیشه باید باز باشد که با بررسی و تحلیل آنها درس‌ها، عبرت‌ها، تجربه‌ها، پندها و الگوهای آموزنده‌ای را به نسل‌ها در همه عصرها ارائه می‌دهد.

نگارنده این سطور در این زمینه علل و انگیزه‌ای داشته است و هیچ‌گاه فراموش نمی‌کند که در سال‌های ۵۶ تا ۵۹ بر دیوارهای خیابان‌ها نوشته شده بود؛ «بشکند قلمی که ننویسد بر (امام) خمینی(ره) و یارانش چه گذشت.» این جمله همواره الهام‌بخش بوده است. مضاف بر این پاسخ نامه امام راحل(ره) به سیدحمید روحانی در تاریخ ۶۷/۱۰/۲۵ درباره تاریخ انقلاب که رهنمودهای اساسی دادند و در آنجا به صراحت مرقوم فرمودند: «شما باید به روشنی ترسیم کنید که در سال ۴۱، سال شروع انقلاب اسلامی و مبارزه روحانیت اصیل در مرگ‌آباد تحجر و تقدس‌مآبی چه ظلم‌ها بر عده‌ای روحانی پاکباخته رفت. چه ناله‌های دردمندانه کردند، چه خون دل‌ها خوردند، متهم به جاسوسی و بی‌دینی شدند، ولی با توکل بر خدای بزرگ کمر همت بستند و از تهمت و ناسزا نهراسیدند و خود را به طوفان بلا زدند و در جنگ نابرابر ایمان و کفر، علم و خرافه، روشنفکری و تحجرگرایی، سرافراز- ولی غرقه به خون یاران و رفیقان خویش- پیروز شدند.»

این نامه دارای نکات بسیار ارزشمندی است که متأسفانه چندان به آن پرداخته نشده، به خصوص آنجا که فرمودند: «باید پایه‌های تاریخ انقلاب اسلامی ما چون خود انقلاب بر دوش پابرهنگان مغضوب قدرت‌ها و ابرقدرت‌ها باشد.»

موضوعی که خود جای بحث دارد، اما از حوصله مبحث خارج است.

در آستانه سالروز رحلت حضرت امام خمینی(ره)، عالم ربانی و شخصیت بزرگ تاریخ جهان معاصر و انقلابی‌ترین مرد جهان قرار داریم همچنین ایام مصادف است با سالروز قیام خونین ۱۵ خرداد ۴۲؛ واقعه خونینی که حضرت امام خمینی(ره) مکرر توصیه‌هایی درباره آن داشتند که نگذارید ۱۵ خرداد فراموش شود. در واقع این روز نقطه عطف در تاریخ تحولات معاصر ایران تلقی شده که با ورود به این مبحث سعی می‌شود دامنه اثرگذاری حوادث بر حوادث بعدی نیز دنبال شود. مبحث «یاران انقلاب» در واقع بخش دیگر و تکمیلی دو عنوان قبلی است؛ یکی «امام خمینی(ره) در گذر زمان» و دیگری «امام خامنه‌ای در گذر زمان» که امامین انقلاب در هر دوره یاران بزرگی داشته‌اند که مباحث به صورت پیوسته ادامه خواهد داشت.

در آیینه تاریخ

پایان کار مردمی‌ترین حزب

□ **مهدی حسن‌زاده/** مردمی‌ترین حزب شکل گرفته در نظام اسلامی را می‌توان حزب «جمهوری اسلامی» دانست که در آخرین روز بهمن ماه سال ۱۳۵۷ موجودیت خود را اعلام کرد. بنیانگذاران این حزب بزرگانی، چون آیت‌الله شهید محمد حسینی بهشتی، آیت‌الله عبدالکریم موسوی‌اردبیلی، حجت‌الاسلام والمسلمین اکبر هاشمی‌رفسنجانی، آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای و حجت‌الاسلام شهید محمدجواد باهنر بودند.

حزب جمهوری اسلامی هرچند توانست نقش مؤثری در شکل‌گیری نظام اسلامی، به ویژه در سال‌های پرآشوب و سرنوشت‌ساز ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۰ داشته باشد؛ اما از آن پس دچار اختلاف شد و سرانجام در ۱۱ خرداد ۱۳۶۶ با درخواست و نامه‌نگاری آیت‌الله خامنه‌ای و آقای هاشمی‌رفسنجانی به نمایندگی از شورای مرکزی حزب جمهوری اسلامی و تأیید حضرت امام(ره) تعطیل شد. در متن نامه آمده است:

«بسم‌الله الرحمن الرحیم/ محضر مبارک مرجع عالی‌قدر و رهبر کبیر انقلاب، حضرت امام خمینی- مدظله‌العالی/ همان‌طور که آن رهبر عزیز اطلاع دارند، تأسیس «حزب جمهوری اسلامی» از طرف هیئت مؤسس با مشورت آن مقام معظم و در شرایطی انجام شد که نیاز به یک تشکل در برابر انبوه مسائل در آغاز انقلاب و لزوم انسجام و انتظام نیروهای آگاه و مؤمن و گسترش آگاهی‌های انقلابی و تربیت کادرهای فعال و کارآمد برای اداره کشور و خنثی کردن توطئه گروهک‌ها و عوامل دشمن خارجی و ضدانقلاب داخلی به شدت احساس می‌شد. این حزب در طول سال‌های گذشته در حد توان خود به منظور تثبیت نظام جمهوری اسلامی و انجام تکالیف بزرگی که بر دوش خود حس می‌کرد، از هیچ کوششی فروگذار نکرد و در کوران توطئه‌های چپ و راست با فداکاری و تقدیم شهدایی که بعضی از آنان چهره‌های برجسته و فراموش‌نشدنی انقلابند، از جمله شهدای هفتم تیر، نقاب از روی نفاق برانداخت و مظلومیت و حقانیت خط امام را به نمایش گذارد. در طول جنگ تحمیلی، حزب جمهوری اسلامی در سراسر کشور به وظیفه اسلامی خود برای بسیج مردم و شرکت فعال در جبهه‌های نور عمل کرد و جمعی از کادرها و اعضای آن در این جهاد مقدس به افتخار شهادت نائل آمدند. تعبد افراد این حزب به اسلام و اعتقاد راسخ آنان به ولایت فقیه، که خود عامل مهمی در کینه‌توزی ضدانقلاب بود، ایجاب می‌کرد که در مراحل و مقاطع مختلف انقلاب، با کسب رهنمودهایی از آن مقام معظم، حرکت حزب را تنظیم و سیاست‌های آن را پی‌ریزی نمایند.

اکنون به فضل الهی نهادهای جمهوری اسلامی تثبیت شده و سطح آگاهی و درک سیاسی آحاد ملت انقلاب را از جهات عدیده آسیب‌ناپذیر ساخته و روشن‌بینی و توکل و قوت اراده آن رهبر عالی‌قدر و فداکاری و آمادگی مردم حزب‌الله توطئه‌های ضدانقلاب داخلی و استکبار جهانی را بی‌اثر و کم خطر نموده است؛ لذا احساس می‌شود که وجود حزب، دیگر آن منافع و فواید آغاز کار را نداشته و بلعکس، ممکن است تحزب در شرایط کنونی بهانه‌ای برای ایجاد اختلاف و دودستگی و موجب خدشه در وحدت و انسجام ملت گردد و حتی نیروها را صرف مقابله با یکدیگر و خنثی‌سازی یکدیگر کند؛ لذا همان‌طور که قبلاً نیز کراراً عرض شد، شورای مرکزی پس از بحث و بررسی مبسوط و مستوفا با اکثریت قاطع به این نتیجه رسید که مصلحت کنونی انقلاب در آن است که «حزب جمهوری اسلامی» تعطیل و فعالیت‌های آن به کلی متوقف گردد.

مراتب برای استحضار و کسب رهنمود عالی معروض می‌گردد./ والامر الیکم و ادام‌الله بقائکم الشریف/ سیدعلی خامنه‌ای- اکبر هاشمی‌رفسنجانی»

پاسخ بنیانگذار جمهوری اسلامی به نامه چنین است:

«بسمه‌تعالی/ جنابان حجج‌الاسلام آقای خامنه‌ای و آقای هاشمی- دام توفیقهما.

موافقت می‌شود. لازم است تذکر دهم که حضرات آقایان مؤسسین محترم حزب، مورد علاقه اینجانب می‌باشند. امیدوارم همگی در این موقع حساس با اتفاق و اتحاد در پیشبرد مقاصد عالیه اسلام و جمهوری اسلامی کوشا باشید. ضمناً تذکر می‌دهم که اهانت به هر مسلمانی چه عضو حزب باشد یا نه بر خلاف اسلام و تفرقه‌اندازی در این موقع از بزرگ‌ترین گناهان است./ والسلام علیکما و رحمةالله/ ۱۱ خرداد ۶۶/ روح‌الله الموسوی الخمینی»

درباره علل ایجاد اختلاف در حزب می‌توان به اظهار نظر «مرتضی نبوی» توجه کرد که تأکید دارد: «گرایش‌های مختلف و اختلاف‌نظر، بیشتر بروز و ظهورش در مسائل اقتصادی بود و از آنجا شروع شد. در اصل عده‌ای در شورای مرکزی معتقد به اقتصاد دولتی بودند و به شدت هم از آن دفاع می‌کردند و عده‌ای دیگر هم مخالف اقتصاد دولتی و طرفدار اقتصاد مردمی بودند و اختلافات از همین جا شروع شد.»

مرحوم هاشمی‌رفسنجانی پس از اشاره به برخی عوامل، علت اصلی انحلال حزب را چنین شرح می‌دهد: «در درون حزب هم آن گرایش‌های مختلف کم‌کم سردرآورد. مسائل اقتصادی و جناحی در اوایل انقلاب مطرح نبود، ولی کم‌کم خط چپ و راست و محافظه‌کار و سنتی و مدرن از این چیزها پیدا شد که در درون حزب هم بود. شورای مرکزی سه گروه بود، یک گروه چپ، یک گروه راست، یک گروه هم معتدل. آن انسجام اولیه حزب هم ضعیف شد.

افرادی مثل آقای شهید بهشتی و شهید باهنر که خیلی خوب به حزب می‌رسیدند، ایشان که رفته بودند، همچنین اعضای دیگر که مؤثر بودند و علاقه داشتند به تحزب، آنها هم که دیگر نبودند. آیت‌الله خامنه‌ای هم که رئیس‌جمهور شدند، جنبه اجرایی‌شان اهمیت پیدا کرد، زیاد به حزب مثل همیشه نمی‌رسیدند، من هم که باز در مجلس بودم و نمی‌رسیدم. اصولاً از آن اول هم خیلی به اندازه آنها وقت صرف نمی‌کردم، برای حزب. مخالفت‌هایی شروع شد، در این فضا عده‌ای آمدند گفتند مثلاً روحانیت هست، دیگر ما حزب را می‌خواهیم چه‌کار کنیم.

حزب دارد کار روحانیت را می‌کند. این استدلال قوت می‌گرفت؛ یعنی این حرف عده زیادی از نیروهایی که همراه ما بودند را راضی می‌کرد. بعد این اختلاف‌ها هم انعکاسی یافت در روحیه امام، وقتی ایشان نگاه می‌کردند می‌دیدند حزب که اول مایه وحدت شده بود و نیروها را منسجم کرده بود، الان یک مرکزی شده برای اختلافات و دعواها... . حالا امام هم دیگر تشخیص‌شان این شده بود که حزب دیگر کارآیی ندارد. خود ما هم با کارهایی که داشتیم، مسئولیت‌هایی که داشتیم نمی‌توانستیم به حزب برسیم و این اشکالات را برطرف کنیم، بعضی‌هایش هم که برطرف‌شدنی نبود، چون قطعاً گرایش‌های خارج از حزب وجود داشتند که حزب را قبول نداشتند.»

محال است دست خالی برگردد

آیت‌الله سیدمحمدمهدی میرباقری گفت: نگاه به غیر داشتن و صدا زدن خدا، دعا نیست. این تیر در تاریکی انداختن است. دعا این است که او را می‌بینی، اسماء حسنایش را می‌بینی، فقر خودت را ببینی، در حالی که همه را هیچ کاره بدانی و بعد «یا الله» بگویی. اینجاست که دعا محقق می‌شود و ردخور ندارد. محال است کسی به اسماء حسنای خدا تکیه کند، از غیر مأیوس باشد، از خودش مأیوس باشد، به او هم امیدوار باشد، دستش بالا برود، خالی برگردد، محال است.

آیینه خواص

عثمان‌بن‌حنیف ـ ۳
سندی علیه اشرافیت مسئولان

از فضل‌بن‌شاذان نقل شده است که عثمان و برادرش سهل از نخستین کسانی بودند که پس از درگذشت پیامبر(ص) به حقانیت حضرت علی(ع) اقرار و بر آن پافشاری کردند. ابان‌بن‌تغلب، به نقل از امام جعفر صادق(ع) می‌گوید: آن حضرت فرمودند، دوازده نفر از اصحاب رسول خدا(ص) بودند که بر اتفاقات پس از رحلت حضرت رسول(ص) اعتراض کردند و هر یک سخنانی اعتراض‌آمیزی گفتند، از جمله «عثمان‌بن‌حنیف» بود که در مقابله با این رویکرد گفت: «از رسول خدا شنیدیم که فرمود اهل بیت من به منزله ستارگان زمینند، از آنها جلو نروید، آنها را بر خود مقدم بدارید؛ زیرا آنان پس از من والیان شما هستند. اول کافر به دستور پیامبر نباشید و به خدا و رسول خدا خیانت مکنید و خیانت نکنید به امانت‌های خود و حال آنکه می‌دانید.» (انفال/ ۲۷)

امام صادق(ع) او را جزو افرادی معرفی کردند که بر روش رسول خدا (ص) باقی ماند، بدون اینکه در ایمانش تغییر و تبدیلی حاصل شود.

عثمان در زمان عمر برای اندازه‌گیری زمین‌های عراق و تعیین خراج و جزیه مردمان آنجا فرستاده شد. هنگامی که عراق فتح شد، خلیفه دوم از یارانش پرسید، شما چه مصلحت می‌دانید، چه کسی به عراق برود و والی آنجا باشد؟ که همگی بالاتفاق گفتند: «برای این کار عثمان‌بن‌حنیف مناسب است، او می‌تواند بیش از این را هم اداره کند؛ زیرا بصیرت و عقل و معرفت و تجربه فراوانی دارد.»

زمانی که امام علی(ع) به خلافت و حکومت رسید، عثمان جزو اولین گروه از کارگزاران آن حضرت، به بصره رفت و علی(ع) با شناختی که از او داشت، وی را استاندار بصره کرد. ابن‌حنیف نیز شهر را که بسیار حساس بود، تحت تسلط خود درآورد و بر اوضاع آن مسلط شد و همانجا باقی ماند. امام (ع) نیز، کاملاً او و دیگر کارگزارانش را تحت نظر داشت و به طرق گوناگون، اعمال و رفتار آنها را بررسی می‌کرد.

اما در همین دوران بود که عثمان به دلیل یک عملکرد نادرست، شهره آفاق شد و برای شرکت در یک جمع اشرافی با تشر حضرت امیر(ع) مواجه شد و همین امر سبب شد که به او به عنوان یک مدیر اشرافی نگریسته شود. این در حالی است که زندگی و سیره عثمان پیش و پس از آن مهمانی کذایی نشان می‌دهد مشی و خوی او اشرافی‌گری نبوده است و چنانکه اشاره شد مورد احترام اهل بیت(ع) بوده و در یاری رساندن به مولایش فروگذاری نکرده است.

با وجود این، نامه عتاب‌آمیز حضرت امیر(ع) به عثمان سندی محکم در مقابله با اشرافیت مسئولان در جامعه دینی است. دلیل بر اهمیت موضوع، در نوشتارهای پیش رو متن کامل نامه حضرت به عثمان آورده خواهد شد.

روشن است، اگرچه این نامه خطاب به عثمان‌بن‌حنیف نوشته شده است، اما مضمون آن فقط مخصوص به عثمان نیست و هر فرد و مدیر جامعه دینی را شامل می‌شود. مدیری که در جامعه اسلامی شعار پیروی از عدل علوی را سر می‌دهد، در عمل باید به مفاد این نامه مهم و تاریخی ملتزم باشد.

علنی بودن نامه نشان از اهمیت مطلب نزد حضرت امیر(ع) دارد، چه آنکه حضرت می‌توانست به پنهانی عثمان را مؤاخذه کند و تذکرات جدی به او بدهد، چنانچه سیره اهل بیت(ع) نیز چنین بوده است که اگر خطایی از کسی سر می‌زد در وهله اول به فکر آبروی طرف بودند و در مرحله نخست به گونه‌ای که کسی مطلع نشود، خطای فرد را به او متذکر می‌شدند. اما اینکه حضرت امیر(ع) نامه علنی می‌نگارد، به گونه‌ای که در طول تاریخ و همچنان این نامه نمود دارد، به معنای قبح عظیم آن عمل است.

تربیت در سیره و سخن کریم اهل بیت امام حسن مجتبی(ع)

□ **عبدالکریم پاک‌نیا/** حمد و سپاس پروردگار متعال را که توفیق داد درباره مهم‌ترین موضوع زندگی بشر که رمز حقیقی سعادت انسان‌هاست، در تاریخ زندگی و سیره و سخن حضرت مجتبی(علیه‌السلام) که الگوی تمام‌عیار و سرمشق جاودانه برای انسان، در تمام اصل‌ها و نسل‌هاست، کاوش کرده و نقاط برجسته تربیتی‌ـ اخلاقی را در زوایای گفتار و رفتار آن حضرت یافته و با توضیحات لازم برای مربیان و والدین و به ویژه خانواده‌های جوان تقدیم کنم.

ضرورت طرح این موضوع، افزون بر اهمیتی که در خود مسئله تربیت می‌باشد، به نقطه نظرات شخصیتی برمی‌گردد که خود نمونه بارزی از یک انسان کامل و تربیت‌یافته در مکتب نبوی، علوی و فاطمی است و همچنین پرورش‌دهنده فرزندانی است که هر یک به نوبه خود به عنوان اسوه‌های عالی و تجلی ارزش‌های والای انسانی در تاریخ بشر می‌درخشند. همان شخصیتی که پیامبر اکرم(ص) درباره وی می‌فرماید: حسن پسر من است، او از من است، او نور چشم من و روشنایی قلب من می‌باشد، او میوه جان من است، او سید و آقای جوانان اهل بهشت است، او حجت خدا بر امت من می‌باشد. دستورات او دستورات من و سخن او سخن من است. کسی که از او پیروی می‌کند او از من است و کسی که با دستورات او مخالفت کند از من نیست. همچنین درباره او و پدر و مادرش فرمود: خداوند علی و همسرش فاطمه و فرزندانش را حجت‌های خویش بر آفریدگانش قرار داده است. آنان در میان امت من درهای دانش هستند، هر که به آنان راه یافت، به راه راست هدایت یافته است.

عظمت و شکوه شخصیت حضرت مجتبی(ع) به حدی است که گویندگان و نویسندگان و اندیشمندان نتوانسته‌اند، افق‌های فکر و اندیشه خود را درباره او به جایی برسانند و تاکنون هیچ یک از ساحل‌نشینان این دریای ژرف و بیکران نتوانسته‌اند، تصور کاملی از ابعاد وجودی آن بزرگوار ارائه دهند، حتی مخالفان و دشمنان آن حضرت در اسوه بودن آن حضرت در فضایل اخلاقی اتفاق‌نظر دارند. ابن حجر عقلانی از دانشمندان اهل سنت می‌نویسد: هنگامی که حسن‌بن‌علی از دنیا رفت یکی از دشمنان سرسخت آن حضرت در تشییع جنازه او گریه می‌کرد. حسین‌بن‌علی به او گفت: تو با آن همه اذیت و آزار و مخالفت که در مورد برادرم روا می‌داشتی باز هم گریه می‌کنی؟! او گفت: کسی که من با او دشمنی می‌کردم صبورتر و حلیم‌تر از این کوه‌ها بود.

جایگاه تربیت

موضوع تربیت امروزه، نه تنها در جوامع و خانواده‌های مسلمان مورد توجه قرار گرفته و هر پدر و مادری آرزو می‌کند که فرزندان خود را طبق رهنمودهای صحیح و اصول و ارزش‌های الهی تربیت کرده و در نهایت فرزندی رشد یافته و کارآمد داشته باشد، بلکه اهداف عالی و اخلاقی تعلیم و تربیت از مهم‌ترین دغدغه‌های جهانی است. سازمان ملل متحد در بند ۲ از ماده ۲۶ اطلاعیه جهانی حقوق بشر، مقرر داشته است: «تعلیم و تربیت باید به توسعه شخصیت انسان و تقویت و احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی متوجه گردد و تفاهم و اغماض و مودت را بین کلیه ملل و دسته‌های نژادی و مذهبی به وجود آورد و موجب پیشرفت فعالیت‌های ملل متحد در راه حفظ صلح شود.»

تربیت چیست؟

تربیت عبارت از مجموعه روش‌ها و فنونی است که از آغاز تولد انسان، بلکه مدت‌ها قبل از تولد باید به کار گرفته شود، تا استعدادهای درونی بشر رشد و نمو لازم را یافته و در مسیر تکامل و تعالی قرار گیرد.

اساساً برای ساختن جامعه‌ای نمونه و تربیت انسان‌های کامل و سالم از نظر جسمی و روحی، اصول و روش‌هایی لازم است که انسان در پرتو آنها بتواند به دور از هرگونه انحراف، مسیر سعادت و کمال را بپیماید.

این روش‌ها تحت عناوین احکام و دستورات زندگی شناخته می‌شوند که برخی قبل از تولد و برخی دیگر بعد از آن و در طول رشد کودک اعمال می‌شود. انتخاب همسر، نحوه تشکیل خانواده، شرایط انعقاد نطفه، حالات و رفتار مادر در دوران بارداری، نامگذاری کودک، توجه به نیازهای روحی و جسمی او، حفظ شخصیت و احترام فرزند، نظارت بر انتخاب دوستان، شیوه تعلیم و تربیت و دقت در معاشرت‌های کودکان و نوجوانان و ده‌ها شیوه دیگر از جمله نکات ظریفی هستند که در حالات، ویژگی‌های شخصیتی و خوی و خصلت‌ها و انتخاب‌های یک کودک در آینده مؤثر می‌باشند.

در این میان آنچه اهمیت دارد، ارائه کامل‌ترین، سالم‌ترین و مطمئن‌ترین روش‌های تربیتی است که علاوه بر در برداشتن همه ابعاد و نیازهای زندگی انسان، او را به سعادت حقیقی و زندگی جاودانه و فلاح و رستگاری نزدیک کند و از وضع موجود به کمال مطلوب برساند.

این شیوه‌ها و اصول تربیتی اطمینان‌بخش را می‌توان از زندگی و رفتار و گفتار اسوه‌های حقیقی بشر و پیشوایان راستین الهی به دست آورد و انتخاب نمود و آن همان سیره تربیتی ائمه معصوم(علیهم‌السلام) و خاندان وحی است.

در سیره تربیتی امام مجتبی(علیه‌السلام) مسائل تربیتی و نکات باریک روان شناختی قابل توجهی دیده می‌شود، که می‌تواند به عنوان الگو و روش صحیح تعلیم و تربیت کودکان مطرح شود و بهترین فنون پرورش کودکان برای والدین و مربیان است. اگر ما از نظر تربیتی به سیره و سخن آن امام معصوم نظری بیفکنیم و از این زاویه گفتار و رفتار آن حضرت را بررسی و ارزیابی کنیم، در سراسر زندگی آن بزرگوار شیوه‌های کارآمد تربیتی را خواهیم یافت و راه‌های تغییر از وضعیت موجود به یک وضعیت ایده‌آل و مطلوب را که به نوعی از اهداف تعلیم و تربیت محسوب می‌شود برای فرزندان و نسل جدید پیش رو خواهیم داشت.

بر اساس روش تربیتی امام مجتبی(علیه‌السلام) بعد از اینکه به زمینه‌ها و بسترهای مناسب در تعلیم و تربیت پرداخته شد؛ با ایجاد ارتباط عاطفی و برقراری محبت و صمیمیت بین مربی و متربی به کاهش تنش و فشارهای روانی فرزندان کمک شایان می‌شود.

در این شیوه مسائل اساسی و ریشه‌دار تربیت، عوامل و نقش‌آفرینان در این صحنه، شیوه‌های اصلاح رفتار و جلوگیری از لغزش‌ها، صفات و شرایط مربیان، راه‌های مقابله با مشکلات و حل آنان و بالاخره تربیت دینی و جهان‌بینی الهی در کودکان و نوجوانان، اهمیت ملجأ و پناهگاه در تربیت، نقش الگو و سرمشق در این زمینه، فرهنگ دعا و رابطه آن با تربیت فرزند، موانع و آفات تربیت، اهمیت خانواده و نقش بنیادی پدر و مادر و مربیان، از جمله مواردی است که در این کتاب بر اساس رهنمودها و نکات مهم در زندگی امام مجتبی(علیه‌السلام) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. با توجه به نکات یاد شده امیدواریم با بهره‌گیری از این رهنمودهای ارزنده تربیتی، نسل جوان و نوجوان را که مهم‌ترین و عظیم‌ترین سرمایه جامعه‌مان می‌باشند به روش صحیح تربیت کرده تا در پرتو آن سعادت و سلامت آینده کشورمان را تضمین کنیم. ان‌شاءالله.

نقطه‌نظر

محاسبه

شاید از نعمت‌های خداست که ما عیوب خودمان را نمی‌دانیم. گاهی اوقات نفس چنان ما را گول می‌زند که خیال می‌کنیم آدم خوبی هستیم. اگر یک ولی‌خدایی دستش را بر سر ما بکشد و مقداری عاقل بشویم و عیوب خودمان را ببینیم، واقعاً ممکن است دق کنیم!

بر همین اساس، علمای اخلاق بحثی به نام «محاسبه» را مطرح می‌کنند، یعنی انسان در طول روز ساعتی را اختصاص دهد به این موضوع که چه کار کردم. در واقع یک چرتکه بیندازد، البته اگر نفس اجازه بدهد.

وقتی کاری را انجام دادیم، حساب کنیم که آیا این واقعاً خوب است یا من خیال می‌کنم. گاهی من خودم توجه پیدا کردم دیدم، من مدتی یک کار بد را به نام خوب انجام می‌دادم، برای نمونه خیال می‌کردم این آقا چون پول دارد، نباید به وی سلام و احترام کرد! بعدها متوجه شدم این درست نیست، ما باید بین اغنیا و فقرا فرق نگذاریم. یک سرمایه‌دار متدین و متعهد با یک فقیر مسلمان متعهد فرقی ندارد. پول داشتن که جرم نیست.

یک وقتی، آدم تنبل است و ضعف نفسانی دارد و خجالت می‌کشد کاری را انجام دهد، خیال می‌کند که این، تواضع، زهد و پارسایی است. بنابراین ما باید به دنبال تزکیه نفس برویم و از خداوند متعال بخواهیم این خوش‌بینی را که خودمان موشکافی بکنیم که مثلاً این حرف را زدیم یا این پولی که دادیم، آیا برای خدا بود؟

ما طلبه‌ها باید زحمت بکشیم، بنویسیم، بخوانیم و همه برای خدا باشد، حبّ دنیا در دل‌مان نباشد، امکانات داشته باشیم، ولی حبّ دنیا نداشته باشیم، هر جا فرمود: خرج کن، خرج بکند و این معنای زهد است؛ یعنی مال و اموال و جاه و مقام و... دارد، ولی دلبستگی ندارد. من در اوایل طلبگی خیال می‌کردم هر کس تنبل باشد و کار نکند زاهد است، یا کسی که به ظاهر خودش نرسد، مثلاً یقه‌اش چرکی باشد، زاهد است! معنای زهد این است که همه کارهای‌مان عاقلانه باشد، عبادت، خورد و خوراک، خرج کردن و...، همه طبق دستور خدا و پیامبر بوده و عاقلانه باشد.

یار مهربان

سبک زندگی؛ فرهنگ، خانواده و رسانه

مفهوم «سبک زندگی» از زمره مفاهیمی است که پژوهشگران حوزه جامعه‌شناسی و مطالعات فرهنگی برای بیان برخی از واقعیت‌های فرهنگی جامعه آن را مطرح می‌کنند و به کار می‌برند. دامنه به‌کارگیری این مفهوم در ادبیات علوم اجتماعی و مطالعات فرهنگی رواج بسیاری یافته است تا حدی که عده‌ای معتقدند، این مفهوم قابلیت جانشینی بسیاری از واژگان موجود، از جمله مفهوم طبقه را دارد و می‌تواند به نحو دقیق‌تری، گویای واقعیت پیچیده رفتارها و حتی نگرش‌های فرهنگی و اجتماعی در جامعه امروز ما باشد و حتی برخی اندیشمندان به‌کارگیری آن به جای مفاهیم فراگیری، چون قومیت و ملیت را مطرح کرده‌اند.

در کتاب سبک زندگی درمی‌یابیم که وضعیت امروز چگونه است و در حال حاضر چه سبک زندگی داریم؟ زیر پوست شهر و در میان جوانان چه اتفاقاتی می‌افتد؟ به تازگی دفتر مطالعات حقوقی مرکز پژوهش‌های مجلس، پژوهشی را با عنوان «ازدواج موقت و تأثیر آن بر تعدیل روابط نامشروع جنسی» منتشر کرده است که در خلال این گزارش آمارهایی در زمینه آسیب‌های اجتماعی در کشور منتشر شده که تأمل برانگیز است.

سیدمحمد غفارنیکنام‌راد در کتاب «سبک زندگی؛ فرهنگ، خانواده و رسانه»، به دنبال عوامل و مؤلفه‌های مؤثر در تغییرات اجتماعی و فرهنگی در جامعه نیست؛ بلکه برآیند این تغییرات را، که همان سبک زندگی است، مورد ارزیابی، واکاوی، نقد و بررسی قرار داده و در نهایت راهکارهای بهبود شرایط واقعی سبک زندگی به شیوه‌های مدرن و علمی را ارائه می‌کند.

این کتاب در چهار فصل تدوین شده است. در فصل اول با مفاهیم سبک زندگی از منظر جهان‌بینی مادی و الهی سبک زندگی حضرت امام خمینی(ره) و رهبر معظم انقلاب(مدظله‌العالی) آشنا می‌شویم. در فصل دوم سبک زندگی و خانواده تشریح شده است؛ در فصل سوم هویت اسلامی ایرانی و در فصل چهارم اینترنت، شبکه‌های اجتماعی و ماهواره بررسی و تبیین شده است. گفتنی است، کتاب در ۳۰۲ صفحه از سوی انتشارات پشتبان به بازار نشر عرضه شده است.

دریچه

افزایش جمعیت خوبه ولی برای ما!

سیده‌راضیه حسینی نویسنده و روزنامه‌نگار با انتشار تصویری از خانواده سلطنتی و پرجمعیت ملکه انگلیس و مقایسه‌ای با گزارش‌های ضد جمعیتی بی‌بی‌سی فارسی برای ایرانیان در صفحه اجتماعی خود نوشت: «کشورهای غربی بعد از سال‌ها تلاش برای کنترل جمعیت و نفی خانواده، به بن‌بست رسیدن و به صورت جدی، تقویت خانواده و افزایش زاد و ولد رو مبنا قرار دادن. اما با تمام توان این نسخه شکست‌خورده رو برای سایر جوامع تجویز می‌کنن.

رویکرد بی‌بی‌سی فارسی، رسانه خاندان سلطنتی انگلیس از همین قِسمه.»

تحلیل صبح صادق بر چالش‌هایی که بر سر راه افزایش جمعیت وجود دارد

پنجره جمعیت در تندباد بحران‌ها بسته می‌شود

□ **زهرا چیذری/** هر چند هنوز پنجره جمعیت باز است و بحران جمعیت در کشور قابل حل شدن، اما با وجود سپری شدن چهار سال از ابلاغ سیاست‌های جمعیت از سوی رهبر معظم انقلاب هیچ اقدام مثبت و قابل قبولی در این حوزه صورت نگرفته است و با میزان رشد جمعیت ۱/۲ همچنان بر لبه پرتگاه سقوط جمعیت حرکت می‌کنیم و طی سه دهه آینده به جمع پیرترین جوامع جهان می‌پیوندیم. در این میان کم‌رنگ شدن ارزش‌های خانواده با بالا رفتن سن ازدواج هم فرصت فرزندآوری زنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد و موجب می‌شود بحران جمعیت به شکلی جدی‌تر از پیش مطرح شود.

پیری جمعیت کشور مهم‌ترین چالشی است که میزان رشد فعلی جمعیت برای کشور به بار خواهد آورد. اما اگر به سراغ سیاست‌های جمعیتی کشور بروید، هنوز هم آثار سیاست‌های تحدید نسل و تنظیم خانواده را می‌توانید پیگیری کنید.

ترویج تفکرات فمینیستی برای دوری از مادری

یکی از اصلی‌ترین راهکارهای غرب برای جدایی زن از خانواده و در پی آن پایین آمدن میزان باروری و تمایل زنان به مادر شدن، نفوذ تفکرات فمینیستی در جوامع مسلمان بود. این روند در کشور ما از اواخر دوره قاجار شکل گرفت و در دوره پهلوی اول و دوم به اوج خود رسید. این موضوع با طرح مسئله رشد فکری زن و بالا بردن سطح آگاهی وی در کشورهای اسلامی آغاز شد، اما در نهایت اجرای این طرح به تغییرات مهمی در سبک زندگی خانواده و در نهایت کاهش سطح رشد جمعیت انجامید.

اگرچه تغییر موقعیت زن و نقش وی در جامعه تحت عنوان رشد زنان به جامعه ما ارائه شد؛ اما به عقیده پایه‌گذاران سیاست‌های جمعیتی، به معنای جدا شدن زن از ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی با ریشه مذهبی است و همین امر یکی از ابزارهایی است که موجب می‌شود سطح رشد جمعیت در کشورهای اسلامی سیر نزولی داشته باشد.

بر اساس تحقیقات، اغلب زنانی که به بازار کار روی می‌آورند، کاندیدای جدا شدن از ارزش‌های اجتماعی خود هستند و راحت‌تر الگوهای غربی را می‌پذیرند و حتی سایر زنان جامعه را متقاعد می‌کنند بچه‌دار شدن (زایمان) با آزادی و استقلال و تحقق هویت‌شان در تضاد است!

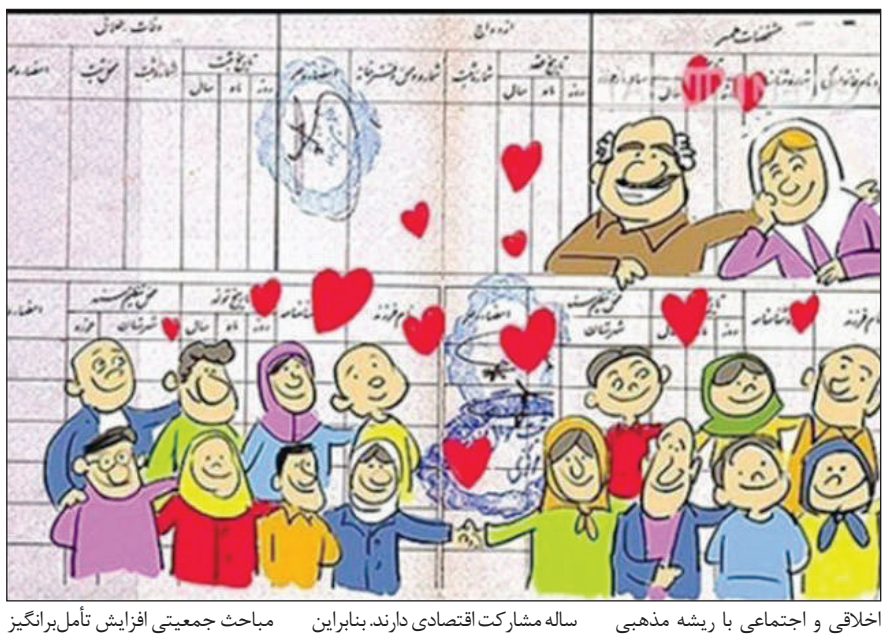

رها کردن جمعیت ۸۳ درصدی زنان خانه‌دار

از سوی دیگر، نمی‌توان همه تقصیرها را به گردن اشتغال زنان انداخت. اگرچه انتظار می‌رود دولت‌ها زمینه‌های لازم را برای حمایت از زنان شاغل فراهم کنند تا آنها هم بتوانند مادر شدن را تجربه کنند، اما آمار اشتغال زنان در کشور ما نشان می‌دهد، اصل برنامه‌ها را باید به سمت زنان خانه‌دار برد و حمایت از مادران خانه‌دار را پیگیری کرد؛ چرا که آمارها نشان می‌دهد در جامعه ایران تنها ۱۶/۳ درصد زنان ۱۵ تا ۶۴ ساله مشارکت اقتصادی دارند. بنابراین باید سیاست‌گذاری‌های کشورمان در حوزه جمعیت و خانواده رویکردهای متفاوت و متناسب با فضای خود را داشته باشد. بدیهی است اگر ما جامعه هدف‌مان را به درستی انتخاب کنیم، به سراغ جامعه ۸۳ درصدی زنان خانه‌دار خواهیم رفت و مباحثی همچون بیمه زنان خانه‌دار از جمله اموری است که باید مورد توجه قرار بگیرد و می‌تواند نقش مثبتی در تصمیم خانواده‌ها برای فرزندآوری داشته باشد.

امروز ۳ میلیون زوج نابارور، حدود ۱۲ میلیون جوان در آستانه خروج از سن مناسب باروری و همچنین جوانان مطلقه‌ای که در سال نخست یا پنج ساله نخست ازدواج‌شان از یکدیگر جدا می‌شوند، تنها فهرستی از آسیب‌های اجتماعی پیرامون ما نیستند؛ بلکه جمعیتی هستند که بی‌صدا از حوزه باروری و افزایش جمعیت خارج می‌شوند

بحران ازدواج

شاید نگران‌کننده‌ترین بخش در مباحث جمعیتی افزایش تأمل‌برانگیز سن ازدواج در میان جوانان باشد. بر اساس آمارهای ارائه شده از سوی سازمان ثبت احوال میانگین سن ازدواج مردان به ۲۸/۵ و سن زنان به ۲۴ سال رسیده است. این در حالی است که مطابق با توصیه‌های پزشکی حداکثر سن ایمن برای باروری زنان ۳۵ سالگی است و برخی پزشکان معتقدند بعد از این سن بارداری و فرزندآوری با چالش‌هایی مواجه می‌شود. اما فاصله بین سن ۲۴ تا ۳۵ سالگی که ۱۱ است با فاصله‌گذاری ۳/۵ تا ۵ سال بین فرزندان، نهایتاً یک زن ایرانی می‌تواند دو فرزند به دنیا بیاورد. از سوی دیگر اما سن ازدواج در کشور همه ساله با افزایش بیشتری مواجه بوده است و این افزایش می‌تواند سیمای آینده جمعیت را با چالش‌های جدی‌تری مواجه کند. با این اوصاف اما تنها چالش جمعیت گریبانگیر جامعه ایرانی نخواهد بود و بالا رفتن سن ازدواج به همراه بحران طلاق که از هر ۳ تا ۴ ازدواج گریبانگیر یکی از آنها می‌شود، موضوعاتی هستند که می‌تواند آینده خانواده را هم در کشور ما با چالش مواجه کند و ما را به بحرانی دچار کند که غرب در آن دست و پا می‌زند؛ بحرانی به نام بحران خانواده.

قوانین کاغذی

برای گریز از بحران‌هایی چون بحران خانواده و بحران جمعیت در کشورمان قانون کم نداریم؛ قوانینی که مهجور مانده و به اجرا نزدیک نشده‌اند.

برای نمونه مصوبه بیمه زنان خانه‌دار سال ۸۱ تصویب شد، اما از آن سال از جمعیت ۲۰ میلیونی زنان خانه‌دار تنها ۱۰۰ هزار نفر برای این بیمه نام‌نویسی کردند. مهم‌ترین دلیل استقبال کم‌رنگ از بیمه زنان خانه‌دار هم یک موضوع بود؛ بسیاری از زنان خانه‌دار درآمدی ندارند تا به عنوان حق بیمه پرداخت کنند. این‌گونه بود که این مصوبه عملاً شکست خورد.

قانون تسهیل ازدواج جوانان هم مصوبه‌ای ۱۳بندی است که در سال ۸۴ تصویب شد، اما تاکنون آیین‌نامه اجرایی آن بیرون نیامده و همین هم موجب شده تا سال به سال به جای تسهیل ازدواج جوانان با سخت‌تر شدن شرایط و کاهش آمار ازدواج مواجه باشیم.

جمعیت بالقوه‌ای که می‌تواند بالفعل شود

اما امروز ۳ میلیون زوج نابارور، حدود ۱۲ میلیون جوان در آستانه خروج از سن مناسب باروری و همچنین جوانان مطلقه‌ای که در سال نخست یا پنج ساله نخست ازدواج‌شان از یکدیگر جدا می‌شوند، تنها فهرستی از آسیب‌های اجتماعی پیرامون ما نیستند؛ بلکه جمعیتی هستند که بی‌صدا از حوزه باروری و افزایش جمعیت خارج می‌شوند. با کمک به سه میلیون زوج نابارور برای درمان یا تسهیل ازدواج ۱۲ میلیون جوان و اضافه شدن حدود شش میلیون خانواده به کشور بخش عمده‌ای از عقب‌ماندگی‌ها در حوزه جمعیت جبران و نگرانی‌های ناشی از پیری جمعیت برطرف می‌شود، اما این امر نیازمند عزمی جدی است.

راه نرفته

زندگی شیرین می‌شود

سؤال: دعوا و جرّوبحث ممکن است در زندگی همه ما به وجود بیاید و مشکلاتی را ایجاد کند. این مسئله به ویژه در حوزه روابط زن و شوهر خیلی مهم است. حال این پرسش مطرح می‌شود، اگر بین ما و همسرمان اختلافی پیش آمد و از دست همدیگر عصبانی شدیم، باید چه رفتاری داشته باشیم تا بتوانیم روابط‌مان را مدیریت کنیم و مانع شکل‌گیری دعوا با همدیگر شویم؟

جواب: برای آنکه بتوانید از دعوا و تشنج میان خود و همسرتان جلوگیری کنید، پیش از تشنج‌زدایی ابتدا تا ده بشمارید تا کمی آرام شوید، نفس عمیقی بکشید و موقعیت فیزیکی خود را عوض کنید؛ برای نمونه اگر نشسته‌اید، برخیزید و اگر ایستاده‌اید، بنشینید؛ در صورت امکان چند جرعه آب بنوشید. پس از این مراحل است که به آرامش می‌رسید و می‌توانید جمله یا جملات آماده کرده را بیان کنید. اگر احساس کردید به هر دلیل نمی‌توانید این کار را انجام دهید؛ به همسرتان بفهمانید که از ناراحتی زیاد فعلاً نمی‌توانید جوابی بدهید.

توجه کنید؛ از گفتن چیزی که ممکن است بعدها پشیمانی به بار آورده و جبران‌پذیر نباشد، خودداری کنید. این رفتار از آب خوردن هم راحت‌تر است. اگر لحظه‌ای مکث کنید و جوابی ندهید، هم از گفتن حرفی که موجب پشیمانی و عواقب منفی می‌شود خودداری کرده‌اید.

هم به خودتان فرصت داده‌اید تا جمله طلایی را بیابید. وقتی به خودتان برای فکر کردن درباره موضوع بحث زمان بیشتری می‌دهید، ذهن‌تان را حاضرتر می‌کنید. در ادامه برای رسیدن به آرامش بیشتر یکی از ویژگی‌های همسرتان را که خیلی مورد علاقه و توجه شماست به‌یاد بیاورید. برای نمونه، به یاد بیاورید چرا همسرتان را دوست دارید، یا چرا با او زندگی می‌کنید.

دکتر مجید ابهری، عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی

گروه «زندگی» صبح صادق آماده است تا پلی بین شما خوانندگان با مشاوران خبره و امین ایجاد کند.
سؤالات خود را از طریق سامانه پیامک ۳۰۰۰۹۹۰۰۳۳ برای ما ارسال کنید.

بیش از هر زمان دیگر قدرتمندیم

سرلشکر باقری گفت: نیروهای مسلح ما در توسعه قدرت دفاعی منتظر مجوز یا لبخند هیچ قدرتی نیستند. امروز نیروهای مسلح ما بحمدالله بیش از هر زمان دیگری از نظر قدرت دفاعی و آمادگی‌های نظامی و رزمی در اوج به سر می‌برند. اگر این ملت روزی در ابتدای انقلاب توانایی و تجهیزات لازم را نداشت، امروز در اوج قدرت خود به سر می‌برد، دشمنی که در آن روز شکست خورده، چگونه می‌خواهد با ملت بزرگ ایران این‌گونه در بیفتد.

یادداشت

پاسداری از انقلاب با قرآن

□ علیرضا جلالیان/ انقلاب اسلامی با مدل ولایت فقیه در واقع در حال رقم زدن نمود عینی حکومت الهی در جمهوری اسلامی است؛ اما یکی از مهم‌ترین الزامات نیل به این مقصود که شاید خود یکی از مقدمات ظهور حضرت مهدی(عج) باشد، اجرای نسخه الهی و وحیانی است؛ نسخه‌ای که دین(اسلام) نام گرفته و در قالب قرآن خلاصه می‌شود. البته نباید پیوند ناگسستنی قرآن با مفسر و عامل واقعی‌اش، یعنی اهل بیت(ع) را فراموش کرد. اساساً پیاده شدن اسلام و احکام اسلامی به برپایی حکومت نیاز داشته که نبی مکرم اسلام(ص) در مدینه‌النبی بنای این امر را نهادند. پنج سال حکومت امیرالمؤمنین علی(ع) و امام حسن مجتبی(ع) برهه دیگر حکومت ولی الهی بود که در آن اگرچه فرصت چندانی نبود؛ اما احکام دین تا حد ممکن اجرا شد. این در حالی است که حکومت ولی الهی به دلیل همراهی نکردن مردم دیگر ادامه پیدا نکرد تا ماجرا به غیبت کبری کشیده شد که در این برهه ولاء فقیه زمام‌دار امور دین بودند، تا اینکه امام خمینی(ره) در تداوم سلسله ولاء فقیه قیام خود را صورت دادند و با همراهی مردم توانستند اولین حکومت اسلامی ذیل ولی الهی را پس از شروع غیبت کبری برقرار کنند. از این به بعد. شرایط برقراری شریعت اسلام و قواعد قرآن در جامعه فراهم شد، موضوعی که می‌توان از آن به مقدمه‌سازی برای حضور و ظهور امام غایب یاد کرد. بر اساس این، انقلاب اسلامی رسالتی عظیم و تاریخ‌ساز دارد، از همین رو می‌توان متوجه اهمیت مأموریت سنگرنشینان انقلاب و پاسداران و صیانت‌کنندگان آن شد. نیل به جامعه آخرالزمانی یا به تعبیری جامعه مهدوی در پس همین موضوع عمل به قرآن و پیاده‌سازی آن میسر است و پاسداران انقلاب یکی از مهم‌ترین وظایفی که در این زمینه بر عهده دارند، پیوند با قرآن و شریعت است. به این ترتیب، اساس نیاز اول قرآنی شدن سپاه است. این قرآنی شدن البته ظاهری نیست که بتوان تنها با برنامه‌های قرآنی و خواندن بدون تدبر در آن و تأمل نکردن در آیات آن به دست بیاید. مجموعه پاسداران انقلاب اسلامی باید به حدی از فهم و ادراک از قرآن برسند که بتوانند مأموریت‌های خویش را مبتنی بر این امر انجام داده و هر لحظه قرآن و شریعت اسلامی را مبنای عمل و سنجش کار خود قرار دهند. بر اساس این است که نیروهای مسلح جمهوری اسلامی و به ویژه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی توجه ویژه به موضوع قرآن دارند که البته باید تأکید کرد این توجه نباید در ظاهر بماند و باید به پوسته و عمق وجود سپاه و پاسداران نفوذ کند. قرآن باید منشأ نیازشناسی و شناخت راه‌های رفع نیاز باشد. دشمن‌شناسی، بصیرت، عمل مجاهدانه، معنویت و ولایتمداری همگی شاخصه‌هایی هستند که قرآن برای یک پاسدار برشمرده و پاسداران باید به این زینت‌های قرآنی آراسته شوند. از سویی، در حوزه‌های فرهنگ، اقتصاد، مسائل اجتماعی و... ضروری است در جامعه، امر قرآن جاری و ساری شود و چنین امری در انقلاب اسلامی و در کشور به خط‌شکن و الگو نیاز دارد که سپاه توان الگو شدن در این حوزه را دارد.

نقطه سرخط

حفظ قرآن برای عمل

همیشه دنبال حفظ قرآن بود و چند جزء را حفظ کرده بود. ماه رمضان بیشتر تلاش می‌کرد. یک‌بار بهش گفتم تو که رسته‌ات عقیدتی نیست و مخابراته، دنبال کار تخصصی خودت باش. حفظ قرآن ثواب داره، ولی کار تو هم برای اسلامه. خیلی سریع سه آیه از قرآن رو با ترجمه برام خوند و جوابم رو داد. پس از شنیدن آیه‌ها قانع شدم. بعدش ادامه داد اگر این آیه‌ها رو حفظ نبودم و معنا و جای استفاده از اون‌ها رو نمی‌دونستم، الآن سؤال تو بی‌جواب بود. رسالت یک پاسدار باید حفظ قرآن، که مقدمه عمل هست، باشه و بتونه راهکارهای قرآن رو هر لحظه همراه خودش داشته باشه.

در گفت و گو با مدیر مؤسسه ۲۷ بعثت مطرح شد

شهید حاج‌حسین همدانی پشت همه ماجرا بود

□ حسن ابراهیمی/ گنج

تمام نشدنی دفاع مقدس اگر مکتوب و مستند نشود نمی‌تواند برای نسل‌های بعد ماندگار باشد و این یک رسالت زینبی است. خطابه‌های روشنگرانه حضرت زینب(س) بود که حماسه حسینی را زنده نگه داشت. بر همین اساس مطالبه امام انقلاب همواره مکتوب و مستند کردن وقایع و مسائل دفاع مقدس و پژوهش‌های این حوزه است. مؤسسه مطالعاتی و پژوهشی ۲۷ بعثت با تلاش عده‌ای از فرماندهان، رزمندگان و نسل جوان مجموعه سپاه محمد رسول‌الله(ص) چند سالی است که به همین منظور شکل گرفته تا یاد و خاطره دفاع مقدس و شهدای لشکر همیشه پیروز ۲۷ محمد رسول‌الله(ص) را در تاریخ جاودان کند. مازیار حاتمی مدیر این مؤسسه بانی این اتفاق را امام خامنه‌ای(مدظله‌العالی) می‌داند که با خطاب‌هایی که به سردار شهید حاج‌حسین همدانی داشتند موجب شدند این مؤسسه با هماهنگی‌ها و تلاش‌های حاج‌حسین شکل بگیرد. در ادامه در خصوص کمّ و کیف فعالیت‌های مؤسسه مصاحبه ما با آقای حاتمی را می‌خوانید.

*** لطفاً بفرمایید این مجموعه چگونه شکل گرفت؟**

بنده چند سال پیش روز ۱۴ خرداد در مراسم ارتحال امام(ره) شهید حاج‌حسین همدانی را دیدم، چون دغدغه داشتم گفتم حاج‌حسین این‌طوری نمی‌شود! باید کاری کرد. ایشان گفت صبر کن خبرهای خوبی در راه است. چند مدت بعد شهید همدانی با من تماس گرفت و گفت فردا اول صبح بیا فلان جا. (محل فعلی همین مؤسسه) من صبح رفتم دیدم سایر دوستان هم آنجا حضور دارند. شهید همدانی گفت این بحث نوشتن در خصوص تاریخ لشکر و حضور لشکر در دفاع مقدس و شهدای لشکر از مطالبات رهبر معظم انقلاب بوده که به ایشان فرموده‌اند و به من گفتند شما دیگر سر کار قبلی نرو و بیا اینجا مشغول شو. در واقع، بنای کار را شخص شهید همدانی گذاشتند. البته بنده یک سالی می‌شود که مدیر این مجموعه هستم، پیش از این در بخش‌های دیگر مجموعه فعالیت داشتم.

*** در این مؤسسه چه فعالیت‌هایی دارید؟**

مؤسسه سال ۹۱ با هدف نشر و تألیف آثار دفاع مقدس و به صورت تخصصی آثار لشکر ۲۷ حضرت محمد رسول‌الله(ص) به راه افتاد. در همین زمینه یک‌سری سرگذشت‌نامه‌ها برای فرماندهان شهید خودمان داریم. لشکر نزدیک ۲۰۰ فرمانده شهید دارد، از فرمانده لشکر تا فرمانده و معاون گردان که شناسایی شدند و باید روی آنها کار شود. تاکنون نزدیک به ۳۰ کتاب نوشته شده است و بخشی را جناب آقای بابایی به عنوان مجموعه ۲۷ در ۲۷ کار کردند که جانشین‌ها و و فرماندهان محورهای لشکر هستند و بخشی را هم با عنوان بیست‌وهفتی‌ها که فرمانده گردان‌ها و واحدها هستند، داریم که مجموعه ادبیات مؤسسه با نویسندگان دیگر بر روی آن کار می‌کنند. زندگی‌نامه شهیدان همت، چراغی و اخیراً شهید مهتدی و نیز زندگی‌نامه حاج‌احمد متوسلیان را داریم.

در کنار این سرگذشت‌نامه‌ها یک‌سری تاریخ شفاهی را هم داریم. همچنین کارنامه عملیاتی را داریم که به دنبال کتاب «ضربت متقابل» و «هم‌پای صاعقه» به کوشش انتشارات سوره مهر منتشر شد و آقای بابایی کتاب «شراره‌های خورشید» را کار کردند که با توجه به سیر تاریخی، کتاب شماره شش کارنامه عملیاتی لشکر است و کتاب‌های سوم، چهارم و پنجم هنوز کار نشده است. عملیات‌های والفجر مقدماتی و ۱، مسلم، والفجر ۴ وقایع مابین اینها است و بعد از عملیات خیبر که با عنوان «شراره‌های آتش» چاپ شده شماره بعد عملیات بدر است. جدای از کارنامه‌های عملیاتی، شهدای مدافع حرم هم هستند که خود شهید همدانی در رأس آنها قرار دارند و سایر شهدا که برنامه‌ریزی در خصوص کتاب‌های اینها انجام و بعضاً اجرایی شده است. در مجموع تا الآن ۷۴ اثر منتشر شده است. آثاری هم در حوزه راهبردی جنگ داریم؛ مثل «رؤیای آمریکایی».

*** لطفاً درباره حمایت‌هایی که از شما می‌شود و وابستگی‌های مجموعه و نحوه درآمد و هزینه‌ها بفرمایید.**

همان‌طور که می‌دانید مجموعه‌ای پویا و موفق است که بتواند روی پای خودش بایستد. نشر ۲۷ به سمت خودکفایی پیش می‌رود. ما به جایی وابسته نیستیم. نشر ما مستقل است و پرونده مستقل دارد. اما قطعاً به سپاه تهران نیازمندیم چون اصلاً نوع عملکرد ما برای سپاه تهران است و محتواهایی که می‌خواهیم همگی در اختیار سپاه تهران است. البته حرکت در مسیر خودکفایی به کیفیت کار ما کمک می‌کند.

*** به چه نحو به این مقصود می‌رسید؟**

در این راستا ما امسال ۹ فروشگاه و کتابکده ۲۷ را که در سطح تهران داریم، برنامه‌ریزی کردیم که ارائه مکتوبات نشر ۲۷ و دیگر ناشران حوزه دفاع مقدس را داشته باشند، بخشی از درآمد از طریق این فروشگاه‌ها تأمین می‌شود. کار بعدی حضور پر قدرت در نمایشگاه‌های تهران و تمامی نمایشگاه‌های استانی است. اقدام بعدی حضور نشر ۲۷ در اکثر مجامع مذهبی برای عرضه محصولات فرهنگی و کتب دفاع مقدس است.

*** کارهای غیر مکتوب هم دارید؟**

بله در حوزه دیداری و شنیداری فقط در سال ۹۵ دو هزار دقیقه تولید داشتیم. مستند عملیات خیبر، عملیات مسلم، عملیات والفجر ۴ و کربلای ۱ مستندهای تولیدی مجموعه هستند که از صداوسیما هم پخش شده‌اند.

*** در حوزه ترجمه کتاب‌های خود به دیگر زبان‌ها هم اقدامی کرده‌اید؟**

۱۴ عنوان از کتاب‌های‌مان را به دو زبان عربی و انگلیسی ترجمه کرده‌ایم؛ کتاب زندگی‌نامه حاج‌احمد متوسلیان، شهید همت، کتاب شهید قجه‌ای و کتاب گردان نهم، کتاب شهید حاج‌عباس کریمی و... ما بخشی از کتاب‌ها را که ترجمه کردیم در اوج دوره مقاومت در سوریه و لبنان ارسال کردیم که به ویژه از مجموعه حاج‌احمد که شناخته شده‌تر بود استقبال شد. با این کتاب‌ها در نمایشگاه مسکو و فرانکفورت شرکت کردیم. انتظار نداشتیم از کتاب‌ها استقبال شود، ولی استقبال خوب بود.

*** از نمایشگاه کتاب امسال بگویید.**

امسال ۷۴ عنوان کتاب داشتیم که هشت تای آن جدید بود. استقبال مردم از کتاب‌های مؤسسه خوب بود. مثلاً خداحافظ سالار که پارسال اواخر نمایشگاه رسیده بود، امسال خیلی با قدرت در نمایشگاه بود که شش هزار جلد آن امسال به دست مردم رسید. «آب هرگز نمی‌میرد»، «تمنای بی‌خزان»، «رؤیای آمریکایی» کتاب‌های پر فروش ما شدند. خداحافظ سالار در روز هشتم نمایشگاه تمام شد و باید به چاپ جدید اقدام کنیم. الآن عمده کتاب‌های ما نوبت چاپ دهم به بالا هستند و خداحافظ سالار در آستانه چاپ چهلم است.

*** نویسنده‌های شما چه کسانی هستند؟**

در ابتدا نویسنده‌هایی که افتخار دادند آقای بابایی، بهزاد و شکری و بعد جناب آقای حسام که با مجموعه همکاری می‌کنند. سرگذشت‌نامه‌های شهدا را الآن یک‌سری از نویسندگان جوان انجام می‌دهند که هم قلم خوبی دارند و هم رتبه آورده‌اند. علاوه بر مفاخری که عرض کردم، حدود ۲۰ نویسنده با ما همکاری می‌کنند.

پاسداران خورشید

همسر شهید مدافع حرم مرتضی کریمی‌شالی

زندگی‌اش را وقف انقلاب کرده بود

□ احسان امیری/ شهید مفقودالاثر مدافع حرم «مرتضی کریمی‌شالی»، ۲۱ دی ماه سال ۹۴ در سوریه آسمانی شد. از او دو دختر به یادگار مانده است. خانم «فاطمه‌سادات موسوی» همسر این شهید بزرگوار درباره زندگی مشترکش چنین می‌گوید: «سال اول دبیرستان بودم که ازدواج کردم. با دخترعموها و دختردایی‌های مرتضی هم‌مدرسه‌ای بودم. ما اصالتاً قزوینی هستیم، بخش شال شهرستان بوئین‌زهرا. آقامرتضی گفته بود همسر سیده می‌خواهم که اقوام آنها مرا معرفی کردند. گاهی از دیر به خانه آمدن‌هایش شاکی می‌شدم، اما وقتی می‌آمد حتی اگر برای بحث کردن با او نقشه‌های زیادی کشیده بودم، با دیدنش تمام حرف‌ها و ناراحتی‌هایم تمام می‌شد. انگار با آمدنش تمام سختی‌هایم به اتمام می‌رسید. قبل از وارد شدن به سپاه، مدتی در سازمان فرهنگی- هنری شهرداری تهران مشغول به فعالیت بود. گاهی برای مأموریت شش ماه همدان، شش ماه ارومیه یا جاهای دیگر می‌رفت. از این وضع خوشحال نبودم، اما دلم نمی‌خواست دلتنگی‌های من به کارش صدمه بزند. حقیقتاً دلتنگی عادت‌بردار نبود! هرچه بیشتر از زندگی‌مان می‌گذشت، وابستگی‌ام به مرتضی هم بیشتر می‌شد. دوستش داشتم... هرچه از زندگی‌مان می‌گذشت، حس وابستگی‌ام بیشتر می‌شد. وقتی پشت تلفن سلام می‌کرد، انگار به یکباره تمام عصبانیتم فروکش می‌کرد. مرتضی زندگی‌اش را وقف انقلاب کرده بود. بعد از شهادتش فهمیدم که مرتضی فرمانده بوده!

هرچند مرتبه که برای رفتن به سوریه اقدام کرد، مخالفت کردم. با اینکه می‌دانست حتی حرف زدن از سوریه هم مرا ناراحت می‌کند، اما با هیجان از رفتن می‌گفت. انگار نمی‌توانست ذوق‌زدگی‌اش را پنهان کند. این حال او وقتی از سوریه شهید می‌آوردند دوچندان می‌شد. کارم به التماس کشیده بود، بلکه بتوانم مانع از رفتنش شوم. سال ۹۳ بعد از فوت خواهرش بود که دو هفته سفرش طول کشید. درباره این سفر هیچ حرفی به ما نزد. بعدها از برخوردهایش فهمیدیم که واقعاً سوریه بوده است. دی ماه بود، مرتضی آمد، نمی‌دانم چرا وقتی در خانه را برایش باز کردم و مرتضی را دیدم، حس کردم انگار مرتضی می‌خواهد پرواز کند! تا وارد اتاق شد، گفت: «من یک ساعت دیگر عازم سوریه هستم!» جا خوردم. باورم نمی‌شد! دیگر التماس‌ها و اشک‌هایم اثری نداشت. این‌بار مرتضی عزمش را جزم کرده بود. حالا دیگر حتی من هم نمی‌توانستم مانع از رفتنش شوم. من حتی با او خداحافظی نکردم. نمی‌توانستم به راحتی دل بکنم. با خودم می‌گفتم حضرت زینب(س) از من راضی می‌شود. من مرتضایم را خیلی دوست داشتم. حال که باید از او دل می‌کندم، درد تمام روزهایی که از من دور بود برایم تازه شد و به قلبم فشار می‌آورد. کاش دست‌هایش را می‌گرفتم و بدرقه‌اش می‌کردم. دهم دی ماه سال ۹۴ بود که اعزام شد ۱۲ روز بعد از رفتنش به شهادت رسید.

دوشنبه روزی بود که از محل کار مرتضی تماس گرفتند و گفتند فردا برای احوالپرسی به خانه شما می‌آییم. ولی بعد گفتند برنامه لغو شده است. همان روز، ملیکا که از خواب بیدار شد، گفت: «مامانی خواب دیدم بابایی تو هواپیما نزدیک خورشید بود. من و شما و حنانه از پایین برایش دست تکان می‌دادیم...»

وقتی برادر شوهرم خبر شهادتش را داد، بند دلم پاره شد. بدنم می‌لرزید. به مادر مرتضی می‌گفتم؛ «مامان من مرتضی را می‌خواهم!...»

بعد از شهادتش واقعاً از او راضی شدم. حالا جای مرتضی خالی است، اما من و دخترانم به داشتن «مرتضای شهید» افتخار می‌کنیم.

روی خط

صبح صادق به دورافتاده‌ترین روستاها هم می‌رسد

۰۹۳۳۰۰۰۱۶۳۴/ متأسفانه، در ماه مبارک رمضان فروشگاه اتکا اقلامی اعلام نکرد. لطفاً بیشتر به فکر کارکنان باشید./ «مدرس» از منطقه سوم ماهشهر

۰۹۳۳۰۰۰۲۸۰۹/ تنها آرزوی این بسیجی رزمنده پیشکسوت در دهه هفتم عمرم این است که یکی پیدا شود و به این خونریزی‌ها و جنایت‌های آل‌سعود علیه مردم بی‌گناه یمن پایان بدهد و صلح و اخوت را برقرار کند./ «سیدفضل‌الله محمدی(سیدسقا)» از تهران

۰۹۱۴۰۰۰۸۹۶۱/ شهید عزیز ما، سید شهیدان اهل قلم سیدمرتضی آوینی گفته بودند زندگی زیباست، اما شهادت از آن زیباتر است، بنده حقیر نیز عرض می‌کنم بازنشستگی زیباست، اما شهادت از آن زیباتر است.

۰۹۱۸۰۰۰۴۲۹۱/ خیلی خوشحالیم که صبح صادق به دورافتاده‌ترین شهرها و روستاهای کشور هم می‌رسد./ «دهلران» روستای دولمنیری

۰۹۹۰۰۰۰۱۰۵۰/ با اینکه ورودی ۸۴ هستیم، ما و ورودی‌های جدیدتر نتوانسته‌ایم هنوز وام ودیعه مسکن را دریافت کنیم. لطفاً این موضوع را به گوش مسئولان برسانید.

۰۹۱۴۰۰۰۳۶۰۰/ با بیش از ۱۲ سال سابقه مستأجر هستم. چرا وام مسکن بسیجیان کد ۸۹ پرداخت نمی‌شود؟ چرا تعیین تکلیف وضعیت خدمتی نمی‌شویم؟

۰۹۱۵۰۰۰۰۳۷۴/ سود سهام بانک ثامن آخر به کجا رسید؟

صبح صادق: در پاسخ به این پیام باید گفت که «مؤسسه ثامن» به بانک انصار ملحق شده است؛ لذا مکاتبات انجام شده و وضعیت سهام این مؤسسه را از بانک انصار پیگیری کرده‌ایم. در حال حاضر منتظر پاسخ مسئولان هستیم.

۰۹۳۳۰۰۰۲۰۰۷/ ماه مبارک رمضان بهترین زمان است برای اینکه پاسداران انقلاب اسلامی قرآنی شوند و یازده ماه دیگر سال هم با قرآن و دستورات این کتاب آسمانی انس بگیرند. بنده بابت برنامه‌های خوب نمایندگی در ماه رمضان تشکر می‌کنم ولی باید برنامه‌ها بیشتر به سمت کاربردی شدن در یگان‌ها پیش برود.

۰۹۱۸۰۰۰۳۴۲۸/ با گذشت حدود دو ماه از آغاز سال، کارکنان هنوز اطلاعات دقیقی درباره خدمات ندارند، صبح صادق که در همه جای سپاه توزیع می‌شود، می‌تواند درباره خدمات گزارش تهیه کند تا پاسداران در جریان این مسائل قرار بگیرند./ پرویز میرزایی از کرمانشاه

صبح صادق: با تشکر از نظر شما، این جزء برنامه‌های ما است و در حال هماهنگی هستیم؛ ان‌شاءالله طی شماره‌های بعدی گزارش‌هایی از خدمات بنیاد تعاون و نیروی انسانی منتشر خواهد شد.

۰۹۲۲۰۰۰۷۸۱۳/ ۲۰ سال اول انقلاب اسلامی درگیر توان دفاعی و تقویت قدرت دفاعی در داخل بودیم، ۲۰ سال دوم قدرت دفاعی را در منطقه گسترش دادیم و ان‌شاءالله در ۲۰ سال سوم قدرت دفاعی و توان بازدارندگی را در سطح جهانی گسترش می‌دهیم؛ اما انتظار داریم سیاسیون نیز هم‌پای نیروهای دفاعی عمل کنند.

پیام‌های ارسالی به کانال صبح صادق در پیام‌رسان سروش:

ـ لطف کنید در نشریه و تولیدات عمومی در پایگاه اینترنتی و کانال‌ها درباره جریان شیرازی و شیعه انگلیسی مطلب منتشر کنید./ «سلمان شیروانی» هادی سیاسی

ـ متأسفانه پاداش بازنشستگی ما بازنشستگان سال‌های ۹۵ و ۹۶ را پرداخت نکرده‌اند./ یک بازنشسته از میاندوآب

نکته: برای بیان نظرات و نیز شرکت در مسابقه پیامکی تریبون از این پس می‌توانید از طریق کانال هفته‌نامه صبح صادق در سروش هم اقدام کنید. درج نام و شماره تماس که بتوان با شما تماس گرفت، برای شرکت در این مسابقه الزامی است.

ارتباط با سردار صفری مشاور فرمانده کل سپاه در امور ایثارگران- تلفن: ۳۵۲۳۲۴۲۲-۳۵۲۳۴۵۰۶

پیامک صبح صادق ۳۰۰۰۹۹۰۰۳۳

گلی از باغ

«اینجا حلب، به گوشم...»

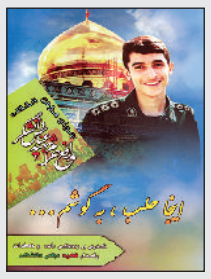

دیر زمانی نیست که ماجرای مدافعان حرم قوت گرفته و تا امروز شاید هزاران شهید مدافع حرم ایرانی، افغانی، لبنانی، عراقی، سوری، پاکستانی و... در راه دفاع از حریم اسلام و اهل بیت(ع) به شهادت رسیده یا به توفیق جانبازی در این مسیر نائل آمده‌اند. مسیر مدافعان حرم در امتداد مسیر رزمندگان دفاع مقدس است. خوشبختانه ادبیات در این حوزه به مانند ماجرای شهدای دفاع مقدس نبوده و در طی پنج شش سال اخیر حرکت‌های خوبی در حوزه مکتوب کردن سرگذشت شهدا صورت گرفته است؛ شهدای دهه شصتی و دهه هفتادی که با رشادت‌های خود الگوهای جامعه امروز شده‌اند. «اینجا حلب، به گوشم...» تلاشی از این دست است که به کوشش خانواده و همرزمان یک شهید مدافع حرم گردآوری شده است، اگرچه اثری حرفه‌ای و بی‌نقص نیست. کتاب گذری بر زندگی و خاطرات شهید مدافع حرم «عباس دانشگر» است که به همت مجموعه دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین(ع) تدوین شده است. خارج از کمّ و کیف تهیه و تنظیم کتاب که غیر حرفه‌ای است، محتوای کتاب می‌تواند فردی را که طالب شناخت بیشتر از شهید باشد راهنمایی کند. کتاب در شش بخش تنظیم شده که هر بخش شامل تعدادی مطلب و خاطره است. در بخش مقدماتی کتاب زندگی‌نامه و سخن بزرگان درباره شهید ارائه شده است، «از طلوع تا بلوغ» بخش دیگر این مجموعه است که به خاطرات خانواده و دوستان شهید درباره او پرداخته، «رشادت تا شهادت» بخش دیگر کتاب است که چند خاطره را دستمایه خود قرار داده است. اما بخش عمده کتاب، خاطرات مربوط به دوره کادر شهید و دوران پاسداری اوست که از زبان هم‌دوره‌ای‌ها، فرماندهان و استادان شهید بیان شده است. خاطرات دوره اعزام به سوریه و خاطرات بعد از شهادت هم دیگر بخش‌های کتاب است. همچنین در صفحات پایانی کتاب تصاویری از شهید ارائه شده است.

قبیله عشق

بالاخره برادر شهید شدم!

نوروز سال ۶۴ بود که رضا برگشت. گفتم داداشت کو؟ گفت نگران نباشید، جاش خوبه برمی‌گرده. هر روز سراغ غلام را از او می‌گرفتم. تا اینکه روز هفتم عید گفت مجروح شده. گفتم راستش را بگو، من طاقتش را دارم. چشمانش پر از اشک شد. سرش را بالا گرفته بود تا اشک‌هایش نریزد، گفت داداشم شهید شده...، با اینکه یک ماه از شهادت غلام می‌گذشت، به همه دوستانش سپرده بود که ما نفهمیم. رضا هم سال ۶۵ شهید شد.

به نقل از مادر شهیدان غلامرضا و عبدالرضا ذاکرعباسعلی

وقتی گروه شناسایی غلامرضا برنگشتند، چندین شب تمام معابر را دنبال‌شان گشتیم؛ اما نشانه‌ها خبر از شهادت بچه‌های این گروه می‌داد. برادرش عبدالرضا برخلاف همه که ناراحت بودند، به همه روحیه می‌داد و می‌گفت: بالاخره من هم برادر شهید شدم، باید تسویه کنم و به بنیاد شهید بروم! ظاهرش آرام بود، اما از درون می‌جوشید و می‌سوخت. عبدالرضا تا زمان شهادتش، بارها این معبر را رفت تا شاید برادرش را پیدا کند.

به نقل از همرزمان شهیدان غلامرضا و عبدالرضا ذاکرعباسعلی

غلامرضا فروردین ماه سال ۱۳۴۳ در شیراز به دنیا آمد. برادر بزرگ‌ترش عبدالرضا اسفند ماه سال ۱۳۴۰ متولد شد. دو برادر در حال تحصیل بودند که انقلاب کم‌کم پا گرفت. هر دو در متن انقلاب بودند و در همه راه‌پیمایی‌ها شرکت می‌کردند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی هر دو برادر به جبهه رفتند. غلامرضا کوچک‌تر بود، اما زودتر به جبهه رفت؛ رضا هم پس از او راهی شد. هر دو هم در واحد اطلاعات عملیات فعالیت می‌کردند. غلامرضا و تیمش پیش از عملیات بدر در مأموریت شناسایی ۱۲ اسفند ماه سال ۶۳ مفقود شدند. دو سال بعد برادر دیگر شهید شد. پیکر دو برادر بازنگشت تا اینکه هر دو برادر همزمان پیکرشان یکی پس از ۱۵ سال و دیگری پس از ۱۷ سال تفحص شد و دقیقاً در محلی که تعیین کرده بودند(قطعه شهدای عملیات خیبر گلزار شهدای شیراز) کنار هم به خاک سپرده شدند.

گزارش خبری

گزارشی کوتاه از افتتاح مرکز تخصصی شیمی‌درمانی حضرت فاطمه‌زهرا(س) در خرمشهر

حماسه‌آفرینان دیروز در حال جنگ با بیماری سرطان

□ عمار قلعه‌نوعی/ روز سوم خرداده. کوچه پس کوچه‌های آرام شهر خرمشهر که هر یک غم سنگینی رو تو دل خودشون پنهان کردن، رودخانه کارون با آرامش همیشگی خودش در حال پیمودن راه درازی است که از مبدأ تا مقصد باید طی کنه و مردم صبور، رنج‌کشیده و سختکوش خرمشهری هم زیر آفتاب سوزان خرداد ماه با زبان روزه در حال انجام کارهای روزمره خودشون هستن. قراره تا غروب آفتاب اتفاقاتی در این شهر رخ بده که مهم‌ترینش دیدار دوستان و یاران قدیمی در همایش «فاتحان خرمشهر» است؛ چهره‌های سوخته و خسته، اما شاداب و بشاشی که از هر کجای شهر و استان و کشور خودشون رو به قرار ساعت پنج‌ونیم عصر رسوندن تا تجدید خاطره‌ای کنند از روزهای سخت جنگ، حماسه و افتخار... .

اما قصه این روز قشنگ به اینجا ختم نمی‌شه، در لابه‌لای حرف‌های در گوشی جمعیت، صحبت از فتح و افتخاری دیگر هست که قراره به همت افتخارآفرینان دیروز و حماسه‌سازان امروز خرمشهری و خوزستانی رقم بخوره تا مرهمی باشه بر دردهای مردم رنج‌کشیده شهر... قرارشون ساعت نه‌ونیم شبه و محل قرار بیمارستان حضرت ولی‌عصر(عج) خرمشهر.

سر ساعت یکی یکی بچه‌های قدیمی دارن دور هم جمع می‌شن، مادران و همسران، برادران و خواهران شهدا، همرزم‌های قدیمی بعد از افطار و نماز دوباره اومدن تا حماسه‌ای دیگر رو رقم بزنن، اومدن تا ثابت کنن جنگ هنوز تمام نشده و با همه سختی‌هایی که مردم این شهر قهرمان‌دارن، باز هم همت همون بچه‌ها هستن که دارن توی کوچه پس کوچه‌های شهر سر و صدا راه می‌اندازن.

این جنگ، جنگ مبارزه با «سرطان» است و مردمی که چشم امیدشون به دستان با غیرت همشهری‌هاشون دوخته شده... قراره افتتاحی صورت بگیره از جنس همت و غیرت.

مردان و زنان خرمشهری؛ آنهایی که زیر پرچم حضرت زهرا(س) در مجموعه مؤسسه خیریه امدادگران عاشورا جمع شدند تا عاشورایی عمل کنن و ثابت کنن امدادگری هنر عاشورائیان است... .

البته تو این افتخار بزرگ نباید زحمات و خدمات دانشگاه علوم پزشکی آبادان و مدیریت منطقه آزاد اروند رو نادیده گرفت که با همدلی و یکصدایی و انجام یک کار تیمی هماهنگ به این مهم دست پیدا کردن.

این مرکز تخصصی شیمی‌درمانی در مساحتی به وسعت ۳۴۰ متر مربع با ۱۶ تختخواب و با مبلغی به ارزش ۷۵۰ میلیون تومان نقد و چندصد میلیون کمک‌های غیر نقدی از جمله سیمان و مصالح و تخت و... به بهره‌برداری رسید که قراره ان‌شاءالله در چند مرحله و با استقرار پزشک از هفته‌ای دو روز تا به صورت تمام‌وقت به بیماران نیازمند خرمشهری و منطقه جنوب خوزستان و جزیره آبادان خدمات ارائه بده.

صبح صادق

دوشنبه ۷ خرداد ۱۳۹۷
۱۲ رمضان ۱۴۳۹
سال هجدهم شماره ۸۴۹
۱۲ صفحه

Mon. 28 MAY 2018
www.sobhesadeghweekly.ir

هفته‌نامه سیاسی، فرهنگی و اجتماعی صبح صادق
زیر نظر شورای نویسندگان معاونت سیاسی
نمایندگی ولی فقیه در سپاه

تلفن: ۱۱۰-۷۷۴۶۰۱۰۰(۰۲۱)
صندوق پستی: ۱۷۳۸۵/۱۸۵
سایت اختصاصی: ssweekly.ir
رایانامه: sobhesadegh@iran.ir
سامانه پیامک کوتاه: ۳۰۰۰۹۹۰۰۳۳
نمابر: ۷۷۴۸۸۴۲۶
کانال پیام‌رسان سروش: @ssweekly

صبحانه

مشتاق گذشت تو...

خدایا!
سرافکنده، اما امیدوار
به درگاه رحمتت آمده‌ام و پشیمان و گرانبار
به بخشایش بی‌مانند تو
چشم توقع دوخته‌ام.
با هر چه که نزدت آورده‌ام،
به گذشت تو مشتاقم،
به کرامت و مهرت دل‌بسته‌ام
و فقط بر آن تکیه و اعتماد دارم.
خدایا!
مرا در بحبوحه خشم و در اوج خشنودی
از خطا و اشتباه، در امان بدار.
آن سان که در هر دو حال،
به یک منوال رفتار کنم
و همواره با یاد تو دلگرم باشم.

صادقانه

سفارش خدا به موسی

حضرت امیرالمؤمنین علی(ع) می‌فرماید:
خدای عزوجل به حضرت موسی(ع) فرمود که ای موسی!
سفارش مرا در چهار چیز حفظ کن:
اول: تا زمانی که گناهان خود را آمرزیده ندیده‌ای، به عیب دیگران نپرداز؛
دوم: تا زمانی که گنج‌های مرا خالی نشده نمی‌بینی، غم روزی نخور؛
سوم: تا وقتی که مُلک من زائل و فانی نشده، امیدوار به غیر من مباش؛
چهارم: تا زمانی که شیطان را مرده ندیده‌ای، از مکر و وسوسه و حیله او ایمن و خاطرجمع مباش.

بحارالأنوار، جلد ۱۳

تلخند

پمپاژ پامپئو

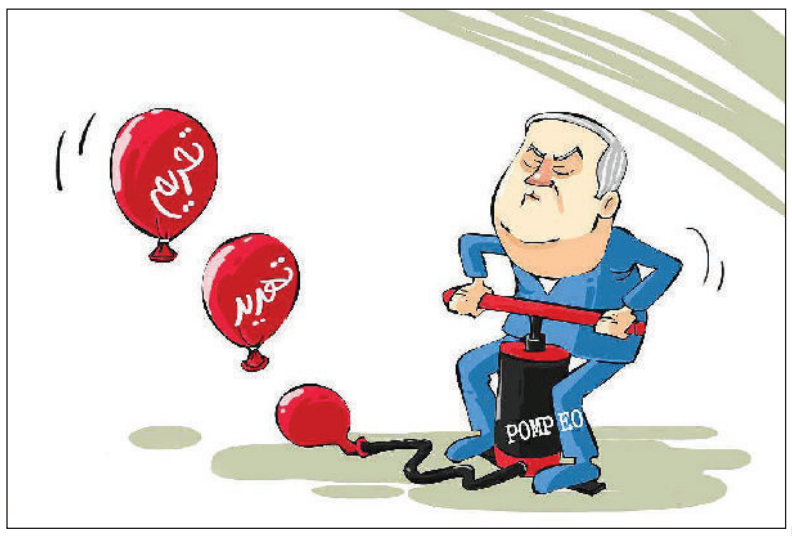

یادداشت

زلزله بی‌اخلاقی در کن

حسین کارگر / هفتادویکمین دوره جشنواره فیلم کن نیز با مطرح شدن چند فیلم و فیلمساز ایرانی به پایان رسید. مهم‌ترین اتفاقات این جشنواره برای سینمای ایران این بود که فیلم جدید اصغر فرهادی در مراسم افتتاحیه این جشنواره به نمایش درآمد و فیلمی از جعفر پناهی نیز جایزه بهترین فیلمنامه کن را دریافت کرد. اما همچنان جای سینمای ملی ایران در کن خالی است. این جشنواره فرانسوی که معمولاً همسو با سیاست‌های دولت آن کشور عمل می‌کند، به چند فیلمساز ایرانی محدود شده است. جعفر پناهی که در داخل کشورمان جایگاه چندانی ندارد، فیلم‌هایش هر سال به این جشنواره راه می‌یابد، حتی فیلم‌هایی چون؛ «این فیلم نیست»، «پرده» و «تاکسی» که از قضا ضعیف‌ترین آثار پناهی محسوب می‌شوند. اما محکومیت قضایی و امنیتی این فیلمساز در ایران، عامل راهیابی و کسب جوایز برای او در برخی از جشنواره‌ها به ویژه کن شده است. همچنان که فیلم جدید او «سه رخ» با امتیاز متوسط منتقدان جشنواره کن مواجه شد و حتی یکی از منتقدان از ضعف فیلمنامه و وجود گافی ابلهانه در روایت فیلم خبر داده و نوشته بود که داستان این فیلم با ارسال فیلم خودکشی یک دختر به یکی از بازیگران سینما شروع می‌شود، اما مشخص نمی‌شود دختری که خودکشی کرده فیلم این اقدام خود را چگونه ارسال کرده است! همچنین منتقد بی‌بی‌سی فارسی نیز فیلم سه رخ را اثری مصنوعی و تقلبی با ساختاری ضعیف توصیف کرده بود. با این حال، فیلم جعفر پناهی به دلیل راهبرد سیاسی جشنواره کن در مواجهه با سینمای ایران توانست جایزه بهترین فیلمنامه این جشنواره را از آن خود کند.

اما اصغر فرهادی دیگر فیلمساز هموطن ما، امسال با ناکامی جشنواره کن را پشت سر گذاشت. «همه می‌دانند» وی که به سفارش اتحادیه اروپا و در اسپانیا ساخته شده است، به زعم برخی از منتقدان، فیلمی کشدار بوده و حرف تازه‌ای برای گفتن ندارد.

اما در پایان، جشنواره کن ۲۰۱۸ با زلزله‌ای مواجه شد؛ آزیا آرجنتو بازیگر و کارگردان ایتالیایی هنگامی که برای اهدای جایزه بهترین بازیگر زن بر روی صحنه رفت اعتراف کرد که در سال ۱۹۷۷ در همین جشنواره مورد آزار و اذیت «هاروی واینستین» یکی از تهیه‌کنندگان بانفوذ و قدرتمند سینمای جهان قرار گرفت. وی همچنین رو به حضار گفت: «حتی امشب در میان شما کسانی هستند که همچنان نحوه برخوردشان با زنان زیر سؤال است.» شاید این اعتراف را بتوان افشاگر ماهیت و هویت واقعی جشنواره کن دانست؛ جشنواره‌ای که تحت سیطره قدرت‌های سیاسی و اقتصادی جهان است و نفی و سرکوب اخلاق و فرهنگ بومی کشورها از طریق سینما را در دستور کار دارد.

حسن ختام

سر به راه...

به تاخت می‌رفت
او بود و جاده دنیا
همه ایده‌آلش خلاصه می‌شد در تن سرد زمین
اسب دنیا را به شتاب هی می‌کرد
هوا برش داشته بود به ماندن
انگار تصمیم نداشت اسبی را که زین کرده بود به آمال دنیا، متوقف کند
او نمی‌دانست در این جاده هر چه بتازی
بیشتر باز می‌مانی
او نمی‌دانست که مقصد جای دیگری است
او نمی‌دانست که ته دنیا باز هم دنیاست
او حتی نمی‌دانست که از دنیا چه می‌خواهد!
عاقل می‌نمود
اما عاقل نبود
عجیب دنیازده بود...
تقصیر نداشت
راه گم کرده بود
راهنمایی هم نداشت
همه مقصدش سراب دنیا بود
مرادمان که بیاید «سر به راه» خواهیم شد
بیراهه‌ای هم نخواهد بود
کاش خورشید وجودش زودتر منوّر کند زمین را...

حرف تو حرف

راهبردهای مقابله با طرف مقابل!

پس از اینکه دولت آمریکا با پاره کردن برجام، اقدام به وضع تحریم‌های جدید کرد، دولت ایران نیز ضمن اقدام دندان‌شکن با آمریکا، طرف(های) دیگر غربی را به اقدام دندان‌شکن و پشیمان‌کننده تهدید کرد. قبلش هم دولت ایران با اقتدار گفته بود اگر برجام را پاره کنید، خیلی بدید. در ادامه راهکارهایی برای واکنش شدید تیم ایرانی ـ البته با توجه به سابقه و توانایی‌های تیم فعلی ـ ارائه شده است:

۱ـ مرحله اول واکنش راهبردگرا یا تاکتیکی

راهبرد کم محلی کردن: در این راهبرد، دولت ایران خودش را به آن راه می‌زند که انگار نه انگار برجام نابود شده است. در این راهبرد ایران مانند سابق به تعهدات برجامی خود (برچیدن زیرساخت‌های هسته‌ای، بتن‌ریزی رآکتورهای آب سنگین، اخراج دانشمندان و...) و البته با سرعت بیشتر ادامه می‌دهد تا وانمود کند که این اقدام اروپایی‌ها پشیزی ارزش نداشته و اصلاً اتفاق مهمی رخ نداده است.

۲ـ مرحله دوم عمل‌گرا یا پراگماتیک

۲ـ تحریم هماهنگ: همزمان با تحریم اشخاص و نهادهای گوناگون از سوی اروپایی‌ها، ایران هم این اشخاص را از طریق ابزاری، چون FATF و... تحریم کند. بنابراین مهم‌ترین ابزار آنها یعنی سلاح تحریم، در دست ماها می‌افتد.

۳ـ راهبرد سوم دیپلماسی عزت

در صورتی که دو راهبرد قبلی پاسخ ندهد، باید از تاکتیک دیپلماسی «پیروزی با واسطه‌ها» (Chapman Win With) استفاده کنیم. این راهبرد به این صورت است که برای اینکه شرایط خود را به طرف مقابل تحمیل کنیم، چیزی را که چشم طرف مقابل را بگیرد، می‌بریم و به او می‌دهیم. پس از مدتی ممکن است طرف مقابل دلش به رحم آمده و تحمیل شدن در مقابل شرایط ما را بپذیرد. البته اگر راه نیامد، باید در سیاست‌های خود بازنگری کرده و این بار هدیه‌ای بهتر تقدیم کنیم.

علی بهمنی

کشکیات

سرطان سعودی

گل در بر و می در کف و معشوق جوان است
افسوس که در چهره دیوان و ددان است
آن کس که نداند و نداند و نداند
مفتی سعودی است که از بی‌خردان است
چندی است که مفتی سعودی متنفر
از قاطر و قُطر و قطر و قطره‌چکان است
کی؟ شیخ سعودی خود آن دیو مگر کیست؟
بیزار از آن چهره او کل جهان است
از شیخ سقوطی چه توان گفت به جز هجو
این غده بدخیم شبیه سرطان است
از استِ تِ تِرس لکنت ناجور گرفتی
بی‌شک همه‌اش زیر سر داعشیان است
شمشیر تکان دادی و قِر دادی و اینک
کافی است دگر نوبت شمشیر زبان است

پرونده

ادامه از صفحه ۴

زمانی که این اظهارات در کنار هم قرار می‌گیرند، می‌توان از آن استنباط کرد که اروپا به دنبال القای این موضوع به مذاکره‌کنندگان ایرانی است که منافع ژئوپلیتیک میان ایالات متحده و اتحادیه اروپا به گونه‌ای است که این اتحادیه نه می‌خواهد و نه می‌تواند در مقابل آمریکا بایستد.

۵ـ موضع‌گیری برخی از شرکت‌ها: برخی از شرکت‌ها از هم اکنون موضع خود را در برابر وضع تحریم‌های ایالات متحده مشخص کرده‌اند؛ از جمله شرکت «زیمنس» که از قطع همکاری‌های جدید سخن گفت. برخی نیز همانند توتال خود را در دایره تصمیمات آمریکا دیده‌اند و معافیت‌های ایالات متحده را تنها راه ادامه همکاری با ایران بیان کردند. این موضع‌گیری‌ها قبل از به نتیجه رسیدن مذاکرات ایران و اتحادیه اروپا حاکی از اثرگذاری اندک این اتحادیه در مناسباتش با ایالات متحده است؛ به گونه‌ای که شرکت‌های اروپا تأثیرپذیری بیشتری از تهدیدهای ایالات متحده در مقابل توصیه‌های اتحادیه اروپا دارند.

۶ـ خروج آرام شرکت‌های اروپایی از برجام: غول‌های انرژی و حمل‌ونقل جهان از همین حالا می‌گویند که بازگشت تحریم‌های آمریکا دست آنها را می‌بندد و نمی‌توانند در بازار ایران بمانند. توتال فرانسه و مرسک تانکرز دانمارک نام های پرآوازه دنیای انرژی و حمل‌ونقل می‌گویند که تاب پرداخت جریمه به آمریکا را ندارند.

نتیجه‌گیری

نحوه حفظ برجام با اروپا برای پیش‌بینی وضعیت اقتصادی بسیار حائز اهمیت است. جمهوری اسلامی نیز به دنبال برهم زدن برجام نیست و با کشورهای اروپایی هم حرف و سخن روشن و مستدلی دارد؛ ضرورت تأمین منافع ملت ایران از طریق همین برجام و قطعنامه ۲۲۳۱. اگر اروپایی‌ها حاضر به پذیرش هزینه‌های ایستادگی در برابر آمریکا باشند و بتوانند همانند سال ۱۹۹۶ که تحریم‌های فرا سرزمینی ایالات متحده درباره کوبا را دور زدند، در قصه ایران عمل کنند، در چنین شرایطی ایران می‌تواند در برجام بماند و الا حق ایران برای گزینه‌های دیگر محفوظ خواهد بود.

اما چه اروپا این قابلیت را داشته باشد و چه نه، درس و دستاورد بزرگ برجام، ضرورت تداوم راه استقلال کشور و اتکا به داشته‌ها و ساخت درونی قدرت است. باید وابستگی به درآمدهای نفتی را کاهش داد و به سمت درآمدهای پایدار از قبیل اقتصاد دانش‌بنیان و اقتصاد مقاومتی حرکت کرد.

نگاهی به سریال «آنام»

احساسات‌گرایی مفرط در یک ملودرام خانوادگی

مهدی امیدی / سریال «آنام» داستان زندگی زنی کهنسال را روایت می‌کند که پس از حدود ۳۰ سال متوجه می‌شود دخترش زنده است. او به عنوان خدمتکار وارد زندگی دختر خود می‌شود، اما بر سر دوراهی اینکه مادر بودن خود را فاش کند، یا اینکه اجازه دهد آرامش زندگی دخترش حفظ شود، دچار چالش می‌شود. زن جوان وقتی می‌فهمد این خدمتکار، مادر واقعی‌اش بوده که مرگ، مادر را در آغوش گرفته است.

ملودرام‌های خانوادگی، با شخصیت‌های متعدد و در قسمت‌های طولانی، یکی از قالب‌های مطمئن و امتحان پس داده برای جذب مخاطب انبوه تلویزیونی هستند. تجربه سال‌های گذشته نشان داده است که هرگاه یک مجموعه با تعداد قسمت‌های بالا به کشمکش‌های احساسی و خانوادگی یا روابط انسانی پر تنش پرداخته به موفقیت رسیده است. نمونه بارز چنین آثاری در گذشته، سریال «سال‌های دور از خانه» بود که بین مردم ما به نام «اوشین» شناخته می‌شد. این سریال در دهه ۶۰ توجه بخش عمده مردم کشور ما را به خودش جلب کرد؛ چرا که هم روایتگر داستانی طولانی بود و هم دشواری‌های زندگی یک زن را به نمایش گذاشته بود. عبور این زن از بحران‌های مختلف و سختی‌های زندگی برای مردم ایران در آن دوران، ملموس و الهام‌بخش بود. سریال‌های ایرانی هم که در این قالب ساخته شده‌اند، اغلب به توفیق رسیده‌اند. به ویژه اگر شخصیت محوری آنها یک زن رنج کشیده باشد که زندگی‌اش به دلیل ظلم دیگران آسیب دیده باشد، قطعاً محبوبیت بالایی پیدا می‌کند.

«آنام» تجربه جدیدی در تولید چنین آثاری است که باز هم نتیجه داده است، هر چند که موضوع و چارچوب اصلی روایت این سریال، براساس یک کلیشه شکل گرفته است. در حوزه نمایش نیز نمایشنامه «دایره گچی قفقازی» نوشته برتولت برشت منبع الهام بسیاری از نمایش‌ها شده است. داستان این نمایشنامه همان ماجرای آشنای دو زن است که هر دو مدعی مادری یک طفل هستند و بر سر تصاحب او با هم به تقابل می‌پردازند. مادر واقعی، برای نجات فرزندش، از خودگذشتگی می‌کند و دست از تقابل برمی‌دارد و...

پیشتر در تلویزیون ایران، سریال‌های بسیاری با الهام از این نمایشنامه تولید شده بود، مجموعه‌هایی مانند «مدینه» و «روزهای زندگی» که از قضا پس از ۲۰ سال همزمان با «آنام» بازپخش شدند. در این سریال که با کارگردانی جواد افشار تولید شده است نیز مضمون محوری داستان، ازخودگذشتگی است. تکان‌دهنده‌ترین لحظات سریال مواقعی است که مارال به دخترش که ۳۰ سال از او دور بوده رسیده، اما برای حفظ زندگی او راز خود را فاش نمی‌کند. حتی تا دم مرگ نیز مادر بودن خود را نزد فرزندش ابراز نمی‌کند تا نکند خللی در روحیه وی ایجاد شود. این سریال، به خوبی مفهوم ارزش مادری را تجسم بخشیده است؛ یعنی هم مادرها با تماشای آن قدر و ارزش خود و فرزندشان را بهتر درک می‌کنند و هم فرزندان، جایگاه مقدس مادر را بیش از پیش درمی‌یابند.

«آنام» جزو سریال‌های متکی بر احساسات‌گرایی مفرط و به اصطلاح سانتی‌مانتالیسم است. این رویکرد از ابتدا که مشخص می‌شود قهرمان این سریال، یعنی مارال از دخترش دور افتاده است و حالا به او رسیده بر فضای درام سیطره می‌یابد و هر چه جلوتر می‌رود پررنگ‌تر می‌شود. قسمت‌های آخر، بازی با احساسات مخاطب به اوج می‌رسد. این سریال می‌توانست با وصال مارال و آرزو به پایان برسد، اما استراتژی سازندگان سریال این بود تا با پایان‌بندی تراژیک، تأثیرگذاری کار خود و ماندگاری آن در ذهن مخاطب را افزایش دهند.

اما دیگر ویژگی سریال «آنام» وجود اتفاقات متنوع و مختلف در آن است. به طور طبیعی سریالی که قرار است ۶۰ قسمت بیننده‌اش را با خود همراه کند، نمی‌تواند به یک خط روایی بسنده کند؛ بلکه باید ماجراهای مختلفی را تدارک ببیند. هر چه تنوع این ماجراها بیشتر و پیوند آنها با قصه اصلی مستحکم‌تر باشد، بار درام سریال نیز بیشتر می‌شود. در این سریال، تنوع در داستان رعایت شده است، به طوری که هم فضای روستایی را در آن می‌بینیم و هم شهری، هم از گذشته برای ما حکایت می‌شود، هم از زمان حال، هم خانواده ثروتمند وجود دارد هم فقیر، هم انسان‌های شرور در آن حضور دارند و هم انسان‌های نیک، هم مسائل اقتصادی در آن مطرح می‌شود و هم ماجراهای عاشقانه و اجتماعی و اخلاقی. اما یکی از نقاط ضعف فیلمنامه در این سریال، نبودن پیوند حیاتی روایت‌های متکثر در آن است، برای نمونه مثلث عشقی ایجاد شده برای کاراکتر آفرین، چندان جدی نیست و به نظر می‌رسد که فقط برای بالا بردن جذابیت و زمان سریال به داستان اصلی افزوده شده است. به طوری که اگر ماجراهایی که بین محمدعلی، آفرین و بهنام پیش می‌آید را از این سریال جدا کنیم، هیچ خللی پیش نمی‌آید، فقط سرعت داستان بیشتر می‌شود و زمان سریال نیز کاهش می‌یابد.

توجه به موضوعات اقتصادی روز جامعه یکی از مزیت‌های سریال «آنام» است. اینکه در این سریال به خطر برخی از خرابکارهای اقتصادی در دامن زدن به مشکلات و بیکاری پرداخته شده، بخش جسارت‌آمیز این سریال است. اما می‌شد در این زمینه بیشتر کار شود. تقلیل دادن اقدامات تخریبی «کبیر» به عنوان یک مفسد اقتصادی به انتقام‌گیری شخصی، اشتباه بود و باید نیت‌های مالی هم به اهداف کبیر اضافه می‌شد تا بار محتوایی و کارکرد اجتماعی و فرهنگی آن افزایش می‌یافت. همچنین طرح مسئله فاصله طبقاتی در این سریال، ناتمام باقی مانده است. به هر حال، سریال آنام یکی از محصولات صداوسیماست و در همه زمینه‌ها باید مؤلفه‌های انقلابی و عدالتخواهانه را در نظر می‌گرفت. بر این اساس باید نگاه منبعث از تفکر انقلابی هم درباره فاصله طبقاتی در این سریال جاری می‌شد.

در مجموع، سریال «آنام» در جذب مخاطب و کسب رضایت بینندگان خود و همچنین طرح برخی از مضامین اخلاقی و اجتماعی، سریال موفقی ارزیابی می‌شود، اما چنین سریال‌هایی باید از ظرفیت جذابیت خود بیشتر بهره ببرند و به لحاظ محتوایی در ترسیم مسائل استراتژیک، سیاسی و به ویژه سبک زندگی، غنی‌تر شوند.

اخبار فرهنگی

بازی مسابقه «فرمانده» تولید می‌شود

افشار، تهیه‌کننده «فرمانده» در نشستی خبری گفت: «ما در حال تولید یک بازی اندرویدی هستیم که تولید آن حدود یک سال طول کشیده و به زودی عرضه می‌شود. افزون بر این، بازی رومیزی را نیز در دست تولید داریم.» وی افزود: «مسابقه «فرمانده» می‌تواند برای نسل‌های پس از انقلاب جذاب باشد؛ ما در این زمینه بازخوردهایی دریافت کردیم که برای خودمان هم عجیب بود.» مهدی ماهان، یکی از کارگردان‌های این مجموعه نیز اظهار داشت: «ضرورت ساخت چنین برنامه‌هایی در تلویزیون احساس می‌شود تا با آنها قالب کلیشه‌های ذهنی جوانان را بشکنیم و آنها را در موقعیت‌هایی سخت قرار دهیم. بسیاری از شرکت‌کننده‌های ما در پایان مسابقه می‌گفتند، فکرش را نمی‌کردند بتوانند از پس انجام چنین کارهایی در مسابقه بربیایند.»

واکنش اهل سنت به فیلم «به وقت شام»

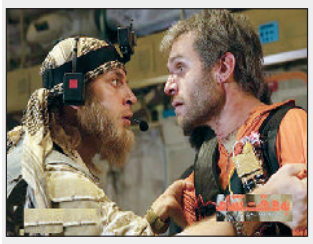

فیلم «به وقت شام» اثر ابراهیم حاتمی‌کیا به همت بسیج دانشجویی دانشگاه آزاد نیکشهر در سالن فرهنگ و ارشاد این شهرستان اکران شد.

در این مراسم که مسئول بسیج دانشجویی استان، امام‌جمعه و جانشین فرمانده سپاه نیکشهر حضور داشتند، استقبال اقشار گوناگون مردم شیعه و سنی این شهرستان دور از انتظار بود. همچنین فیلم «به وقت شام» با حضور خانواده اولین شهید اهل سنت مدافع حرم آذربایجان غربی در بوکان اکران شد. به گزارش «عمار فیلم» به نقل از خبرگزاری ایرنا، در هنگام نمایش این فیلم افزون بر علاقه‌مندان به سینما، مسئولان و خانواده‌های شهدا به همراه خانواده شهید اسماعیل شجاعی، نخستین شهید مدافع حرم اهل سنت آذربایجان غربی نیز حضور داشتند.

«اوباما» فیلم و سریال می‌سازد

رئیس‌جمهور سابق آمریکا و همسرش برای ساخت فیلم سینمایی، سریال و مستند با نت‌فلیکس قرارداد بستند.

به گزارش گاردین، رئیس‌جمهور اسبق و بانوی اول آمریکا ایده‌های خود را برای تولید بالقوه شوهای تلویزیونی و سری برنامه‌های فیلم‌نامه‌ای و غیر فیلم‌نامه‌ای فیلم مستند ارائه داده‌اند.

اوباما درباره این همکاری گفت: «یکی از لذت‌های دوران ما آشنایی با بسیاری از اقشار گوناگون مردم از تمام جوانب زندگی است و کمک به آنها به منظور اینکه تجربیات‌شان را با گستره وسیعی از مخاطبان به اشتراک بگذارند. این دلیل اصلی من و میشل است.»

کارگردان «آنام» سریال حضرت معصومه(س) را می‌سازد

کارگردان سریال «آنام» سریال بعدی خود را با موضوع زندگی حضرت معصومه(س) معرفی کرد. جواد افشار درباره این سریال گفت: «سریال حضرت معصومه(س) مراحل نگارش را طی می‌کند و در حال حاضر مراوداتی بین تلویزیون و آستان حضرت معصومه(س) در قم صورت گرفته است.» افشار تصریح کرد: «سریال حضرت معصومه(س) جزء سریال‌هایی است که سال‌ها دوست داشتم آن را بسازم.» سریال «حضرت معصومه(س)» از جمله سریال‌های الف ویژه تلویزیون است که زندگی‌نامه حضرت معصومه(س) را روایت می‌کند.

خانه‌ای که موزه شهید مدافع حرم شد

خانه شهید مدافع حرم اصفهانی به موزه گنجینه آثار او تبدیل شده است. به گزارش باشگاه خبرنگاران پویا، شهید مدافع حرم «مسلم خیزاب» اصالتاً اهل اصفهان و فرمانده گردان یازهرا(س) بود که مهرماه ۱۳۹۴ در دفاع از حریم اهل بیت(ع) در سوریه به شهادت رسید.

اعظم رنجبر، همسر و محمدمهدی، فرزند شش ساله شهید اکنون گنجینه‌ای از یادگاری‌های شهید خیزاب را در خانه‌شان فراهم آورده‌اند که ارزش و عیاری به اندازه یاد و خاطره یک شهید دارد. یک آپارتمان در محله کاوه اصفهان که مکان زندگی همسر و فرزند یک شهید است، به موزه‌ای خانوادگی تبدیل شده است.»

اجرای نمایش «دریادلان» درباره غواصان شهید

نمایش محیطی دریادلان به نویسندگی و کارگردانی امیرحسین شفیعی همزمان با سومین سالگرد تفحص ۱۷۵ شهید غواص در بوستان دانشجو اجرا می‌شود. دریادلان انتظار مادر شهیدی را که سال‌هاست در جست‌وجوی فرزند خود است روایت می‌کند و در این میان نقبی هم به شهدای غواص کربلای ۴ و شهدای مدافع حرم می‌زند. این نمایش ترکیبی از موسیقی، حرکات فرم و روایت است. این نمایش تا ۲۰ خرداد بعد از اذان مغرب و عشا در محوطه تئاتر شهر، آب‌نمای بوستان دانشجو اجرا می‌شود.